

N

شورای عالی حوزه ی علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه حضرت نرجس خاتون – سلام الله علیها –
شهرستان: برخوار

موضوع

جرائم اجتماعی و راه های پیشگیری از آن در قرآن

استاد راهنما
خانم مرضیه تاج الدین

استاد داور
حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود راعی

محقق
مرضیه خادمی

تابستان ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

N

شورای عالی حوزه ی علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه حضرت نرجس خاتون – سلام الله علیها –
شهرستان: برخوار

موضوع

جرائم اجتماعی و راه های پیشگیری از آن در قرآن

استاد راهنما
خانم مرضیه تاج الدین

استاد داور
حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود راعی

محقق
مرضیه خادمی

تابستان ۱۳۹۲

1

تحقیق پایانی با موضوع: **جرائم اجتماعی و راه های پیشگیری از آن در قرآن** که توسط پژوهشگر محترم خانم: **مرضیه خادمی** برای دریافت دانشنامه سطح ۲ (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۲، با کسب رتبه‌ی پذیرفته شده است.

استاد راهنما: مرضیه تاج الدین

استاد داور: حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود راعی

مدرسه علمیه: حضرت نرجس خاتون - سلام الله علی -

شهرستان: برخوار

امضاء مدیر و مهر مدرسه

تقدیم

تقدیم به عدالت گستر جهان حجت بن الحسن العسگری - عجل الله تعالی فرجه

الشریف -

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که پژوهشگر را در این پژوهش یاری کردند کمال تشکر به عمل می آید
بخصوص از سرکارخانم مرضیه تاج الدین و همسرم که در این مدت درحد توان کمال
همکاری را داشتند.

چکیده مطالب

پژوهش حاضر به بررسی تعاریف مختلفی که برای جرم آمده پرداخته و در ادامه انواع جرم و راه های مختلف پیشگیری از آن را مورد بررسی و نقد قرار داده و بهترین راه که دستورهای مبین قرآن می باشد را ارائه داده است.

جرم در لغت به معنای گناه و بزه می باشد. از مجموع تعاریفی که برای جرم شده چنین استنباط می شود: جرائمی که قانون مجازات اسلامی برای آن ها مجازات تعیین کرده است را می توان جرم نامید.

هدفی که این پژوهش آن را دنبال می کند پیشگیری از جرائم اجتماعی با توجه به مطالب حکمت آمیز قرآن است. در قرآن جرم به معنی گناه آمده و مصادیق و مشتقات فراوانی نیز بر آن آورده شده است.

از جمله جرائم اجتماعی که قرآن به آن ها اشاره کرده این موارد را می توان نام برد: زنا، شرابخواری، ربا، اشاء، فحشاء، قتل و غیره.

با توجه به این جرائم، ضرورت ایجاب می کند که عامل جرائم را شناخته و به پیشگیری از آن ها پرداخته شود.

اما آنچه این پژوهش مدنظر دارد راه های پیشگیری جرم از طریق آموزه های قرآن می باشد که علاوه بر پیشگیری نقش مؤثری در اخلاق و معنویات افراد دارد بطوریکه منجر به انصراف درونی فرد از رفتن به سوی جرم می شود. این راه ها شامل سه محور زیر می باشد که هرکدام به طور جداگانه مورد بررسی گرفته^۱ - اعتقادات پیشگیرانه^۲ - اخلاقیات پیشگیرانه^۳ - احکام پیشگیرانه.

کلید واژه ها: جرائم اجتماعی، پیشگیری، قرآن

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه	۲
-------------	---

بخش اول:

فصل اول: کلیات

۱-۱- تعریف و تبیین موضوع	۴
۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع	۴
۱-۳- اهداف و فواید تحقیق	۵
۱-۴- بررسی پیشینه و سابقه ی موضوع	۶
۱-۵- طرح مسأله و پرسشهای تحقیق	۷
۱-۶- فرضیه تحقیق	۷
۱-۷- روش تحقیق	۷
۱-۸- تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی	۷
۱-۹- ساختار و محدوده ی تحقیق	۸
۱-۱۰- محدودیت و مشکلات تحقیق	۸

فصل دوم: مفهوم شناسی جرائم اجتماعی

۲-۱- تعریف لغوی جُرم	۹
۲-۲- تعریف اصطلاحی جُرم	۹
۲-۳- جُرم اجتماعی	۱۴

- ۲-۴- اقسام جرائم ۱۹
- ۲-۵- انواع جرائم اجتماعی در قرآن ۲۱
- ۲-۵-۱- بدحجابی ۲۲
- ۲-۵-۲- زنا ۲۴
- ۲-۵-۳- رباخواری ۲۵
- ۲-۵-۴- سرقت ۲۷
- ۲-۵-۵- اشاعه ی فحشاء ۲۸
- ۲-۵-۶- کم فروشی ۲۸
- ۲-۵-۷- فتنه ۳۰
- ۲-۵-۸- قذف ۳۲
- ۲-۵-۹- دشنام به پیامبر اسلام و معصومان و مقدسات مذهبی ۳۴
- ۲-۵-۱۰- محارب و مفسد فی الارض ۳۶
- ۲-۵-۱۱- قتل ۳۷
- ۲-۵-۱۲- شرابخواری ۳۹

بخش دوم:

فصل اول: علل وقوع جرائم اجتماعی

- ۱-۱- عوامل فردی یا زیستی ۴۳
- ۱-۲- عوامل روانی ۴۷
- ۱-۲-۱- ضعف و کاستی ایمان ۴۷
- ۱-۲-۲- ترس از گرسنگی ۴۸

- ۴۸ ۱-۲-۳- فراموشی خداوند
- ۴۹ ۱-۲-۴- اعتقادات و باورهای نادرست
- ۵۰ ۱-۲-۵- وسوسه شیطان
- ۵۱ ۱-۲-۶- تحقیر شخصیت و خود کم بینی
- ۵۳ ۱-۲-۷- ضعف ایمان به قیامت و حسابرسی
- ۵۳ ۱-۲-۸- امید و آرزوی کاذب و بی اساس
- ۵۴ ۱-۲-۹- حسد
- ۵۶ ۱-۳- عوامل اجتماعی
- ۵۷ ۱-۳-۱- محیط اجتماعی
- ۶۴ ۱-۳-۲- محیط اقتصادی
- ۶۹ ۱-۳-۳- محیط سیاسی

فصل دوم: راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی

- ۷۲ ۲-۱- پیشگیری متداول
- ۷۶ ۲-۲- پیشگیری های جدید
- ۷۸ ۲-۲-۱- پیشگیری اجتماعی
- ۷۸ ۲-۲-۲- ارزیابی مدل های پیشگیری
- ۷۹ ۲-۲-۳- پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی

۹۹ نتیجه گیری

۱۰۰ پیشنهادات

۱۰۱ منابع و مآخذ

پیوست

مقدمه

یکی از نیازهای طبیعی انسان هایی که در یک جامعه زندگی می کنند نیاز به امنیت است. در سایه امنیت اجتماعی است که اشخاص می توانند به فعالیت های اجتماعی خود بدون دغدغه بپردازند. اگر قرار باشد در اجتماع هرکس هر کاری بخواهد انجام دهد و از قانون، مقررات و اخلاقیات خبری نباشد جامعه دچار هرج و مرج می شود و افراد آن به حقوق یکدیگر احترام نخواهد گذاشت آیا جامعه ای که افراد آن با این فرهنگ اجتماعی در آن زندگی می کنند جای مناسبی برای زندگی کردن می باشد؟

بی تردید جرم یک پدیده اجتماعی است و محیط و عوامل اجتماعی در ارتکاب آن بتأثیر نیستند.

بنابراین ضرورت ایجاب می کند برای از بین بردن جرم و فساد در جامعه علل آن شناسایی شود و افراد مسئول از قبیل خانواده ها، دولت و غیره برای پیشگیری از آن اقدام کنند. هدف این پژوهش پیشگیری از جرم «قبل از به وقوع پیوستن» آن است. یعنی جامعه به مرحله ای برسد که از جرم قبل از به وقوع پیوستن پیشگیری کند و این عملی نخواهد شد مگر با به کار بستن بهترین راه کارها که قرآن ارائه داده است. فایده ای که از این امر متولد می شود، جامعه ای است سرشار از نشاط، اعتماد، دور از فساد و یا حداقل فساد تا به دست صاحب اصلی آن برسد و طعم خوش «مدینه طیبه» را به کام همگان برساند.

لازم به ذکر است این مجموعه دارای دو بخش به شرح زیر است:

بخش اول:

فصل اول: کلیات

فصل دوم: مفهوم شناسی جرائم اجتماعی

بخش دوم:

فصل اول: علل وقوع جرائم اجتماعی

فصل دوم: پیشگیری از جرائم اجتماعی

از مجموع این تحقیق بدست می آید که پیشگیری از وقوع جرم با عنایت ویژه به آموزهای

قرآن عملی است.

بخش اول

فصل اول: کلیات

فصل دوم: مفهوم شناسی جرائم اجتماعی

۱- کلیات

۱-۱- تعریف و تبیین موضوع

هر انسانی در هر برهه از زمان نیازمند و طالب آرامش و آسایش می باشد و این نیاز طبیعی اوست که زندگی روزمره و اجتماعی خود را بدون هیچ دغدغه ای سپری کند. اما اگر در جامعه ای فساد و جرم باشد مردم آن نمی توانند از این نیاز طبیعی خود یعنی آرامش کمال استفاده را ببرند. جالب اینکه قرآن نیز از این موضوع غافل نبوده و به انواع جرائم اجتماعی اشاره فرموده است و جالب تر از آن اینکه قرآن عزیز راه های پیشگیری از آن را نیز ارائه داده است تا در شخص انصراف درونی برای روبه رو شدن با این موضوع ایجاد شود و هرگز دنبال پیدا کردن فرصت برای جرم و جنایت نباشد.

این پژوهش نیز تمام تلاش خود را به کار بسته تا بتواند راه کارهای عملی و شدنی برای پیشگیری از جرم را ارائه دهد که بهترین راه کارها را قرآن ارائه داده است تا شخص با بهره گیری از اخلاقیات و معنویات بتواند از درون با خود مبارزه کند تا هیچ گاه سراغ جرائم نرود. و در صورتی که راه برای صعود او هست کج راهه نرود و مسیری را که مورد رضایت نظر خداوند است پیماید.

۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع

از دیرباز جوامع در این فکر بودند که راهی جهت امنیت اجتماعی بیابند جامعه ای عاری

از جرم و جنایت و فساد را حاکم کنند. تدابیر کیفری زیادی برای امر دایر شده و تا امروز نیز در مورد مجرمان در حال اجرا بوده است. اما تجربه نشان داده که کیفر و مجازات مجرمین نتوانسته آن گونه که باید در کاهش جرایم نقش چندانی داشته باشد. مثلاً زندانی کردن مجرمین، چا بسا، بسیار دیده شده بعضی از مجرمین هنگامی که از زندان آزاد می گردند مجدداً به همان جرم یا جرم های دیگر روی می آورند. با توجه به این موارد ضرورت ایجاب می کند برای کاهش جرایم اجتماعی و فساد و بی بندوباری راهی در نظر گرفته شود که بدون خطا و اشتباه باشد تا افراد از همان ابتدا اصلاً سراغ جرائم نروند که بی تردید این قرآن است که مطمئن ترین راه ها را ارائه می دهد.

۳-۱- اهداف و فواید تحقیق

شناخت جرائم اجتماعی این امکان را به جامعه می دهد تا به راحتی عوامل جرم را شناسایی کنند و با شناخت عوامل بی شک شناخت راه های پیشگیری از جرم راحت تر می شود. اهداف تحقیق: هدف کلی: راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی از دیدگاه قرآن .

اهداف جزئی: ۱- بیان جرم و انواع آن ۲- آشنایی با عوامل جرم را به خصوص جرائم اجتماعی ۳- بیان راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی.

فواید تحقیق: قرآن که برنامه کامل زندگی است همان طور که به جرائم اجتماعی اشاره کرده برای پیشگیری از جرم نیز راه های بسیار مناسب و اساسی ارائه داده است. از جمله مهم ترین فواید این تحقیق راه های مناسب برای پیشگیری از جرم است که توسط آموزه های قرآن ارائه شده است که نه تنها پیشگیری می کند موجب انصراف درونی در انسان ها برای روی نیاوردن به جرائم می شود.

۴-۱- بررسی پیشینه و سابقه ی موضوع

جرم و جنایت وسقوط و انحطاط اخلاقی از همان ابتدای خلقت وجود داشته و در تاریخ زمانی نیست که جوامع خالی از فساد بوده باشند.

اولین جرم که روی زمین اتفاق افتاد. توسط قرآن کریم بیان شده، آن جا که از لغزش آدم و حوا حکایت می کند: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» « و گفتیم ای آدم خود و همسرت در بهشت سکونت گیرید..... و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود»

اما وقتی شیطان آن دو را فریب داد و به لغزش وادار کرد، آن ها به درخت ممنوعه نزدیک شدند و مرتکب اولین جرم گردیدند و به مجازات خود هم رسیدند. (بقره ۳۵-۳۶)

بعد از این جریان به داستان هابیل و قابیل نیز می توان اشاره کرد که حسادت یکی از این دو برادر موجب قتل برادر دیگر شد و اولین خونریزی در زمین به وقوع پیوست.

کتاب های زیادی در زمینه جرم و فساد نوشته شده است اما با توجه به مطالعاتی که انجام شد کتابی که اختصاصاً به جرائم اجتماعی در قرآن پرداخته باشد دیده نشد.

کتاب ها و مقالاتی در رابطه با جرم، علل جرم و راه های پیشگیری از آن گردآوری شده است که تعدادی از آن ها نیز در این تحقیق استفاده شده از جمله:

مقدمه ی علم حقوق دکتر ناصر کاتوزیان، تاریخ حقوق ایران دکتر جعفر لنگرودی،

روانشناسی جنایی دکتر پریرخ دادستان، گناه شناسی، محسن قرائتی و تعدادی از کتاب های

حقوقی دیگر و تفاسیر متعدد. که از هر کدام با توجه به نیاز این تحقیق استفاده شده است.

آنچه این تحقیق را ممتاز کرده این است که علل و راه های پیشگیری از جرم با توجه به

آیات قرآن بررسی شده است و رعایت مسائل اخلاقی به وفور در آن دیده می شود.

۵-۱- طرح مسأله و پرسشهای تحقیق

سؤال اصلی:

راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی در قرآن کدام است؟

سؤالات فرعی:

۱- جرم چیست و انواع آن را توضیح دهید؟

۲- چه عواملی در بروز جرم تأثیر دارند؟

۳- راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی چیست؟

۶-۱- فرضیه تحقیق

در قرآن کریم راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی بیان شده است.

۷-۱- روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی است و روش جمع آوری مطالب نیز به صورت

کتابخانه می باشد. دامنه و محدوده پژوهش کتاب ها و مقالات حقوقی فقه اسلامی، قرآن و

روایات می باشد.

۸-۱- تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی

جرم اجتماعی: عملی است که نظم اجتماعی را نقض نموده و این نظم در هر عصری

متناسب با تمدن افکار و عقاید متعارف همان عصر می باشد.

پیشگیری: دفع و جلوگیری از وقوع جرم را گرفتن.

پیشگیری در قرآن: راه کارهایی که توجه و به کارگیری آن ها نه فقط موجب پیشگیری

از وقوع جرم و انصراف درونی از فعالیت های مجرمانه می گردد بلکه باعث رشد و تعالی

روحی و معنوی انسان می شود.

۹-۱- ساختار و محدوده ی تحقیق

بخش اول:

فصل اول: کلیات

فصل دوم: مفهوم شناسی جرائم اجتماعی

بخش دوم:

فصل اول: علل جرائم اجتماعی

فصل دوم: راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی

۱۰-۱- محدودیت و مشکلات تحقیق

۱- محدود بودن کتاب ها و نشریات در رابطه با موضوع حاضر

۲- مفهوم شناسی جرائم اجتماعی

۲-۱- تعریف لغوی جرم

گناه، بزه^۱

قَطْعُ الثَّمَرَةِ، وَ رَجُلٌ جَارِمٌ وَ قَوَامٌ جَرَامٌ وَ ثَمَرٌ جَرِيمٌ.^۲

جرم از ماده جَرَم به معنی قطع کردن است؛ جَرَمَ النَّخْلَ: قطع میوه خرما.^۳

در حقیقت جرم رابطه طبیعی و منطقی بین عمل صحیح و مطابق حق و عدل را قطع می کند.

به عنوان مثال از نظر منطقی، مال از آن کسی است که مالک آن به طور صحیح و عادلانه آن

را مالک شده باشد که اعمال مجرمانه از قبیل سرقت، کلاهبرداری و غیره این رابطه طبیعی را قطع

می کند. به هر حال جرم در لغت کنایه از انجام عمل زشت و ناپسند و ممنوع و حرام است.^۴

۲-۲- تعریف اصطلاحی جرم

جرم در اصطلاح گناهی است- به تعبیر موسع- که دارای مجازات دنیوی باشد، این کلمه

کتب فقهی ملاحظه نمی شود و در قرن اخیر در اصطلاحات حقوقی مکتسب از حقوق جزای

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ویرایش و بازخوانی شهاب الدین ارجمندی، چاپ اول، ۸۱

چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷، ص ۴۱۷.

۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت، انتشارات ذوی القربی، چاپ ۱۳۸۳ ه. ش، ص ۱۹۲.

۳- دائرة المعارف شیعه، زیر نظر احد صدر حاج سید جواد، بهاء الدین خرم شاهی، کامران فانی، نشر سعید محبی، چاپ دوم، ج ۶، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ص ۳۳۷.

۴- عادل ساریخانی، حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپخانه نگارش قم، چاپ

اول، خرداد ۱۳۸۳، چاپ دوم، اسفند ۱۳۸۳، ص ۲۷

خارجی - ابتدا از طریق تُرک ها - وارد گردیده است.^۱

۱- تعریف جرم در اصطلاح حقوق به چند صورت بیان شده است که نظریه کارارا حقوق

دان ایتالیایی را کامل ترین آن ها می دانند بنابر نظر وی جرم یعنی: «نقض یکی از قوانین مملکت

بر اثر عمل خارجی شخص که متضمن ایفاء وظیفه یا اعمال حقی نباشد و قانون برای آن مجازاتی

تعیین کرده باشد جرم محسوب می شود.^۲

جرم در اصطلاح حقوقی با این تعریف نیز آمده که از مجموع قوانین جزائی و قانون اساسی

چنین استنباط می شود که جرم، عمل مثبت یا منفی است که قانون آن را منع کرده و برای هر

شخصی که مرتکب آن عمل شود، مجازاتی مقرر شده است.^۳

۲- جرم در اسلام عبارت است از؛ مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی

که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد.^۴

۳- در کتاب محشای قانون مجازات اسلامی جرم با این تعریف آمده : هر فعل یا ترک

فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.^۵

۴- در قانون راجع به مجازات اسلامی تعریف جرم بدین صورت است: هر فعل یا ترک

فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی یا تربیتی باشد جرم محسوب می شود

و هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات

تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد. همین تعریف با مختصر تفاوتی در آئین نامه ی دادرها و

۱- دائرة المعارف شیعه، ص ۳۳۷.

۲- همان.

۳- علی اکبر دهخدا، لغت نامه ی دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره

جدید، بهار ۱۳۷۳، ج ۵، ۱۴ جلدی، ص ۶۷۲۲.

۴- عادل ساریخانی، حقوق جزای اسلام، ص ۱۵.

۵- ایرج گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چاپ پازدهم، ۱۳۹۱، ص ۱۴.

دادگاه های ویژه روحانیت دیده می شود: هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تامینی یا تربیتی باشد جرم محسوب می گردد. تعریف اول شامل اعمالی است که قانون به عنوان جرم پیش بینی کرده و مجازات آن را مشخصاً معین نموده باشد و قسمت اخیر ماده ی مذکور نیز متکی به یقین و تشخیص مجازات در قانون است که اگر برای فعل یا ترک فعلی مجازاتی تعیین شده باشد جرم نیست.

بنابر تعریف اول بعضی از گناهان شرعیه که حتی کبیره هم باشند چون در قانون مجازاتی برای آنها پیش بینی شده جرم تلقی نمی گردد مانند غیبت که صرفاً مجازات اخروی دارد. و همچنین بعضی از اعمال که شرعاً گناه محسوب نمی شوند مانند قاذق، عدم ثبت ازدواج و طلاق و غیره قانوناً جرم شناخته شده است. در تعریف دوم که احکام شرعیه را نیز اضافه کرده است، روحانیت را ملزم به رعایت احکام شرعیه نموده که مثلاً غیبت که برای دیگران جرم نیست ممکن است برای روحانیون جرم باشد.^۱

۵- مذهبیون با الهام از عقاید دینی جرم را تضییع و تجاوز به حق الله و حق الناس می دانند.

تجاوز به حق الله: یعنی تجاوز به حدود حقوق خداوند که با استغفار شخص معصیت کار

می تواند از مجازات رهایی یابد.

تجاوز به حق الناس: یعنی تجاوز به حدود حقوق امت اسلامی است که گذشت شاکی

خصوصی باعث رهایی مجرم از مجازات می گردد.^۲

۶- فقها جرم را چنین تعریف کرده اند:

۱- دائرة المعارف شیعه، ص ۳۳۸.

۲- هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، دوره دو جلدی، چاپ شانزدهم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۸، ص ۲۲۰.

جرم عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن قول که قانون اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است یا ترک فعل یا قول، که قانون اسلام آن را واجب شود، شمرده و بر ترک آن، کیفری مقرر داشته است. و این نشأت گرفته از آنجاست که هرکس از اوامر و نواهی خدای تعالی سرپیچی کند. برای او کیفر و مجازاتی تعیین شده است و آن کیفر یا در دنیا گریبان گیر مجرم می شود و آن به این صورت است که به وسیله امام - علیه السلام - یا نائب او یعنی حاکم شرع و ولی امر و فقیه جامع الشرایط، یا قاضی منصوب از طرف او به اجرا گذاشته می شود. و یا کیفر تکلیفی است که مجرم برای اینکه گناهانش پوشید، و محو گردد انجام می دهد، تا کفاره گناهان او گردد، یا اینکه کیفر، در آخرت مجرم را معذب خواهد داشت، و گناهکار در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید، مگر آنکه توبه مجرم طبق شرایطی مورد پذیرش خدای تعالی قرار بگیرد.^۱

با توجه به تعاریف ارائه شده منظور از جرم در این پژوهش جرائمی است که قانون مجازات اسلامی برای آن مجازات تعیین کرده است.

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع و جلو مرض را گرفتن می باشد و همچنین به معنای «پیش دستی کردن» و به جلوی چیزی رفتن و آگاه کردن و هشدار دادن است.^۲

از واژه پیشگیری تعاریف، تفاسیر و بسته بندی های مختلفی به عمل آمده است. از نظر ریموند گسن مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاسی جنایی است (به استثنای تدابیر نظام کیفری) که غایت انحصاری یا غیر کلی آن، تحدید حدود امکان رخداد مجموع اعمال جنایی از طریق

۱- همان، ص ۲۱۹.

۲- میثم مرادیان، وقوع جرم، سایت: www.Pajohoohe.Com.

۳- تهیه و گردآوری معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۱.

غیرممکن الوقوع ساختن یا دشوار نمودن یا احتمال وقوع آن را پایین آوردن است بدون اینکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شوند.

برخی دیگر پیشگیری را در معنای پیش بینی، تشخیص و ارزیابی خطر جرم و ابتکار برخی اقدامات برای حذف یا کاهش آن پنداشته اند.

به همین مضمون در پیش نویس لایحه قانون تأسیس شورای عالی پیشگیری، پیشگیری به صورت «پیش بینی» شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام های لازم برای از میان بردن یا کاهش آن ها تعریف شده است.

در هر حال کلیه تعاریف معموله از پیشگیری به دنبال یک هدف می باشند. و آن حفظ و صیانت از امنیت فردی و اجتماعی است!

لازم به ذکر است یکی از تقسیم بندی هایی که جهت پیشگیری از جرائم بیان شده تقسیم بندی زیر می باشد:

۱- پیشگیری پیش از وقوع جرم

۲- پیشگیری در مرحله وقوع جرم

۳- پیشگیری در مرحله پس از وقوع جرم

بنابر آنچه بیان شد و تعریف لغوی و اصطلاحی جرم از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت اما آنچه در این پژوهش مدنظر است جرم اجتماعی است. جمع در لغت به معنی: گرد کردن و فراهم کردن می باشد.

۱- حیدر ایرانشاهی، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، چاپ اول، چاپ بهاران، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۷.

۲- تهیه و گردآوری معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲، ص ۴.

و اجتماع در لغت به معنی گرد هم آمدن، جمع شدن، مقارنه ی ماه و آفتاب آمده است.

اجتماعی: منسوب به اجتماع، همگانی، عمومی، کسی که آداب معاشرت را می داند.

۳-۲- جرم اجتماعی

در تعریف جرم باید زمان و مکان در نظر گرفته شود چرا که مفهوم جرم از یک طرف با زمان ارتباط دارد و به علت آنکه هر پدیده ای همان طور که پیوستگی ها و روابط فراوانی با زمان و شرایط هر جامعه دارد. به مجموعه میراث های فرهنگی، مذهبی، سنن و آدابی که در هر اجتماع سلطه نفوذ فراوان دارند نیز وابسته است.

از طرف دیگر در تعریف جرم، باید جنبه مکانی آن در نظر گرفته شود. زیرا توصیف این پدیده باید بر مبنای وضع و شرایط هر اجتماع در زمان خاص انجام گیرد. چرا که به اعتبار تغییر شرایط زندگی مفاهیم و رویدادها نیز پیوسته در حال تحول و دگرگونی می باشد. بدین صورت که آنچه در زمان خاص از طرف اجتماع و از دید افراد جرم محسوب می شود، ممکن است در زمانی دیگر به علت تغییر شرایط اجتماعی و به علت ارزش های فرهنگی، فاقد آن اعتبار گردد.^۲ مثلاً جادوگری که در قرون وسطی رایج بود، جز بود، جرم در چند کشور، در سایر کشورها از بین رفته ولی با توسعه امور اقتصادی و تجاری جرائم مالی و پولی و ارزی و ضرب سکه های تقلبی و جعل اسکناس و کلاهبرداری و ارتشاء و اختلاس فراوان شده است.

تاریخ گذشته نشان می دهد که قوانینی وجود داشته که دیگر امروز اثری از آن ها مشهود نیست. مثلاً قامون سال ۱۷۸۴ ابروس منع می کرده که مادران و دایه ها، کودکان بیش از دو سال را

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۰۴.

۲- هوشنگ شامبیانی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹.

در کنار خود بخوابانند. روستائیان انگلستان حق نداشتند که کودکان خود را به مدرسه بفرستند. در برخی دوره ها، چاپ کتب مربوط به فرضیه های پزشکی و فروش پول به بیگانگان و نگهداری طلا در منزل و خرید کالا از محلی غیر از بازار و یا خرید آن ها به منظور فروش به قیمت بالاتر جرم محسوب می شد.

اما در زمان حاضر قوانینی وجود دارد که در زمان های گذشته وجود نداشته و نسل قبل از آن نیز کاملاً بی اطلاع بوده است، و علت آن هم تغییر و تحولاتی است که در اجتماع رخ داده است. مثلاً قوانین مربوط به بهداشت و درمان و قوانین کار مربوط به کارفرما از آن جمله است. با توجه به آنچه بیان گردیده این حقیقت روشن می گردد که تعریف دقیق جرم از نظر اجتماعی باید در چارچوب شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان و جامعه مورد نظر صورت گیرد تا منطبق با نظرها و اندیشه های افراد آن جامعه که بر مبنای معیارها و کیفیت مایه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان قرار دارد، منطبق باشد.

چنین است که « میل دورکیم » جامعه شناس فرانسوی می گوید: « جرم پدیده ی طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند، جرم محسوب می شود. »

بنابراین جرم از نقطه نظر اجتماعی عملی است که نظم اجتماعی را نقض نموده و این نظم در هر عصری متناسب با تمدن افکار و عقاید متعارف همان عصر می باشد. تعریفی که را فائل گاروفالو از بانیان مکتب تحقیقی در کتاب جرم شناسی از جرم ارائه می دهد متوجه همین نقطه نظر است: « جرم هر نوع اهانتی است که در هر زمان و هر گذر نسبت به احساسات و سجایای احسان و امانت و درستکاری انجام شود. »

اگر تعریف داده شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، ملاحظه می شود که کاروفالو معتقد است به اصول و قواعدی که لایتغیر بوده و تخلف از آن جرم محسوب می شود.

سن توماس واکن، فیلسوف مذهبی قرن سیزدهم میلادی، قوانین را به سه دسته الهی، فطری یا طبیعی و بشری تقسیم کرده است.

۱- قوانین الهی که ناشی از اراده پروردگار و حاکم بر جهان هستی است و عقل ناقص بشر بدان دسترسی ندارد و فقط ذات خداوند تعالی و فرستادگان او از دریچه وحی بر آن آگاهند.

۲- قوانین طبیعی یا فطری که پرتوی از مشیت الهی است که بشر آن را در می یابد.

۳- قوانین بشری یا قراردادی که زائیده ی فکر انسان است و باید اجرای قوانین فطری را در مصادیق خود تأمین کند.

آقای دکتر کاتوزیان در این خصوص اضافه می کند که:

«بدین ترتیب، منبع حقوق فطری اراده خداوند است و هدف آن اجرای اراده خداوند یعنی اقامه عدل و مهربانی کردن است. این قوانین، چنان با طبیعت امور و فطرت بشر سازگار است که عقل هر کس بدون هیچ واسطه ای بر آن حکم می کند و به اندازه ای طبیعی و درست و عادلانه است که هیچ مقامی نمی تواند آن را منکر شود. پس حقوق فطری یا طبیعی ناپذیر و عام است و تغییر زمان و مکان به اعتبار و قدرت آن خلل نمی رساند.»^۲

به همین ترتیب رافائل گاروفالو نیز جرائم را به جرائم طبیعی و جرائم قراردادی تقسیم

می کند:

«اول: جرائم طبیعی که احساس های اولیه بشر یعنی رحم و شفقت، حیثیت و شرافت را در هر گروه اجتماعی جریحه دار می کند. احساس های مزبور همیشه در نهاد بشر وجود دارند و تغییرناپذیر و از قدیم الایام ملاک تشخیص خوب از بد قرار گرفته اند.

۱- ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در ناظم حقوقی ایران، چاپ بیست و نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، ص ۲۱.

۲- همان، ص ۲۱.

دوم: جرائم قراردادی که به احساس های تحول پذیر و تکامل یافته لطمه زند و مجازات

واکنش اجتماعی جرم است.»

بدیهی است تعیین اصولی که نظام جامعه در دوره و عصر معینی بر آن استوار باشد، امکان

پذیربوده و همواره می توان معلوم داشت که تخلف از کدامین اصول جرم به شمار می آید. اما

مسأله ای که جواب آن قدری قابل تأمل است این است که آیا درمیان اصول و قواعد مزبور، اصل

و قاعده ای هست که همیشه ثابت و لایتغیر بوده و تخلف بدان همواره جرم تلقی شود؛ به عبارت

دیگر آیا جرم طبیعی وجود دارد؟

گابریل تارد معتقد است که جرم طبیعی وجود دارد و آن را بدین گونه تعریف می کند:

«جرم طبیعی عملی است که به علت مخالفت آن با شرایط اساسی زندگانی اجتماعی همواره

منع شده است.»

پروفسور کارودر ردّ این اظهارات می گوید: از لحاظ اجتماعی جرم می بایست بر مبنای

اخلاقی مطالعه شود. وقتی می گوئیم فلان عمل جرم است، باید توجه کنیم که آیا باید عمل مورد

ملامت قرار گیرد و برای آن مجازات مقرر شود یا خیر؟ این توجه مربوط به عقاید اکثریت یک

جامعه است که متکی به وضع خاص و شرایط اساسی زندگانی اجتماعی آن است. بعضی اعمال را

برای بقاء آن جامعه لازم و واجب می دانند و رعایت آن را الزامی دانسته و تخلف از آن را نه تنها

جایز نمی دانند بلکه بوسیله ی تعقیب کیفری مورد تهدید نیز قرار می دهند. گاهی این اعمال را

یک جرم طبیعی تشخیص می دهند در حالی که تمیز بین جرم طبیعی و جرم قانونی مشکل است.

زیرا جرم طبیعی باید عملی ثابت و غیر مرتبط به زمان و مکان بشد و حال آن که هر کشوری بر

حسب زمان و مکان خود اعمال را به موجب قوانین موضوعه جرم می دارند.

به هر ترتیب تعریف جرم از نظر اجتماعی، برای متقن مفید می باشد؛ زیرا با توجه به آن

می توان پایداری «اصول اساسی زندگانی اجتماعی» را تضمین نموده و برای تجاوز به آن مجازات تعیین کرد.^۱

در مذهب امامیه حقوق فطری یا طبیعی زیر عنوان «مستقلات عقلی» مورد گفتگو قرار گرفته است. منظور از «مستقلات عقلی» اموری است که جای هیچ گونه شک و ابهامی در درستی و صفت آن باقی نمی ماند.^۲

پس در اسلام نیز قواعد فطری از منابع حقوق به شمار می رود، منتهی امتیازی که تحلیل فقها بر نظر دانشمندان طرفدار حقوق فطری دارد این است که اعتبار احکام عقلی به لحاظ عقلی بدیهی یا فطری بودن آن ها نیست، بلکه به خاطر دلالتی است که بر وجود احکام شرع دار بنابراین مستقلات عقلی به عنوان منبع مستقلی محسوب نشد. ولی اعتبار حکم عقل یک اعتبار کشفی است و به لحاظ کشف از حکم شرعی ارزشمند خواهد بود.^۳

خلاصه اینکه از نظر اجتماعی مفهوم جرم، نظیر مفهوم اخلاق، متغیر و در حال تحول می باشد. جرم از نقطه نظر اجتماعی عملی است که نظم اجتماعی را نقض نموده باشد و این نظم در هر عصری و درخور تمدن و متناسب با سطح افکار و عقاید متعارف همان عصر می باشد.^۴

با تعاریف ارائه شده می توان به این نتیجه رسید که جرم اجتماعی نسبی است و در هر زمان متناسب با فرهنگ آن جامعه به عمل خاصی که موجب اختلال و بی نظمی در جامعه شود جرم اجتماعی گفته می شود.

۱- هوشنگ شامبیانی، حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۷.

۲- ناصر کاتوزیان، مقدمه ی علم حقوق، ص ۱۲.

۳- هوشنگ شامبیانی، حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۷.

۴- جعفر لنگرودی، تاریخ حقوق ایران، ناشر کانون موقت ایران، چاپ گیلان، بی تا، ص ۱۶۳.

۴-۲- اقسام جرائم

جرائم از جنبه های مختلف مورد تقسیم واقع شده اند که ابتدا به تعدادی از این تقسیم ها اشاره می گردد و سپس به تقسیمی که این پژوهش در نظر دارد پرداخته می شود.

در تقسیم بندی اول، جرائم به بزرگ و کوچک تقسیم شده اند.

الف) جرائم بزرگ: ۱- جرائمی که نص قانون به عنوان جرم بزرگ، از آن ها یاد نموده است. مانند فرار سرباز جنگ، قتل، زنا و غیره ۲- جرائمی که قانون علاوه بر مجازات دنیوی ارتکاب آن ها را مستلزم مجازات اخروی شمرده است. ۳- جرائمی که به موجب نص قانون ملحق به نوع دوم شده است. ۴- جرائمی که به موجب نص قانون مساوی یا اشد از جرائم مذکور در سه طبقه فوق شمرده شده است.

ب) جرائم کوچک: جرائمی غیر از جرائم نام برده فوق را اصطلاحاً جرم کوچک گویند.

در تقسیم بندی دیگر جرائم را از جهت مورد جرم دسته بندی کرده اند:

الف) حق الناس مانند قتل.

ب) حق الله مانند جرائم ضد عفت.

ج) مشترکین حق الله و حق الناس مانند جرم سرقت^۱.

فقهایی مشهور امامیه مانند علامه ی حلی، شهید اول، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و امثال

ایشان دو نوع جرم را نام برده اند جرم تجری و جرم عقیم.

۱) جرم تجری: که آن را جرم محال هم می گویند عملی است که از طرف فاعل فعل به

عنوان جرم، ارتکاب می گردد ولی بعداً معلوم می شود که عمل خلاف نبوده و مباح بوده است

۱- جعفر لنگرودی، تاریخ حقوق ایران، ص ۱۶۳.

مانند اینکه شخص شیء را به سرقت بر می دارد بعداً معلوم می شود که مال خود او بوده است یا از مایعی به قصد خمر می نوشد ولی آن مایع شربت بوده است.

(۲) جرم عقیم: و آن فعلی است خلاف که مرتکب آن با سوءنیت و تقسیم به انجام و تهیه مقدمات و شروع به آن و پیشرفت مقادیری قابل توجه از مراتب جرم قادر به انجام کامل آن نمی گردد.^۱

اکنون برخی از جرائمی که اهمیت خاص دارند: ۱- جرم عمد و شبه عمد ۲- جرم سیاسی و جرم عادی ۳- جرم مشهود و جرم غیر مشهود ۴- جرم آنی و جرم مستقر.^۲

تقسیم بندی جرائم و دسته بندی آن ها به انواع مختلف در کتب حقوق جزا آن قدر زیاد است که شمارش آن ها خود جزوه ای مفصل نیاز دارد. مثلاً در ترمینولوژی دکتر جعفر لنگرودی تنها حدود ۳۵ نوع جرم نام برده شد.^۳

و اما در حقوق عرفی جرائم به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- جرائمی که فعل نظم و صلح و آرامش افراد جامعه بوده و از این حیث، جامعه مدعی اصلی آن می باشد. هر چند مدعی خصوصی هم می تواند هم تراز جامعه، تقاضای اعاده ی حقوق از دست رفته خود را نماید ولی گذشت او تأثیر عمده ای در مجازات مجرم نداشته و اجتماع برای بازگشت نظم مختل شده و دفاع از خود عکس العمل نشان داده و مجرم را به مجازات خواهند رسانید.

۲- جرائمی که صرفاً منافع خصوصی افراد را در برداشته و به همین دلیل، در این نوع

۱- دائرة المعارف شیعه، ص ۳۴۲.

۲- همان.

۳- همان، ص ۳۴۳.

جرائم، شروع به تعقیب منوط به تقاضای مدّعی خصوصی است و چنانچه متضرر از جرم در هر مرحله از تعقیب و حتی پس از تضمین مجازات و یا در حین اعمال آن از حق قانونی خود صرف نظر کند، رسیدگی و اجرای حکم متوقف می شود.^۱

و آنچه در این پژوهش مدنظر است قسمت اول این تقسیم یعنی جرائمی است که مخل نظم و صلح و آرامش افراد جامعه است که با یاری خداوند به آن پرداخته می شود.

۵-۲- انواع جرائم اجتماعی در قرآن

با مطالعات مختلفی که انجام شد جرائم اجتماعی تنها با این نام عنوان نشده است چه بسا از عنوان هایی مانند: بحران های اجتماعی، ناامنی های اجتماعی، آسیب های اجتماعی و منکرات اجتماعی هم استفاده شده است.

کلمه جرم در قرآن صریحاً نیامده است ولی مشتقات آن در ۵۸ آیه از آیات شریفه قرآن کریم به کار رفته است.^۲ که در همه موارد، در همان معنی متبادر در ذهن یعنی گناه استعمال شده است.^۳

و آنچه که از طرف مفسرین در قرآن بیشتر به معنای کارهای زشت و ناپسند تفسیر و تأویل گردیده است، کلمات (فاحشه، فحشاء، فواحش، اثم) می باشد که در آیات متعددی به معنای جرم به کار رفته است و بعضی دیگر کلمات عدوان، معصیت، خطیئه و سیئه را نیز از عناوین جرم دانسته و مخصوصاً در این دو آیه «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ»^۴ و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ

۱- هوشنگ شامبیانی، حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- محمد فؤاد عبدالباقی، مهجم المفهرس چاپ اول، قم، نشر حر، ۱۳۷۸، صص ۲۱۱-۲۱۲.

۳- عادل ساریخانی، حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۲۷.

۴- سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۱.

(به جرائم و معاصی چه ظاهری و چه باطنی آن ها نزدیک نشوید؛ در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد.)

معنایی که در این پژوهش لازم است به آن پرداخته شود، جرم به معنای گناه یا اثم است. تعدادی از آیات قرآن که مشتقات و مصادیق جرم در آن ها آمده پرداخته می شود:

چندین آیه در قرآن در مورد حجاب ذکر شده که تنها به یکی از آن ها که به آیه (حجاب) معروف است اشاره می گردد. تا اثر شوم این گناه بزرگ بر جامعه مشخص شود.

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا »^٢

«ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران مؤمنین بگو که حجاب های خویش را به خود نزدیک سازند.»

جامعه همانند کشتی است که اگر کسی به بهانه آزادی زیر پای خود را سوراخ کند و دیگران مانع او نشوند، آب وارد کشتی شده و همه را در کام دریا و مرگ فرو می برد.

کشیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را تضعیف می کند، بر عکس آنچه مخالفین حجاب خرده گیری کرده اند و گفته اند: « حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی

۲- سورہ احزاب (۳۳)، آیہ ۵۹.

۳- محمدرضا کوهی، با دختران، تهران، انتشارات مشهور، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶، چاپ کوثر، ص ۹۵.

موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.^۱

جامعه ای که زنان با زیر پا گذاشتن حکم فطرت و شریعت؛ (که برای حفظ شخصیت آنان

و سایر انسان ها وضع شده)، خود را در معرض تماشای نامحرمان قرار می دهند. مردان؛ به

ویژه جوانان با مشاهده آن ها دچار فشار روانی و هیجان های شدید جنسی و طغیان شهوت

شده و تسلیم تند باد هوس می شوند و جرأت تجاوز به حریم زنان و دختران را پیدا می کنند

موجب می شوند که جوانان با چشم چرانی به پرتگاه فساد وارد شوند و این بزرگترین خیانت و

جنایت در حق جوانان است چرا که جوانی که شرایط ازدواج برای او فراهم نیست با دیدن این

صحنه ها به گناه کشیده می شود و گاه برای ارضای خود تا مرز جنایت پیش می رود.^۲

در این قسمت به نظر رهبر فرزانه انقلاب (حضرت آیت الله خامنه ای) که در مورد چادر

(حجاب) فرموده اند اکتفا می شود:

« من می گویم چادر، هم بهترین نوع حجاب است و هم نشانه ی ملی ماست که هیچ گونه منافاتی با

هیچ نوع تحرکی از زن ندارد. اگر واقعاً کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری به معنای تحرک باشد.

لباس رسمی زن می تواند چادر باشد که بهترین نوع حجاب است. البته می توان محجبه بود، ولی

چادر نداشت منتها همین جا هم باید آن مرز را پیدا کرد. عده ای از چادر فرار می کنند به خلیاطر

که هجوم تبلیغاتی غرب دامن گیرشان نشود. اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی آورند

چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می دهد. تصور نکنید اگر ما فرضاً چادر را کنار گذاشتیم آن

مقنعه کذایی را..... درست کردیم، دست از سر ما بر نمی دارند، آن ها به این چیزها قانع نیستند، بلکه

می خواهند همان فرهنگ منحوس را در این جا مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت

عمل شود.^۴»

۱- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هشتم و پنجم، بهمن ۱۳۸۸، ص ۸۴.

۲- محمدرضا کوهی، همان، ص ۹۶.

۳- محمود اکبری، برای ریحانه، چاپ مهر، قم، ناشر پردیسان، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۹.

۴- همو، دختران پندها و هشدارها، انتشارات گلستان ادب، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۵، چاپ بقیع، ص ۱۰۷.

۲-۵-۲- زنا:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^۱ «و به زنا نزدیک مشوید که کاری بسیار زشت

و راهی بسیار ناپسند است.»

جامعه ای که عمل زنا در آن شیع داشته باشد این عمل باعث هرج و مرج در نظام خانواده و از میان رفتن رابطه فرزندان و پدران، رابطه ای که وجودش نه تنها سبب شناخت اجتماعی است بلکه موجب حمایت کامل از فرزندان می گردد. زیرا در جامعه ای که فرزندان نامشروع و بی پدر فراوان گردند روابط اجتماعی که بر پایه روابط خانوادگی بنیاد شده سخت دچار تزلزل می گردد از این گذشته از عنصر محبت که نقش تعیین کننده ای در مبارزه با خشونت ها دارد محروم می شوند و جامعه ی انسانی به یک جامعه کاملاً حیوانی توأم با خشونت تبدیل می گردد.

در کتاب بلاهای اجتماعی در شرح این آیه شریفه چنین می انگارد:

شاید دقیق ترین تعبیری که در قرآن مجید از زنا شده همین جملۀ «سَبِيلًا» باشد زیرا این جمله ای است که اساسی ترین منطق اسلام را درباره ی مخالفت و مبارزه با فحشاء روشن کند. این جمله می گوید: عمل شنیع زنا یک راه طبیعی و خالی از خطر برای اطفاء شهوت نیست.

جامعه ای که شهوت خود را از طریق زنا اشباع می کند در یک جاده ی ناهموار و

خطرناکی افتاده که عاقبت آن دوری از مقصد و افتادن در پرتگاه های هولناک است. نیروی

خدادادی شهوت برای ابقاء نسل انسانی و ایجاد یک سلسله هیجانات روحی و عاطفی در مرد و

زن است که این هیجانات ضامن تشکیل کانون خانواده و اطفاء شهوت از یک طریق محدود و

۱- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۲.

۲- احمد علی بابایی، برگزیده تفسیرنمونه، دوره ۲۷ جلدی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش، چاپ سیزدهم، ج ۲، ص ۱۰۳.

قانونی است. اما ارتکاب زنا نه تنها اجتماع را به مقصد ابقاء نسل نزدیک نمی کند بلکه اجتماع را در هزاران دره مخوف پرت می کند که دهها میلیون بیماران مقاربتی و میلیاردها دلار بودجه معالجه ی آن ها و میلیون ها کودکان بی سرپرست تنها گوشه ای از این پرتگاه را نشان می دهند.

۳-۵-۲- رباخواری:

قرآن کریم در هفت آیه به تحریم ربا، آثار سوء آن و بدگویی از رباخواران پرداخته است. که در اینجا به یک آیه که با آن غرض حاصل شود اکتفا می شود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^۲

«ای کسانی که ایمان آورده اید ربا مخورید، چیزی را که داده اید چند برابر مستانید و افزونی و زیادتی مطالبید و از مخالفت خداوند بپرهیزید تا رستگار شوید و بترسید از آتشی که بروی کافران آماده شده است.»

یعنی آتشی که در اصل برای کافران است شما خودتان را بواسطه خوردن ربا، سزاوار آن نکنید چون مفاسد بزرگ دنیایی و اخروی رباخواری، نسبت به خودش و اجتماع، بیش از سایر گناهان است در قرآن مجید و اخبار اهل بیت علیهم السلام- تشدید بیشتری درباره آن شده است و آن را از هر گناهی بزرگتر دانسته و عذابش را عظیم خوانده به طوری که اگر رباخوار از کرده خود پشیمان نشود و این عمل شفیع و حکم تحریم الهی را نپذیرد، از کسانی خواهد بود که همیشه در آتش جهنم در عذاب است و هرگز نجاتی برایش متصور نیست.^۳

۱- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱ دوره دو جلدی، چاپ دوازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳.

۲- سوره آل عمران(۳)، آیات ۱۳۱-۱۳۰.

۳- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، صص ۱۷۳-۱۷۲.

رباخوار نه در دنیا رستگار است (به خاطر تشدید اختلاف طبقاتی که منجر به تفرقه و یکنه

محرومان و انفجار آن ها می شود و نه در آخرت به خاطر قهر خدا)

رباخواری گاه با ذره کوچکی آغاز می شود، ولی در نفس شخص مالدار چنین رشد می کند

که به صورت درخت بزرگ و پلیدی از حرص و آزمندی در می آید و در نفس شخص نادار

دیوار ستبری از ناراحتی و تنفر می سازد، و در داخل اجتماع چنان رشد می کند که رباخواران یک

طبقه نفرت انگیز جامعه را تشکیل می دهند.^۲

ربا به دلیل ستمی که بر جامعه تحمیل می کند، حرام است. وجود ربا در نظام اقتصادی

اسلام این نظام را از هدف های آن باز می دارد، ربا در مسیر حاکمیت مصونیت و ایثار و تعاون در

جامعه، مانعی بزرگ به شمار می آید. وجود ربا، انگیزه قرض الحسنه دادن، انفاق و وقف را نابودی

می سازد، روح نفع پرستی و خودخواهی را در جامعه حاکم می کند، به عدالت اجتماعی آسیب

می رساند و سرانجام موجب حرکت اموال در مسیری می شود که برای سعادت فرد و جامعه

زیان بار است.

وقتی ربا در جامعه حلال شود و هر کس بتواند آزادانه بهره دریافت کند، مردم، جز گروهی

اندک که ریسک پذیرند، دارایی خود را از طریق مضاربه، شرکت، جعاله، صلح و مانند آن در

فعالیت های تجاری و اقتصادی - که معمولاً مخاطره آمیز است - وارد نمی کنند؛ بلکه آن را به

دیگران قرض می دهند. بدین ترتیب مازاد پولی جامعه در دست گروهی که وام می دهند متمرکز

می شود. در نتیجه بسیاری از مردم از صحنه ی فعالیت های اقتصادی خارج می شوند.

۱- محسن قرائتی، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ تهران، دوره ۱۲ جلدی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- مترجمان، تفسیر هدایت، ناشر بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ مشهد، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۱، ص ۶۰۹.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که ربا موجب تلف شدن اموال می شود و موجب ستم و فساد در جامعه چرا که وجود فقر و نابرابری در جامعه، سبب تحقق ستم و فسادهای دیگر نیز می شود.^۱

۴-۵-۲- سرقت:

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲

«دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملشان ببرید این عقوبتی است که خدا بر آنان مقرر داشته و خدا بر هر کار مقتدر و داناست.»

هنگامی که دست خیانت کاری به دارایی دیگری دراز شود این دست به سوی امنیت شهر و کشور، دراز شده است و افراد اجتماع را که در طلب حصول آن مال سعی و تلاش کرده اند دلسرد و مضطرب خواهد ساخت. دقیقاً همچنان که کشتن یک تن به مثابه کشتن همه مردم است، زیرا امنیت همه اجتماع را تهدید می کند، همچنین هنگامی که امنیت شهر و کشور از میان رود، مردم دیگر برای سازندگی کشورشان و به کار بردن توان های خود در این راه و گردآوری ثروت ملی برای آینده ی کشور انگیزه ای نمی یابند از این رو در اسلام کیفر دزد سخت است.^۳ چرا که امنیت و آرامش جامعه به قدری مهم است که باید با قاطعیت آن را حفظ کرد و به خاطر اهمیت حاکمیت شخصی و امنیت اجتماعی دست دزد قطع گردد.^۴

۱- حسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، صص ۴۱۶-۴۱۵-۴۱۴.

۲- سوره مائده(۶)، آیه ۳۸.

۳- مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۳۲۲.

۴- محسن قرائتی، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱، دوره ۱۲ جلدی، قم، ج ۳، صص ۸۳-۸۲.

۵-۲-۵- اشاعه ی فحشاء:

« إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ^۱ »

« آنان که دوست می دارند که درمیان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند...»

اشاعه ی فحشاء منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی اساس را در مورد زن و

مرد باایمانی نشر دهد، و آن ها را به عمل منافی عفت متهم سازد، این یکی از مصادیق آن است

«انما» منحصر به آن نیست بلکه این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فحشاء اشاعه ی

زشتی، قبیح و کمک به توسعه آن را شامل می شود در تمام گناهان آنچه سبب قهر خدا می شود،

انجام دادن است؛ ولی درباره ی اشاعه ی فحشاء همین که انسان به آن علاقه داشته باشد (ولو آن

را انجام ندهد)، مرتکب گناه کبیره شده است؛ نه تنها اشاعه ی فحشاء بلکه علاقه به آن گناه بزرگی

است؛ در حالی که علاقه ی به هیچ گناهی (تا مادامی که انجام نگرفته است) گناه نیست. ناگفته

پیداست که زمینه ی اشاعه ی فحشاء همین خلوت کردن زن و مرد اجنبی و اختلاط آن ها در

محل کار و دانشگاه و بیمارستان و مراکز عمومی دیگر است بی حجابی، مناسبترین زمینه برای

اشاعه فحشاء است. اگر کمی فکر کنیم، در خواهیم یافت که بی بندوباری، چشم چرانی،

خودآرایی و خود را به مردم نشان دادن، کلید شعله ورشدن هوس ها، دام های فحشاء و انواع

روابط نامشروع خواهد شد که ضربه های اخلاقی و خانوادگی آن بر کسی پوشیده نیست.

۶-۲-۵- کم فروشی:

« وَيَا قَوْمِ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ^۳ »

۱- سوره نور(۲۴)، آیه ۱۹.

۲- امر به معروف قرآنی، ص ۳۰۳.

۳- سوره هود(۱۱)، آیه ۸۵.

«ای قوم در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و به مردن کم نفروشید در زمین به

خیانت و فساد برنخیزید.»

و در آیه معروف دیگری می فرماید:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»^۱ «وای بر کم فروشان»

مطفف کسی است که وقتی جنسی را از مردم می خرد کامل گرفته و وقتی چیزی را می فروشد از آن کم می گذارد، (آن ها در واقع دزدان پنهانی هستند بی سر و صدا و دور از دست قانون اند که مکارانه حقوق و اموال مردم را تصاحب می کنند و موجب به وجود آمدن نابسامانی اقتصادی و اجتماعی می شوند.)^۲

معاملات مخصوصاً خرید و فروش ها، نقش بسیار مهمی در زندگی و معیشت مردم دارد و انسان ها زندگی خود را بر اساس درآمدها و مخارج ها.... برنامه ریزی می کنند. اگر خیانت و کم فروشی در معامله صورت گیرد باعث برهم خوردن نظام معیشتی خانواده می شود؛ زیرا کالایی که می خرد، نیازمند زندگیش را تأمین می کند از طرفی پولی زائد بر مقدار کالا پرداخته است. از سویی دیگر خریدار دچار صفت مالی شده و موجب عدم اعتماد به تدبیر و برنامه ریزی خود می شود و در نتیجه باعث عدم اطمینان و سلب امنیت عمومی در اجتماع می گردد و شخص ظالم و مظلوم و بی انصاف و منصف را به یک چشم می بیند.

حق را برای دیگران آن طور که برای خود رعایت می کند رعایت نمی کند این خود باعث تباهی اجتماعی انسان است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است و اگر این تعادل از بین رود فاسد می شود.

۱- سوره مطففین (۸۳)، آیه ۱.

۲- گروه تخصصی تفسیرقرآن، تفسیر همراه، ج ۲، دوره دوجلدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ستاد عالی قانون های فرهنگی و هنری مساجد، ۱۳۸۹، صص ۷۲۲-۷۲۳.

بنابراین از آیات قرآن استفاده می شود که کم فروش ایمان به روز جزا و حساب روز قیامت ندارد زیرا اگر یقین بلکه گمان مسئولیت داشت که در روز قیامت از او باز خواست می شود و اینکه هرچه به مردم کم داده از او مطالبه خواهد شد هرگز به چنین خیانتی حاضر نمی شد و اگر ایمان داشت می دانست که هرچند صاحب حق غافل و بی خیر از خیانتش باشد اما پروردگار عالم حاضر و مراقب اعمال اوست.^۱

۷-۵-۲- فتنه:

«..... وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ.....»^۲ «....فتنه فسادش بیشتر از جنگ است....»

«وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ.....»^۳

«و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آئین دین

خدا باشد....»

در کتاب اسلام و صلح جهانی، تألیف سیدقطب صفحه ۵۶ آمده: تنها جنگی را که اسلام مشروع دانسته و آن را لازم می داند، جنگی است که برای اعلا ی کلمه ی خدا باشد. و مقصود از کلمه ی خدا، حقیقتی است که با ناموس و سنت خلل ناپذیری که برای جهان آفرینش و انسان قرار داده شده موافقت دارد همبستگی در طبیعت، جهان آفرینش و همکاری در زندگی افراد بشر، دوقانونی هستند که خداوند آن ها را برای ادامه ی زندگی می خواهد. آن نظم متناسبی که در ساختمان جهان آفرینش به کار برده شده و مانع از فساد و از هم گسستگی عالم است، و به زندگی نیرویی بخشیده که همواره به طرف ترقی و تکامل پیش می رود، و تعاون و همکاری را که موجب برقراری خیز عمومی برای جمیع افراد بشر در طول تاریخ است برقرار می سازد.

۱- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۳۷۵.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۱.

۳- همان، آیه ۱۹۳.

۴- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۳۵۸.

«اسلام برای هدایت تمام این مردم آمده است. بنابراین از آثار « کلمه خدا» و « اراده خدا» این

است که این خیر عمومی را که اسلام آورده، به جمیع مردم برساند و از هر گونه عواملی که بین مردم و آن حائل شود، جلوگیری نماید. از این جهت چنانچه کسی بخواهد، سنگ راه وصول این خیر عمومی نسبت به مردم شود، و با نیرو و قدرت بین مردم و آن حائل گردد، چنین کسی دشمن خدا و متجاوز به کلمه ی خدا و اراده عمومی اوست و بایستی از راه دعوت و تبلیغ این خار سر راه را برداشت و دوباره کلمه ی خدا را تحقق بخشید. البته منظور این نیست که اسلام را به زور به آن ها بقبولانیم، بلکه منظور این است که آزادی فکر و وسعت اطلاعات که موجب هدایت و رسیدن به خیر عمومی است به آن ها داده شود تا در نتیجه آن ها هم هدایت شوند. وگرنه اسلام هیچ کس را مجبور نمی کند که در مقابل او سر تسلیم فرود آورد و جبراً به آن معتقد شود. (لا اکراه فی الدین) بلکه کسانی را که در سر راهش قرار دارند و مردم را از طریق حق منحرف میکنند، مانند خار از سر راه دور می کند (وَ قَتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ) یعنی با آن ها کارزار کنید تا فتنه نماند و دین یکسره خاص خدا شود. اسلام برای این آمده که عدالت را در سراسر روی زمین بگستراند و عدالت اجتماعی، عدالت قانونگذاری و عدالت بین المللی در میان جامعه بشریت برپا دارد. بنابراین کسی که راه ظلم را در پیش گیرد . از دادگری دوری گزیند، بر مسلمان ها لازم است با او برای اعلا ی کلمه توحید بجنگند هر چند او مسلمان باشد!...»

بارزترین مصداق فتنه

شرک و بت پرستی مورد حمایت همه جانبه مشرکان از بزرگ ترین گناهان و بارزترین مصداق فتنه در آیه ۱۹۱ می باشد. زیرا فتنه ای بدتر از قتل است که قرآن از آن به « ظلم عظیم» یاد می کند: « إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ »^۲ ، پس سیاق آیه شاهی داخلی است که مراد از « فتنه » شرک

۱- همان، ص ۳۵۸.

۲- سوره لقمان (۳۱)، آیه ۱۳.

و بت پرستی جهت دار، موضع گیر و ترفند بند است.

با توجه به آیه دوم «وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» وقتی ریشه ی شرک و

بت پرستی که فتنه اصلی است، خشکید و توحید ناب در جهان حاکم شد، فتنه های فرعی نیز محو می گردد.

اسلام همان گونه که برای حفظ حدود، در مواردی خاص از رأفت و همی و عطوفت احساس نهی می کند تا جامعه از بزهکاری و تبهکاری پاک شود، برای براندازی شرک و پرستشی و برقراری حاکمیت نظام اسلامی نیز دستور می دهد که هیچ رأفت و همی و رحمت احساسی از خود نشان ندهید، بلکه در اینجا رحمت و رأفت به آن است که فتنه، شرک و کفر روی زمین نباشد تا حیات انسانی به خطر نیفتد!

۸-۵-۲- قذف:

«إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۲

«کسانی که به زنان با ایمان عقیقه (مبراء) بی خبر از کار بد تهمت بندند محققاً در دنیا و آخرت ملعون (و محروم از رحمت حق) شدند و هم آنان به عذاب سخت معذب خواهند شد.»

یکی از انواع تعرض افراد به یکدیگر تعرض کلامی و دادن نسبت های ناروا، جسارت کردن، توهین نمودن و امثال آن که بسیار زشت و ناپسند است.^۳

انتقاد نمایند و سخنان ناروا گویند و در حقیقت مسلمانان سلب شده اند که بیگانگان به

۱- عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، تحقیق ویرایش علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، نوبت چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، سال دوم نشر، ج ۹، ص ۶۱۴.

۲- سوره نور (۲۴)، آیه ۲۳.

۳- عابدین موفی، گزیده حقوق جزای خصوصی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، آذر ۱۳۸۴، ص ۲۷.

حریم اسلام هتک نمایند.^۱

در دیدگاه اسلام همان گونه که جان افراد احترام دارد، حال و حیثیت انسان ها هم احترام دارد، و تعرض به حیثیت افراد همانند تعرض به جان و مال، مجازات و کیفر دارد. تعرض به حیثیت انسان ها صورت های گوناگون دارد که از جمله آن ها ، نسبت دادن افراد پاکدامن و مؤمن به زنا یا لواط است که در اصطلاح فقهی آن را «قذف» می گویند. قذف از گناهان کبیره است که تهدید به عذاب در قیامت شده است.^۲

چنانکه پیامبر- صلی الله علیه و آله- فرمودند:

«وَمَنْ رَمَى مُحَصَّنًا أَوْ مُحَصَّنَةً أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ ، وَجَلَدَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۳

«کسی که به مرد و زن پاکدامن نسبت زنا دهد، خداوند متعال عمل نیکو و پذیرفته اش را از بین می برد، و هفتاد هزار ملائکه از پیش رو و پشت سرش او را تازیانه می زنند، پس دستور داده می شود که او را به جهنم بیفکنند.»

در حدیث دیگری از امام رضا - علیه السلام- به فلسفه حرمت قذف اشاره شده که

ضررهای اجتماعی آن نیز بیان شده:

«و حَرَّمَ اللَّهُ قَذْفَ الْمُحَصَّنَاتِ لِمَا فِيهِ مِنْ إِفْسَادِ الْأَنْسَابِ وَ نَفْيِ الْوَلَدِ، وَ إِبْطَالِ الْمَوَارِيثِ وَ

تَرْكِ التَّرْبِيَةِ وَ ذَهَابِ الْمَعَارِفِ، وَ مَا فِيهِ مِنَ الْكِبَائِرِ وَ الْعِلَلِ الَّتِي تَوْدَى إِلَى فُسَادِ الْخَلْقِ»^۴

۱- محمد حسین حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ج ۱۸، دوره ۱۸، چاپ اول، تهران، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴، ق، ص ۱۰۷.

۲- عابدین موفی، همان، ص ۲۹.

۳- محمد بن الحسن الحرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، دوره ۱۰، چاپ اول، ق، ناشر ذوی القربی، چاپخانه ستاره، ۱۳۸۷، ص ۸۹.

۴- همان، ص ۸۸.

یعنی خداوند متعال قذف پاکدامنان را حرام کرده، به جهت آن که در قذف مفاسدی هست که عبارتند از: به هم خوردن نسب انسان ها، نفی ولد و انکار فرزندی، به هم خوردن مواریث وارث بردن پدر و فرزند از یکدیگر، رهاکردن تربیت فرزند، از بین بردن معارف و آنچه در قذف وجود دارد از گناهان بزرگ و علت هایی است که منجر به فساد خلق می شود.

برای جلوگیری از تهمت های ناروا و شیوع و افترا اسلام کسی را که زنان پاکدامن را متهم می سازد و نتواند ۴ شاهد بیاورد با خوردن هشتاد تازیانه و محروم شدن از اطمینان مردم مسلمان به او و قول شهادت او کیفر می دهد چنانچه در سوره نور آیه ۴ و ۵ بیان فرموده است و این برای این نیست که بازار تهمت و شایعه و دروغ گرم نشود و اضطراب و ناراحتی در میان مردم و خانه ها شایع نگردد و به جای اطمینان و اعتماد شک و ترس در اجتماع رونق یابد و اگر مرد همسر خود را متهم سازد و شهودی هم نداشته باشد اسلام با در نظر گرفتن موقعیت خانه ها و عدم امکان حضور شهود مرد را از کیفر معاف می دارد ولی به شرط آنکه چهار بار خداوند را شاهد راستگویی خود آورد و شهادت پنجم برای آن باشد که اگر دروغگو باشد لعنت خدا بر او باد و زن را نیز از کیفر حفظ می کند اگر چهار شهادت از خدا بیاورد که مرد دروغ می گوید و شهادت پنجم برای آن باشد که خشم و غضب خدا بر او باشد اگر مرد راستگو باشد چنانچه در سوره نور آیه ۷ و ۸ بیان فرموده است.^۲

۹-۵-۲- دشنام به پیامبر اسلام و معصومان و مقدسات مذهبی:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۳

«شما مؤمنان بر آنان که غیر خدا را می خوانند، دشنام ندهید تا مبدا آن ها هم از روی

۱- عابدین موفی، همان، ص ۳۰.

۲- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۲۱۳.

۳- سوره انعام (۶)، آیه ۱۰۸.

دشمنی و نادانی خدا را دشنام دهند.»

بر اساس این آیه، مسلمانان از دشنام دادن نهی شده اند، تا دشنام نشوند. واضح و روشن

است که دشنام به اسلام، یا پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- دشنام به همه ی مسلمانان است، و

متضمن خفت و خواری مسلمانان می باشد.^۱

آیه به جامعه مسلمانان خطاب نموده است که در معاشرت و گفتار با مردم عموماً ادب را

رعایت نموده و از بذله گویی خودداری نمائید و به مرام و آئین شرک و کفر آنان دشنام و گفتار ناسزا

خودداری نمائید. زیرا نص بیهوده و انتقاد بی مورد از شمار ایمان و تقوی نیست و نیز ممکن است از

نظر جانبداری و عصبیت درباره حرام و آئین آن ها نیز به مقدسات اسلام به جهت آن که مهمترین

عنصر عظمت و کمال فرد و ملت است، وقتی که به عقیده یک فرد، یا یک ملت توهین شود و ناسزا

به اعتقادات یک فرد به ملت گفته شود، کمال و عظمت آنان کاسته شده و خوار می شوند.

آزادی نمی تواند بهانه ای باشد که به عقیده یک فرد یا یک ملت دشنام یا ناسزا داده شود.

همان گونه که ممنوعیت تعرض به دیگر جنبه های حیثیت و آبروی افراد نابودکردن آزادی

نیست و هیچ کس نباید به بهانه آزادی ناسزا و دشنام دهد. ممنوعیت دشنام و ناسزا به اعتقادات

افراد هم، از بین بردن آزادی نیست، بلکه عین آزادی است که شخص با سربلندی و افتخار به

معتقدات خودش باور و عقیده دارد و آن را عیب و ننگ و واماندگی و پستی نمی داند. به سخره

گرفتن، و مسخره کردن باورها و دین، تنگ کردن عرصه بر دین باوران و از بین بردن آزادی آن ها

است، و نوع جدیدی از استبداد است که با اصطلاح «مدرن» و «تجدد» وارد فرهنگ بشریت شده

که با اصطلاح تقلبی «آزادی» از آن دفاع می شود. دین داشتن را برابر با خواری و خفت نشان

۱- عابدین موفی، حقوق جزای خصوصی اسلام، ص ۲۹.

می دهند، و سدّ بزرگ و مانع عملی در گرایش به دین می شوند و آن را عین آزادی می خوانند، که این گونه برخورد با آزادی، متضمن تعارض میان نظر و عمل است، و عملاً استبداد و دیکتاتوری نسبت به گرایش دین است. به هر حال دشنام و ناسزا به پیامبر اسلام و مقدسات مسلمانان عیب جویی از قرآن و اعتقادات مسلمین، جسارت و توهین به مسلمانان است.

۱۰-۵-۲- محارب و مفسد فی الارض:

« إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ »^۲

«همانا کیفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و به فساد کوشند در زمین جز این بنا شد که آن ها را به قتل رسانند یا به دار کشند و یا دست و پایشان را به خلاف ببرند یا با نفی بلد و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند این ذلت و خواری عذاب دنیوی آن هاست و اما در آخرت باز به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.»

مرحوم علامه طباطبایی فرموده اند:

«محرابه به خدا معنای گسترده ای دارد و بر مخالفت با هر یک از احکام شرعی و هر گونه ظلم و اسراف صدق می کند، ولی از جهت آنکه در آیه فرموده « در زمین به فساد کوشند » مشخص می شود که مراد آیه، فساد در زمین بواسطه اخلال کردن در امنیت راهزنی است.^۳ بنابراین، کسانی که جامعه را ناامن کنند، و با اسلحه مردم را تهدید می کنند و مردم را

۱- عابدین موفی، حقوق جزای خصوصی اسلام، صص ۳۶-۳۷.

۲- سوره مائده (۵)، آیه ۳۳.

۳- سید محمدباقر همدانی موسوی، ترجمه المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، دوره ۱۵ جلدی، ج ۵، ۱۳۷۴، ص ۵۳۳.

می ترسانند، یقیناً محاربه به خدا و رسول و مفسد در زمین هستند.

در برهان قرآن صفحه ۱۸۸ چنین می انگارد: « مقصود از محاربه در اصطلاح فقها این است

که شخص مسلح برای ترساندن مردم در شهر یا بیابان یا دریا، به هنگام شب یا روز متعرض ایشان

شود. خواه ضعیف باشد، خواه قوی و خواه مرد باشد یا زن چنین کسی در اصطلاح فقه محارب

نامیده می شود قرآن مجید عمل او را در حکم جنگ با خدا و رسول می شمارد و درباره او می

گوید: « إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ » (پس از ترجمه آیه می نویسد):

خواننده عزیز، این یکی از مواردی است که طبع حساس و دل نازک بعضی روشنفکران! را

آزرده و متأثر کرده و کیفرهای اسلامی را در نظر ایشان وحشیانه و قوت بار ساخته است.^۱

ولی ما نمی دانیم چرا این طبقه روشنفکر همیشه رقت قلب و مهر و عاطفه خود را به

جانب جنایتکاران و راهزنان و خوانخواران معطوف می دارند و درباره ی مردم بی گناه و زنان و

کودکان معصومی که مال و ناموس و جانشان دستخوش مطامع و اغراض و هوی و هوس این

گروه سرکش و متعدی می شود، اظهار رحم و شفقت نمی کنند، آیا مجازات و سرکوبی این گونه

افراد در راه تأمین امنیت و حفظ و سلامت و مصلحت اجتماع، با کشتن میلیون ها میکروب برای

تأمین سلامت و نجات یک مریض از خطر بیماری و مرگ فرقی دارد. و آیا هیچ عاقلی، پزشک

حاذقی را به علت کشتن آن همه میکروب با تزریق یک آمپول مورد اعتراض قرار می دهد و عمل او

را وحشیانه می خواند! جای تردید نیست که هر شخص منصفی این حکم را حاکی از شفقت و

رحم نسبت به اجتماع و دائر بر عدل و انصاف نسبت به راهزنان و بزهکشان^۲ داند.

۱- عابدین موفی، گزیده حقوق جزای خصوصی اسلام، ص ۷۸.

۲- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۱۶۱.

۱۱-۵-۲-قتل:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا * وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا »^۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید.....نکشید یکدیگر را که البته بسیار خدا به شما مهربان

است* و هرکس چنین کند از روی دشمنی و ستمگری پس او را به زودی در آتش دوزخ

درآوریم و این کار برای خدا آسان است.»

خداوند متعال در این آیه از کشتن دیگران، تعبیر به خودکشی کرده است، چنانکه شیخ

طبرسی فرمودند:

« یکی از معانی جمله (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ) این است که یکدیگر را نکشید، چونکه همه شما

مانند یک تن هستید، همچنان که خداوند متعال از سلام دادن به دیگران، تعبیر به « سلام دادن به

خویشان » کرده است فرموده:

« فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ »^۲

«هرگاه به خانه ای وارد شدید بر خودتان سلام کنید که به عنوان تحیت از جانب خداوند و

برکت و پاکیزگی از جانب خداوند است.»

علامه طباطبایی نیز فرمودند:

«دلالیت دارد بر اینکه تمام مؤمنین مانند یک تن هستند، و همه ی افراد جامعه دینی، یک نفر

فرض گردیده، جان هر یک، جان دیگری است، اگر خودش یا دیگری را بکشد، تحققاً

خودکشی کرده است، با این دقت معلوم می شود که دلالت آیه « وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ » مطلق

است که می فرماید: خودتان و دیگر مؤمنین که جان خودتان هستند را نکشید.»^۳

۱- سوره نساء(۴)، آیات ۳۰-۲۹.

۲- سوره نور(۲۴)، آیه ۶۱.

۳- عابدین موفی، گزیده حقوق جزای خصوصی اسلام، ص ۱۱۱.

در دیدگاه اسلام جهان آفرینش عموماً انسان به ویژه مورد احترام است، احترام ویژه انسان در نظام آفرینش از جهت آن است که انسان دارای روح الهی است، همچنانکه حیوانات نیز به جهت داشتن روح، دارای حقوق و احترام هستند، از این حیث بعضی از فقهای بزرگ پس از بیان مقداری از حقوق حیوان گفته اند:

«لِلْإِنْسَانِ فِي حُرْمَةِ الرُّوحِ» (وسائل الشیعه، ج ۲۹، باب از ابواب قصاص در نفس، حدیث ۱۳، ص ۱۴)

یعنی: همه ی احکام و حقوق جانداران به جهت احترام روح می باشد.
اما از حیث اینکه روح انسان نسبت به روح حیوان، برتری خاص دارد، احترام انسان، نسبت به حیوان نیز احترام برتر و عالی و احترام ویژه است، به عبارت دیگر چونکه مرتبه وجودی انسان برتر از مرتبه حیوان است احترام انسان نیز برتر است و بقاء انسان بر حیوان ترجیح دارد از این جهت در نظام اسلامی هرگونه تعدی، توهین و جسارت انسان ها به همدیگر تحریم گردید.^۲

۱۲-۵-۲- شرابخواری:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا»^۳

«از می و قمار تو را می پرسند، بگو در آن گناه بزرگی است. سودهایی برای مردمان دارد ولی گناه از آن بزرگتر است.»

اثم گناهی است که عواقب سوئی مربوط به جهات زندگی داشته و موجب محرومیت از سعادت ها و خوشبختی ها می شود و زیان های بهداشتی میگساری و آثار سوء آن در معده، روده ها، جگر، شش، سلسله اعصاب، شریان ها، قلب و حواس انسان مانند قوه باصره و ذائقه

۱- همان، ص ۱۱۸.

۲- همان، ص ۱۱۹.

۳- سوره بقره (۲)، آیه ۲۱۹.

مسلم است.

از مضرات اخلاقی مشروبات می توان به بداخلاقی، بدزبانی، انواع و اقسام جنایات و خونریزی ها، فاش کردن اسرار، هتک حرمت ها، پشت پا زدن به همه ی قوانین و نوامیسی که پایه ی سعادت و مایه ی خوشبختی زندگی است نام بُرد. شخص مست نیروی عقل خود را از دست می دهد و قدرت تشخیص ندارد از این هیچ مانعی برای کارهای زشت خود نمی بیند. کمتر جنایتی است که این مایه پلید به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن تأثیر نداشته باشد. بزرگترین جنایت را، حتی جنایاتی که درندگان هم از ارتکاب آن شرم دارند را شخص مست انجام می دهد. دزدی خیانت و دریدن پرده محارم خود و فاش کردن اسرار و ورود به خطرناکترین ورطه های هلاکت و امثال آن را در نظرش ناچیز جلوه می دهد.

طبق آماری که انستینوی پزشکی قانونی شهر لیون در فرانسه در سال ۱۹۹۱ تهیه کرده جرائم اجتماعی آنان در حالت مستی را این گونه بیان کرده:

مرتکبین قتل های عمومی ۵۰ درصد، ضرب و جرح ۷۷/۸ درصد، سرقت ۸۷/۵ درصد و جرائم جنسی ۸۷/۸ درصد، و اکثر جنایت های بزرگ در این حالت رخ داده است.^۱

اجتماعی که اختلاف طبقاتی شدید بر آن حکومت کند و یک طبقه ی آن در عیش و کامرانی مفرط و طبقه دیگرش در محرومیت و ناکامی شدید به سر برند ناچار گرفتار مسکرات خواهند بود زیرا طبقه اول در اثر کامرانی بی حد و حساب احساساتشان خاموش و محتاج به تحریک می شود و طبقه دوم برای تسکین آلام و ناکامی ها محتاج به بی خودی و فرار از واقعیت زندگی هستند و هیچ کدام از مسکرات بی نیاز نخواهند بود ولی با وجود این استعمال مسکرات را

۱- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، صص ۲۳۰-۲۲۷-۲۲۵.

۲- سایت تبیان: [www. Tebyan. Net](http://www.Tebyan.Net)

به این بهانه نمی توان روا و مباح دانست بلکه باید متوجه بود که وجود مسکرات دلیل بر وجود بیماری اجتماع و مستلزم کوشش در مبارزه با علل و موجبات شیوع و وجود آن است. چنانکه اسلام وقتی عادت نکوهیده ی شرب خمر را تحریم کرد این موضوع را از حساب خود دور نداشت و نخستین بار در قلع ماده ی این موجبات و علل، منتهای کوشش را به کار برد و آن گاه به تحریم آن اقدام کرد و به همین جهت مدنیت جدید می باید به جای انتقاد بی مورد از اسلام در این راه و روش از اسلام پیروی کند و در نظر داشته باشد که اولین شرط معالجه ی بیماری های خطرناک روحی، تنظیم امور اقتصادی، اجتماعی، فکری، روحی و جسمی است.

دین مقدس اسلام به حدی در مقام جلوگیری از این گناه بزرگ برآمده که شرابخوار را مطرود اجتماع ساخته تا کسی گرد می خواری و عیاشی که اساس خانواده فردی و اجتماعی را ویران می سازد نرود.^۱

از حضرت صادق- علیه السلام- روایت شده که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«قال- صلی الله علیه و آله- مِنْ شَرِّ الْخَمْرِ بَعْدَ أَنْ حَرَمَهَا اللَّهُ عَلَى ٱ لسانی فَلَيْسَ بِأَهْلَ أَنْ يَزُوجَ إِذَا خَطَبَ، وَ لَا يَشْفَعُ إِذَا شَفَعَ، وَ لَا يَصْدُقُ إِذَا حَدَّثَ، وَ لَا يُؤْتَمَنُ عَلَى ٱ أمانةً، فَمَنْ ائْتَمَنَهُ بَعْدَ عِلْمِهِ فَلَيْسَ لِلَّذِي ائْتَمَنَهُ عَلَى اللَّهِ ضَمَانٌ وَرَشَ لَدَا جِرَ وَ لَا خَلْفَ»^۲

« کسی که شراب را پس از آنکه خداوند به زبان من حرام فرمود بنوشد شایسته نیست هنگامی که به خواستگاری بیاید با او ازدواج شود و شفاعتش پذیرفته نیست و گفتارش نباید مورد تصدیق و گواهی واقع شود و نباید او را امین دانست و کسی که او را اطمینان دانسته و چیزی به دستش بسپارد از خداوند برای او ضمان یا عوض و پاداشی نیست.»

۱- عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، صص ۲۴۶-۲۴۵.

۲- همان.

بخش دوم

فصل اول: علل جرم

فصل دوم: راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی

۱- علل وقوع جرم

عوامل مختلفی در بروز جرم می‌تواند تأثیرگذار باشد که تعداد یا میزان اهمیت هر یک از این عوامل در جوامع گوناگون به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متفاوت است.

بین اندیشمندان در زمینه تعداد یا میزان نقش این عوامل، اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد. هریک از این‌ها با توجه به گرایش و تخصص خود به این مسأله نظر افکنده و دسته خاصی از این عوامل را تنها مؤثر در ارتکاب اعمال مجرمانه دانسته یا بیشترین اهمیت را برای آن قایل شده‌اند.

این عوامل را در یک تقسیم کلی با توجه به مطالعات فراوانی که انجام شده به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- عوامل فردی یا زیستی از قبیل: وراثت، جنس و سن
 - ۲- عوامل روانی از قبیل: بدبینی، وسوسه شیطان، ضعف ایمان
 - ۳- عوامل اجتماعی از قبیل: ناسازگاری والدین، مهاجرت، خانواده نابسامان^۱
- تقسیم اول و دوم به علل درونی و تقسیم سوم به علل بیرونی نام گذاری شده است.

۱-۱- عوامل فردی یا زیستی

۱-۱-۱- وراثت: اولین عامل بدبختی و بزهکاری انسان عنصر وراثت است «ژن»

۱- ابراهیم قاسمی روشن عوامل اجتماعی جرم، «معرفت»، نشریه علوم انسانی، مهر ۱۳۷۳، شماره ۳، ص ۶۹.

خصوصیات جسمی و روحی پدران و مادران و تبهکاران را به فرزندان انتقال می دهد و از این طریق اولین سنگ وحشت انحراف فرزند گذاشته می شود « فرزند یک دزد، یک آدم کش، کمتر از یک پسر دیوانه؛ قابلیت اداره صحیح خود را دارد، افرادی که عیوب رفتارشان، منشأ ارثی دارد، در تمام طبقات اجتماعی وجود دارند و آنان را در بین اغنیاء، فقرا، روشنفکران، کارگران، دهقانان می توان یافت.»^۱

مقصود از وراثت، ویژگی ها و اختصاصاتی است که از گذشتگان و اجداد به انسان منتقل می شود. در قرآن کریم آیاتی است که می توان از آن ها مسئله وراثت را استفاده نمود.

« إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ »^۲

« خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزیده آن ها فرزندانی بودند که از نظر پاکی و تقوا و فضیلت بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند و خداوند شنوا و داناست.»^۳

مفاد این آیه شریفه همان مفهوم « وراثت » است که خداوند پیامبران و برگزیدگان را از نژاد پیامبران و برگزیدگان قرار داده و از ایشان منشعب ساخته است. بنابراین آیه ی شریفه بر نقش وراثت در ساختار شخصیت انسان ها تأکید می کند. « ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ »

« وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ »^۴

۱- محمد قطبی مقاله علل ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، «اصلاح و تربیت»، خرداد ۱۳۸۷، شماره ۷۴، ص ۶. نشریه روانشناسی و علوم تربیتی،

۲- سوره آل عمران (۳)، آیات ۳۴-۳۳.

۳- محمد نوروزی، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، مرکز چاپ نشر دفتر تبلیغات اسلام، قم، ۱۳۸۶، ص ۶۵-۶۴.

۴- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۶۰

«ما آن رویایی را که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود. هم چنین شجره

ملعون را که در قرآن ذکر کردیم.»

در تفسیر این آیه، محدثان شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله- روایت کرده اند که آن حضرت در خواب دید بوزینگان بر منبرش بالا می روند و در جای او قرار می گیرند. پیامبر گرامی اسلام- صلی الله علیه و آله- از دیدن این خواب دلتنگ شد. در این هنگام جبرئیل نازل گشت و به آن خطاب خبر داد که آن بوزینگان بنی امیه هستند که بعد از تو بر مسلمانان مسلط می شوند و آنان را گمراه می کنند.

در این آیه شریفه خداوند بنی امیه را به درخت نامبارک و نفرین شده های تشبیه کرده است؛ یعنی همان طور که میوه ی هر درخت ما متناسب با ویژگی های همان درخت است، بنی امیه نیز که ناپاکی و خبث طینت را از نسل های قبلی خود دریافت کرده بودند، همچون درخت تلخ و نامبارکی بودند که فساد و تباهی را از پیشینیان خود به ارث برده و به نسل بعد انتقال داده و باعث گمراهی امت اسلامی شدند.^۱

پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- می فرماید: «إشقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی

بطن امه»

« بدبخت در شکم مادر بدبخت است و خوشبخت در شکم مادر خوشبخت است.»^۲

اشاره به این قاعده دارد، یعنی پدر و مادر با بی دقتی و مسامحه کاری خود فرزندان را تحویل جامعه می دهند که از نظر جسمی و..... دچار اشکال اساسی هستند، لذا پیامبر توصیه می کند « مواظب باشید نطفه تان را در چه محلی قرار می دهید. توجه کنید زمینه ی پاک

۱- محمد نوروزی، آسیب شناسی، ص ۶۴.

۲- هاشم صالحی، نهج الفصاحه، ترجمه ابراهیم احمدیان، چاپ اول، قم، انتشارات گلستان ادب، پاییز ۱۳۸۵، ص ۳۴۸.

باشد تا فرزندان شما وارث صفات ناپسند نشوند.^۱

۲-۱-۱- اقسام وراثت: صفات و ویژگی هایی که از پدران و اجداد به نسل های بعد

منتقل می شود به سه قسم زیر تقسیم می شود:

۱- وراثت خصوصیتی: وراثت خصوصیتی که می توان آن را وراثت مادی نام نهاد آن

است که با جسم، پیوستگی دارد، مانند مو، پوست، چشم، نوع گروه خونی و کوتاهی و بلندی قد. بنابراین، فرزند صفات مادی را از پدر و مادر یا گذشتگان به ارث می برد.

۲- وراثت عقلانی: مواردی که مرتبط با درک موضوعات، شناخت اشیاء برداشت از

مسائل، استدلال کردن نبوغ و هوش می باشد، مربوط به وراثت عقلانی است.

۳- وراثت اخلاقی: از دیدگاه اسلامی فضایل، آفت ها و عیوب و رذایل اخلاقی پدران و

مادران در فرزندان آثار قابل ملاحظه ای می گذارد و فرزندان وارث آن صفات پسندیده و ناپسندیده خواهند بود. قرآن کریم در داستان حضرت نوح علیه السلام- به این مسئله اشاره دارد.

« وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَي الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا »^۲

«نوح گفت: پروردگارا! روی زمین احدی از کافران را زنده مگذار، چرا که اگر آن ها را

بگذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند.»

از این آیه استفاده می شود که عقاید کفار به فرزندان شان منتقل می شود و آنان صفات

ناپسند پدران خود را به ارث می برند.^۳

ژنتیک و وراثت از مؤثرترین عوامل ارتکاب جرم هستند که در روایات اسلامی تحت عنوان

۱- محمد نوروزی، آسیب شناسی، ص ۶۴.

۲- سوره نوح (۷۱)، آیات ۲۶-۲۷.

۳- محمد نوروزی، آسیب شناسی رفتاری، ص ۶۶.

اخبار طینت مطرح شده اند^۱ و در این قسمت به همین اندازه اکتفا می شود چراکه مؤثرترین عامل فردی می باشد.

۲-۱- عوامل روانی

رفائل گاروفالو از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب جرم می باشد. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به دانش روان شناسی جنایی است. از جمله رسالت های این دانش بررسی نسل و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی شان است^۲.

اهمیت و لزوم بررسی این موضوع از دیدگاه متضمن ترین منبع دینی ما یعنی قرآن بر کسی پوشیده نیست تعدادی از این عوامل با نگاه قرآن بررسی می شود.

۱-۲-۱- ضعف و کاستی ایمان: نقش ایمان مذهبی در کاستن جرائم اجتماعی برای همه

روشن است و چقدر ایمان استوار باشد تعهد و التزام انسان در برابر قواعد و نورم های رفتار اجتماعی، قوی تر است ایمان به انسان مصونیت می بخشد و در برخی موارد، عنصر بی بدیل برای جلوگیری از وقوع جرم است. در جریان حضرت یوسف علیه السلام- ایمان است که مانع وقوع جرم منافی عفت می شود و بعید است که هیچ عامل دیگری در چنین موارد حساس بتواند، این نقش را ایفا کند.

آنچه مهم است این است که ضعف ایمان یک پدیده روانی است و از نظر قرآن می تواند

۱- سیدمحمدحسن مرعشی، مقاله علل روانی جرم از منظور قرآن، نشریه حقوق «دادرسی»، آذر و دی ۱۳۸۱، شماره ۳۵، ص ۴.

۲- مهرانگیز شعاع کاظمی، جرم و راه های پیشگیری از آن، ص ۴. سایت:

<http://marifat.Nashriyat.ir>

سبب وقوع جرم شود. در جنگ احزاب که از آیه ۹ تا ۲۷ سوره احزاب جریان آن مفصل بیان شده است. خوف از دشمن، مهم ترین زمینه امتحان اهل ایمان است.

«هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا»^۲

«در آنجا مؤمنان امتحان دارند و (ضعیفان درایمان) سخت متزلزل شدند.»

۲-۲-۱- ترس از گرسنگی: ترس و هراس در بسیاری از موارد جرم زاست؛ که یکی از

این موارد ترس از گرسنگی است در زمان های گذشته با توجه به کمبود مواد غذایی در مقایسه با امروز، این خوف و هراس بیشتر بود، و اولین قربانی این خوف هم اقشار ضعیف اجتماع مانند پسران و دختران خردسال بودند.

قرآن کریم در دو جا این جرم زشت را منع کرده، و خوف و هراس را با وعده به رزق

برطرف می کند.^۳

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»^۴

«و فرزندان را از ترس فقر نکشید؛ ما آن ها و شما را روزی می دهیم. مسلماً کشتن آن ها

گناه بزرگی است.»

۳-۲-۱- فراموشی خداوند: فراموشی خداوند بدترین معامله است که یک انسان می تواند

دچار آن شود؛ معامله که در پی هزاران جرم و صدها ضرر و زیان متوجه انسان می شود. قرآن

چنین افرادی را فاسق یعنی کسی که از اطاعت خداوند خارج شده است، معرفی می نماید؛ ولی

۱- محمدهادی نبوی، علل روانی جرم از منظور قرآن، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۷۰-۶۹، مهر و آبان ۱۳۹۱، ص ۱۷.

۲- سوره احزاب (۳۳)، آیه ۱۱.

۳- محمدهادی نبوی، علل روانی جرم، ص ۱۹.

۴- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۱- سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۱.

این که در کجا و با چه امری و با ارتکاب چه جرمی او فاسق شده است، مطلبی ندارد. در منطق

قرآن یاد خداوند؛ موجب آرامش دل هاست و سکون را برای انسان به ارمغان می آورد، ولی

فراموشی خداوند، انسان را فاسد و تباه و زمینه مجرمیت او را فراهم می نماید.

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲

«و هم چون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند و خدا نیز آن ها را به خود

فراموشی گرفتار کرد؛ آن ها فاسقاند.»

۴-۲-۱- اعتقادات و باورهای نادرست: عقیده صحیح از نعمت های بزرگ خداوند است

و کسانی که از این نعمت محرومند ناگزیر به جرم کشیده می شوند؛ باید گفت که در برخی موارد

فرد صاحب عقیده بدون هیچ کوتاهی به صحت باور خود یقین دارد که در این صورت صدق گناه

و جرم و عقاب اخروی، بر رفتار چنین فردی دشوار است. اگرچه در حقوق جهل به قانون عذر

محسوب نمی شود. کلام در جایی است که فرد یقین ندارد و یا این که در رسیدن به یقین خود و

در تحصیل مقدمات آن کوتاهی کرده است.

یکی از موارد عقیده اشتباه، معتقد بودن به جبر است، که خداوند می فرماید: مشرکان برای

تبرئه خود چنین می گویند:

«لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ»^۳

«اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شویم و نه پدران ما و نه چیزی را تحریم می کردیم.»

به این ترتیب، گناه خود را شرک به خدا و تحریم حلال خداست، به جبر نسبت می دهند.

۱- همان، ص ۲۰.

۲- سوره حشر (۵۹)، آیه ۱۹.

۳- سوره انعام (۶)، آیه ۱۴۸.

۴- محمد هادی نبوی، علل روانی جرم از منظر قرآن، ص ۲۱.

۵-۲-۱- وسوسه شیطان: با توجه به این که شیطان در قلب انسان رخنه می کند و زمینه

میل انسان را به گناه فراهم می نماید مناسب است که یکی از عوامل روانی ارتکاب جرم وسوسه شیطان باشد؛ قرآن در خصوص شیطان اصرار و طمع او نسبت به انحراف انسان ها آیات زیادی دارد، که به یک نمونه اکتفا می شود:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ^۱»

«ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید، چه اینکه او دشمن آشکار شماست * او شما را فقط به بدی ها و کار زشت فرمان می دهد (و نیز دستور می دهد) آن چه را که نمی دانید به خدا نسبت دهید.»

مطابق این آیه شریفه، شیطان با زمینه سازی و وسوسه انسان را به ارتکاب گناهان چون فحشاء و بدی ها و افتراء نسبت به خداوند وادار می کند.^۲ باید توجه داشت که شیطان و جنود او همه عوامل خارجی هستند و نا انسان راه نفوذ آنان را باز نکند نمی تواند کاری از پیش ببرند این دشمن قوی و مکار که بر انسان گمارده شده و عامل هر بدی است، هیچ گاه نمی تواند بدون تمایل انسان کاری بکند.

پس اگر خطایی از انسان سر زند، نباید جز خود را ملامت کند.

« وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْمُونِي وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ ^۴»

۱- سوره بقره (۲)، آیات ۱۶۹-۱۶۸

۲- محمد هادی نبوی، علل روانی جرم از منظر قرآن، ص ۲۲.

۳- محمد نوروزی، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص ۱۰۸.

۴- سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۲۲.

«و بر شما هیچ حجّت و دلیل قاطعی نیاوردم پس امروز شما ابلهان که سخن بی دلیل مرا پذیرفتید ملامت نکنید. بلکه نفس پُر طمع خود را ملامت کنید که امروز نه شما فریادرس من توانید بود و نه من فریادرس شما»

۶-۲-۱- تحقیر شخصیت و خود کم بینی: انسان در جهان هستی گل سرسبد موجودات

است خداوند هیچ موجودی را برتر از انسان نیافریده است، انسان از نظر جسم دارای امتیازات فراوانی است که هر یک از دیگری جالب تر می باشد و از نظر روح دارای استعداد و توانایی های زیادی است.

قرآن می فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۱

«ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آن ها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم.»

انسان دارای دو کرامت است:

۱- کرامت ذاتی: که در آیه فوق مورد توجه قرار گرفته است و انسان را از این نظر بر همه موجودات و بر فرشتگان برتری دارد، و به عبارت دیگر انسان از این جهت دارای زمینه و استعدادی است که هیچ موجودی این امتیاز را ندارد.

۲- کرامت اکتسابی: که بستگی به تقوی و اعمال نیک انسان دارد، چنانکه قرآن می فرماید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۲

«قطعاً گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شما می باشد.»

۱- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۷۰.

۲- سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

قداست و برتری انسان در سطحی است که خداوند به فرشتگان دستور داد تا به خاطر آدم سجده کنند یعنی خدا را سجده ی شکر کنند که او چنین موجود برتری آفریده است.

و از آنجا که یکی از شیوه های مهم تربیت و هدایت «شخصیت دادن» به افراد است چنانکه تحقیر و کوچک شمردن انسان یکی از عوامل مهم انحرافات اوست، قرآن و روایات همواره شخصیت و عظمت روح انسان را یادآور می شوند. امام علی علیه السلام- در روایتی فرمودند:

«الْعَالَمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْسرِّ جَهْلًا لَا يَعْرِفُ قَدْرَهُ»^۱

«دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و برای نادانی و جهالت انسان همین بس که قدر خود را نشناسد.»

اگر انسان شخصیت خود را بشناسد، هرگز شخصیت عظیم خود را در راه های انحرافی و پست نابود نمی نماید. احساس کمبود و عقده حقارت که بر اثر تحقیر و ناآگاهی به شخصیت انسان ایجاد می شود، به طورطبیعی انسان را به سوی گناهان و هر گونه کار پست و جرم و جنایت وا می دارد.

امام سجاده- علیه السلام- فرمودند:

«مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَا نَتَّ عَلَيْهِ الدُّنْيَا»^۲

«کسی که نفس خود را گرامی تر می دارد امور مادی دنیا در نظرش بی مقدار است.»

از این عبارت استفاده می شود که سرکوب نمودن شخصیت انسان زمینه دنیاپرستی و

گرایش به امور پست و انحرافی است ولی حفظ شخصیت و توجه به آن انسان را اسیر پستی ها

۱- عبدالواحد آمدی، غررالحکم، مترجم سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دانشگاه، ج ۲، ص ۷۷۷

۲- ابومحمدحسن بن علی ابن حسین بن شعبه حرانی، تحف العقول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷، ص ۶۱۴.

نمی نماید.^۱

۷-۲-۱- ضعف ایمان به قیامت و حسابرسی: نقش بازدارندگی و حفاظتی ایمان به معاد و

روز واپسین، در بهداشت از جرم؛ قابل انکار نیست. از سوی دیگر کاهش و سستی باور به معاد، انسان را جری و جامعه را جرم زا می نماید، امکان ندارد، فرد و جامعه معتقد به قیامت و نظام ثواب و کیفر الهی، با جامعه که منکر آن است در شرایط مساوی؛ آمار جرائم ارتكابی آن مساوی باشد؛ قرآن کریم یکی از عوامل کم فروشی را ضعف ایمان به قیامت می داند و می فرماید:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ»^۲

«وای بر کم فروشان آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند؛ کم می گذارند آیا آن ها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند در روزی بزرگ»

۸-۲-۱- امید و آرزوی کاذب و بی اساس: یکی دیگر از زمینه های روانی گناه آرزوهای

بیهوده و بی اساس است که انسان بدون حرکت و عمل در انتظار خوشبختی و پاداش و ترقی باشد که معمولاً افراد خیالاتی به این حالت دچار می شوند و مرتکب هر گناهی می شوند. و می گویند خدا «ارحم الراحمین» است. این گونه امیدها نه تنها عامل تکامل نیست، بلکه انسان را از درون تهی کرده و زمینه سستی و بی عاری را که بذره های گناه هستند، در انسان پدید می آورد.

۱- محسن قرائتی، بررسی آیات و روایات در زمینه شناخت گناه، تدوین محمدمهدی اشتهااردی، ناشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، قم، سازمان چاپ انتشارات اوقاف، چاپ سیزدهم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۴۱-۱۴۰-۱۳۹.

۲- سوره مطففین (۸۳)، آیات ۵-۱

قرآن می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱

«تنها کسانی که ایمان آورده و مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد کرده اند، آن ها امید به

رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

در این آیه امید در کنار ایمان، هجرت و جهاد آمده است. در سوره بقره راجع به یکی از

آرزوهای یهود و نصارا، می خوانیم:

«وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ»^۲

«آن ها گفتند: هیچ کس جز یهود یا نصاری هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی

آنهاست. بگو: اگر راست می گوئید دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید. مطابق این آیه شریفه؛

یهودیان و مسیحیان با خیال پردازی بی اساس تصور می کردند که بهشت ویژه آنان است.»

در حالی که هیچ دلیلی نداشتند و همین خیال؛ آنان را به دورغ و خلاف گویی سوق داد. در

حقیقت منطق قرآن این است که انسان باید با برهان و دلیل حرکت نماید، در غیر این صورت

علاوه بر اشتباه فکری، دچار گناه و معصیت خواهد شد.^۳

۹-۲-۱- حسد: حسد معمولاً بین کسانی صورت می پذیرد که در منافع و اهداف با هم

تصادم داشته باشند، در این صورت هنگامی که یکی از آن ها ببیند دیگری مانع رسیدن او به

هدفش می شود، از او متنفر شده و بغض و مینه اش را به دل می گیرد ولی اگر بین این دو نفر

۱- سوره بقره (۲)، آیه ۲۱۸.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۱۱.

۳- محمد هادی نبوی، عوامل و علل روانی جرم از منظر قرآن، صص ۲۱-۲۰.

هیچ رابطه ای نباشد حسد بین آن ها معنی ندارد لذا دیده می شود که معمولاً عالم به عالم حسد می ورزد ولی نسبت به ما هیچ حسادتی ندارد و همچنین در موارد دیگر.

یک مرد بیش از غربیه ها به برادر و پسرعمویش حسد می ورزد، و یک زن بیش از مادرشوهر و دخترشوهر به هوو و ندیمه شوهرش حسد می ورزد. و این به خاطر تراحمی است که در اهداف و مقاصد دارند.^۱

در سوره یوسف حسد برادران، کار را به جایی می رساند که آنان تصمیم می گیرند یا یوسف را بکشند و یا این که به زمین دوردستی تبعید کنند، که باز قتل را در پی داشت؛ ولی سرانجام یکی از برادران که وجدان قوی تری داشت به این نقشه رضایت نداد و انداختن او را به قعر چاه را پیشنهاد نمود. قرآن کریم می فرماید:

« إِذْ قَالُوا لْيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ * قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوْهَ فِي غِيَابَةِ الْجَبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ »^۲

«هنگامی که برادران گفتند: یوسف و برادرش بنیامین نزد پدر از ما محبوبترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم؛ مسلماً پدر مادر گمراهی آشکار است. یوسف را بکشید، یا او را در سرزمین دوردستی بیفکنید؛ تا توجه پدر فقط به شما باشد و بعد از آن از گناه خود توبه می کنید و افراد صالحی خواهید بود. یکی از آن ها گفت: یوسف را نکشید و اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در نهان گاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله ها او را بگیرند و به خود به مکان دور ببرند.»

در این آیات اگرچه صریحاً سخن از واژه حسد در میان نیست؛ ولی ظاهر آیات همین معنا

۱- عبدالله شبر، اخلاق، مترجم محمدرضا جباران، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ پانزدهم، پائیز ۱۳۸۹، ص ۲۵۶.

۲- سوره یوسف (۱۲)، آیات ۸-۱۰.

را می رساند و مفسرین نیز چنین برداشتی را دارند. حسد در میان یوسف و برادران، کارش به اینجا هم تمام نمی شود و قرآن تصریح می کند که سال ها بعد از این واقعه و رفتن برادران به مصر برای آذوقه، یک بار دیگر اثر این رذیله بروز کند و برادران یوسف دسته جمعی آن بزرگوار را متهم به سرقت می کنند و آشکارا دروغ می گویند.

به اضافه آن چه مطرح گردید؛ در داستان دعوی فرزندان حضرت آدم، که منجر به قتل یکی از برادران در پیشگاه خداوند دیگری را وادار به قتل برادرش کرد. قرآن کریم می فرماید:

« وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ^۱ »

«و داستان دو فرزندان آدم را به حق بر آن ها بخوان. هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب به پروردگار انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد؛ برادری که عقلش مردود شده بود به برادر دیگر گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت.» برادر دیگر گفت: «من چه گناهی دارم.» زیرا خداوند تنها از پرهیزگاران می پذیرد.... نفس سرکش که او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ سرانجام او را کشت، و از زیانکاران شد.»

از مجموعه آیات که مورد اشاره واقع شده به دست می آید که حسد یکی از عوامل بسیار مؤثر ارتکاب جرم از نظر قرآن کریم است؛ جرائمی مانند: قتل، تهمت زدن، کوشش برای تشویق و انحراف مردم از حق و حقیقت، بخشی از جرائمی است که ریشه اش حسد است.^۲

۳-۱- عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی جرم را در سه محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می توان مورد بررسی

۱- سوره مائده (۵)، آیات ۳۰-۲۷.

۲- محمد هادی نبوی، عوامل و علل روانی جرم از منظر قرآن، صص ۱۷-۱۶.

قرار دارد.

تعریف محیط: محیط عبارت است هر چیزی که انسان را احاطه کرده است. هرچه انسان رشد می کند دایره ی محیط او وسعت می یابد. محیط نقش بسیار اساسی در ساخت یا تخریب شخصیت انسان ها ایفا می کند. زیرا نقش محیطی که فساد مالی، اخلاقی و اعتقادی در آن وجود دارد بسیار متفاوت است با نقش محیط دیگری که سلامت اخلاقی، اعتقادی و مالی دارد به همین جهت توصیه و سفارش اسلام در فراهم نمودن محیطی پاک و سالم است.

۱-۳-۱- محیط اجتماعی:

۱-۳-۱-۱- محیط خانوادگی: محیطی است که فرد در آن جا به دنیا آمده و به حیات اش ادامه می دهد کودک فطرتاً پاک و سالم به دنیا می آید. اما این خانواده است که روحیات و صفات خوب و بد را به کودک منتقل می کنند. محققان بر این عقیده اند که فرد تحت تأثیر شدید والدین و دیگر اعضای خانواده اش قرار می گیرد و به همین دلیل، وضع خانوادگی او در بروز رفتارهای خطرناک و ارتکاب جرایم رابطه مستقیم دارد. این تأثیر بر شکل گیری شخصیت و منش افراد و در نتیجه، رفتارهای آتی آنان، مورد توجه بیش تر متفکران بوده است.

دوگرف در این باره می نویسد:

«اثرات سال های عمر بر روی تکوین و تحول آتی شخصیت افراد بسیار بدیهی بوده و اگر خانواده به وظایف تربیتی عمل نماید و اگر روابط بین والدین و فرزند طبیعی بوده و در محیط، جو عاطفی، دوستی و محبت حاکم باشد و در نهایت، اگر تمام نیازهای طبیعی تأمین گردد، طفل به راحتی اجتماعی شده و همچنین در روابط خانوادگی و خارج از آن، رفتارهای طبیعی و معتدل خواهد داشت. اما اگر شرایط و موقعیت به صورت دیگری باشد- یعنی خانواده از نظر تربیتی دچار نقیصه شده و اگر طفل از کمبود شدید عاطفی رنج ببرد و اگر والدین از هم جدا شده باشند، بدیهی است نتایج ضربه بار آن دیر یا زود در طفل مشاهده خواهد شد. خانواده نقش تعیین کننده و قاطعی در انگیزه شناسی بزه کاری جوانان ایفا می نماید.»

۱- محمد نوروزی، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص ۶۶.

جرم شناس مذکور ضمن تأکید بر نقش عوامل مزبور، می افزاید: « منس و رفتارهای بزه کار

در برابر جامعه تا حدود زیادی با توجه به ویژگی های محیط خانوادگی او رقم زده شده است.»

رستون نیز در این باره می نویسد: « موقعیت خانوادگی بدون شک، یک اثر جرم زایی بر

روی افراد دارد » او برای اثبات نظر خود بعد از انجام مطالعاتی در این زمینه می گوید: « سه چهارم

بزه کاران از خانواده هایی می باشند که در آن شرایط طبیعی نبوده و جوّ و شرایط آنان مختل^۱ است.»

خانواده های بزه پرور دارای این ویژگی ها می باشند:

۱- رایج بودن بزه کاری و میگساری.

۲- طلاق یا مرگ یکی از والدین.

۳- عدم مراقبت کافی از فرزندان به دلیل جهل یا تعمّد والدین.

۴- نامطلوب بودن فضای خانواده.

۵- تفاوت و گونه گوئی زیاد خانواده از نظر نژادی و مذهبی.

۶- مشکلات مالی، بی کاری.^۲

قرآن کریم می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا »^۳

«ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خاندانتان را از آتش عذاب حفظ کنید.»

مقصود ایه شریفه این است که برای فرزندان و وابستگان محیطی سالم به وجود آورید تا از

فساد و تباهی به دور باشند و در نتیجه از آثار آن که عذاب و سخط الهی است حفظ شوند.^۴

۱- ابراهیم قاسمی روشن، عوامل اجتماعی جرم، ص ۷۲.

۲- مهرانگیز شعاع کاظمی، جرم و راه های پیشگیری از آن.

۳- سوره تحریم (۶۶)، آیه ۶.

۴- محمد نوروزی، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص ۶۶.

والدین موجب می شود که غریزه جنسی فرزندان آن ها پیش از بلوغ تحریک شده و موجب انحراف آنان شود. اعتیاد پدر یا مادر به مواد مخدر و الکل تبعات زیان بار فردی و اجتماعی بر فرزندان شان می گذارد و موجب اختلالات روانی آن ها می گردد.

۳-۱-۱-۳-۱-خانواده از هم گسیخته: جدایی والدین اثرات نامطلوبی بر روان

فرزندان می گذارد و گذشته از مشکلات مادی، مشکلات روانی فراوانی برای آنان فراهم می آورد و ضربات جبران ناپذیری بر آن ها وارد می سازد، به گونه ای که بعدها موجب عصبانیت، بدخلقی تمرّد از اوامر والدین و دیگران و در نهایت، موجب عدم انطباق اجتماعی شان می گردد. این از هم گسیختگی خانوادگی در دختران موجب فرار از منزل و در پسران، موجب ترجیح بیرون از خانه بر منزل می شود و به تدریج جذب آنان را در بین گروه های بزه کار در پی می آورد و در نهایت، به سوی ارتکاب جرایم روی می آورند. به همین دلیل، طلاق هرچند ممکن است برای والدین کاری لازم یا تنها راه رهایی باشد، ولی برای طفل همیشه یک فاجعه است و شاید به همین دلیل در اسلام، به عنوان مبعوض ترین حلال ها تلقی شده است.

۲-۱-۳-۱-۲-محیط مسکن: همان محل سکونت یا خانه است که فرد در آن متولد می شود

و در آنجا رشد می یابد و در آن به استراحت می پردازد. وضع مسکن تا حد زیادی نشان دهند وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی والدین و محلی است که خانه در آن بنا شده، که در وقوع جرایم افراد آن مؤثر است. خانه های محقر که فضای آن برای افراد ساکن در آن محدود است تأثیر فراوانی در انحراف افرادش دارد؛ زیرا والدین و فرزندان مجبورند در یک اتاق بخوابند و چه بسا فرزندان متوجه روابط جنسی والدین گردند که همین موجب بروز آثار ناخوشایند در مسائل جنسی فرزندان می شود. همچنین در این خانه های کوچک به سبب شلوغی و سر و صدای زیاد و ناراحتی والدین، غالباً فرزندان به کوچه ها پناه می برند و از این طریق، به بی راهه کشیده می شوند. « تحقیقات مرکز و وکرسون فرانسه، ۲۲/۴ درصد موارد بزه کاری را ناشی از کثرت

جمعیت داخلی منزل اعلام کرده است.» در منطقه و محله ای که فاقد بهداشت، نظافت، مراکز تفریحی سالم و وجود سکنه فراوان و شلوغ است، زمینه های بیش تری برای ارتکاب اعمال مجرمانه وجود دارد. بنابراین، افراد ساکن در این مناطق بیش از مناطق دیگر در معرض آلوده شدن قرار دارند.

۳-۱-۳-۱- محیط انتخابی: تشکیل خانواده شخصی و انتخاب و تفریح، که شخص

با رضایت و میل خود انتخاب می کند، جزو محیط انتخابی اوست.

۴-۱-۳-۱- محیط شغل: همان گونه که داشتن یک محیط خانواده شخصی هماهنگ و

آرام و مورد وفاق یا به عکس متشنج و ناآرام به وجود می آورد، به طور مستقیم، در پدید آوردن اعمال و رفتار مورد قبول و مورد انتظار یا خلاف انتظار و جرایم مؤثر است. شغلی را که برای تأمین معیشت و گذران خرج زندگی خود انتخاب می کند، اگر بر اساس خواست و رضایت قلبی اش نباشد، سبب نگرانی او شده، زمینه را برای ارتکاب اعمال خلاف و جرایم در او آماده می کند. محیطی را که شخص در آن به انجام کار مشغول می شود و در کنش با افراد مختلف قرار می گیرد از ناحیه خرده فرهنگ ها و ارزش ها و باورهای افراد متأثر می شود؛ مثلاً، کارکنان در غذاخوهری به سبب سر و کار داشتن با طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی، از جمله بزه کاران، بیش از دیگران در معرض ارتکاب جرایم قرار می گیرند و به آن آلوده می شوند.

۵-۱-۳-۱- محیط تفریح: انسان ها در عصر صنعت و فن آوری برای تسلط یافتن بر

ابزارکار و صنعتی شدن کارها، از فراغت بیش تری بهره مند شده اند. به همین دلیل، برای استراحت و رفع خستگی و بازیابی مجدد توان و قدرت کار، بخشی از حیات و اوقات خود را به تفریح اختصاص می دهد.

اگر مکان های تفریحی سالم و مطابق با ارزش ها و آداب و رسوم و فرهنگ و معتقدات مذهبی وجود نداشته باشد، افراد به سایر اماکن عمومی از قبیل قهوه خانه، غذاخوری، کوچه و

خیابان پناه می برند. در این شرایط، افراد بزه کار و منحرف با نفوذ در بین این افراد و کشاندن آن ها به کارهای خلاف، برای پیدا کردن رفیق و هم دست، در مسیرهای خلاف به آرامش نسبی می رسند و بدین صورت، زمینه انحراف افراد جویای تفریح سالم فراهم می شود و این افراد، به خصوص اقشار جوان، جذب گروه های بزه کار و تبه کار می شوند و با آن ها طرح دوستی می ریزند و برای این که مورد قبول و پذیرش آن گروه واقع شوند به ناچار، باید رفتارها، ارزش ها و چارچوب های عملی آن ها را بپذیرند که نتیجه اش دست زدن به جرایم مورد قبول آن هاست که معمولاً این جرایم برای اعضای گروه تا پانزده سال خراب کاری و برای رسانیدن بالاتر از شانزده سالگی، سرقت است.

۶-۱-۳-۱- محیط تحصیلی: در اوایل قرن نوزدهم، صاحبان اندیشه معتقد بودند برای

پیش گیری از جرایم در یک جامعه، باید آموزش و پرورش در آن جامعه همگانی و فراگیر شود از این رو، طرح اجباری شدن تعلیم و تعلم را مطرح نمودند. در این زمینه ویکتور هوگو، نویسنده فرانسوی، جمله مشهوری دارد: « یک مدرسه باز کنید تا در یک زندان بسته شود.» اما با گذشت زمان، معلوم شد که صرف با سواد شدن افراد جامعه تأثیری در کاهش میزان جرایم ندارد، بلکه نوع و کیفیت جرایم فرق می کند؛ بدین صورت که اشخاص با سواد کم تر از اشخاص بی سواد دست به ضرب و جرح می زنند، بلکه غالباً مرتکب جرایم فکری، که همراه با مکر و حيله از قبیل جعل، کلاه برداری و خیانت در امانت و... است، می شوند.

محیط تحصیلی در تکوین و توسعه شخصیت کودک نقش فراوانی دارد. طفل در آشنایی با

هم کلاسی های خود، طرز معاشرت و زندگی در اجتماع و سازگاری و احترام به دیگران را فرا

می گیرد و با رعایت نظم و انضباط در محیط مدرسه برای رعایت و اجرای قوانین و مقررات

اجتماعی آماده می شود، اما با صنعتی شدن کشورها، مدرسه به جای پرداختن به دو مسئولیت

تعلیم و تربیت، فقط افراد را جهت رسیدن به شغلی خاص در جامعه هدایت می کند و اصل

رسالت خود را از یاد برده است. از سوی دیگر، وجود تعداد زیاد دانش آموزان در یک کلاس و عدم امکان توجه و بررسی کافی مربیان به ابعاد اخلاقی، عاطفی و عقیدتی کودکان، عامل دیگری برای توجه نکردن به مسأله تربیت آن هاست که این عوامل در کنار عوامل دیگر، زمینه را برای انحراف کودکان فراهم می کند.

۷-۱-۳-۱- وسایل ارتباط جمعی: مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما و نمایش در هر

جامعه ای، در واقع، ابزارهایی هستند برای جامعه پذیری و فرهنگ پذیری تا افراد آن جامعه بتوانند همدیگر را نسبت به رعایت قوانین و مقررات آن جامعه مقید بار آورند و از این طریق، جلوی ارتکاب جرایم را بگیرند و میزان آن را کاهش دهند. اما متأسفانه امروزه به دلیل توجه نکردن به مقتضیات زمان و مکان، آداب و رسوم، مبانی اخلاقی و اعتقادات مذهبی، سبب انحراف و گمراهی افراد جامعه شده و موجب بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرایم می شوند.

مطبوعات برای جلب مشتریان بیش تر و کسب درآمد، اخبار مربوط به بزه کاران را به طور اغراق آمیز، برجسته و تخیلی مطرح می کنند، به گونه ای که موجب معروف و مشهور شدن افراد مجرم می شوند و این موجب می گردد افرادی که آرزوی مشهور شدن را دارند این نوع رفتارهای جرم زا را تقلید نمایند و همان اعمال را انجام دهند.

تولیدکنندگان فیلم های تلویزیونی و سینمایی نیز غالباً بدون توجه به جهات اخلاقی، تربیتی و آموزشی، برای جلب منافع بیش تر دست به ساخت فیلم هایی می زنند که حاوی صحنه های خشونت بار، قانون شکن و شهوت زاست و موجب تهییج و تشویق جوانان می گردد و زمینه را برای ارتکاب جرایم فراهم می کنند!

۸-۱-۳-۱- مهاجرت: از اوایل قرن نوزدهم، تحولات و پیشرفت های صنعتی موجب شد

۱- ابراهیم قاسمی روشن، عامل اجتماعی جرم، ص ۳۶.

که زندگی شهری به کلی متحول شود؛ از یک سو، بهبود یافتن وضع راه ها و وضعیت حمل و نقل و توسعه رسانه های گروهی موجب شد که روستاییان به راحتی از مزایا و رفاه زندگی شهری اطلاع کسب نموده و بیش تر متوجه محرومیت های خود شوند و در نتیجه، برای تحصیل این مزایا و داشتن زندگی پر زرق و برق، به شهرها مهاجرت نمایند. ولی با ورود به شهرها، با مشکلات عدیده ای مواجه شدند و معضلات فراوانی را پیش روی خود مشاهده نمودند؛ از قبیل تهیه مسکن مناسب، پرداخت اجاره بها و دسترسی به امکانات زندگی شهری. در این حال، آن ها مجبور شدند به حاشیه شهرها کشیده شوند و درصدد تهیه آلونک برآیند. از سوی دیگر، به دلیل نداشتن تخصص لازم برای انجام کارهای مناسب و صنعتی، به سوی شغل های نامناسب از قبیل سیگارفروشی، روزنامه فروشی و خرید و فروش مواد مخدر روی آوردند که همین زمینه را برای ارتکاب کارهای خطرناک و جرایم فراهم می کند.^۱

۲-۳-۱- محیط اقتصادی: بعضی از دانشمندان تنها عامل مؤثر بر انسان را وضعیت

اقتصادی می دانند و سایر ابعاد انسانی را متأثر از شرایط اقتصادی می دانند.^۲

۱-۳-۲-۱ فقر: فقر از ریشه «فقر» به معنای مهره های پشت کمر است. فقیر کسی

است که ستون فقرات پشت او شکسته باشد. این پدیده در جامعه، ستون رشد و پیشرفت آن را می شکند و تا در جامعه ای رواج داشته باشد، انتظار ترقی در آن امری بیهوده است.^۳

فقر و گرسنگی از عناصر عمده ای است که در وقوع جرم و جنایت و قانون شکنی و ناامنی های اجتماعی نقش برجسته ای دارد. فقر و گرسنگی انسان را به زبونی و تباهی و گناه و

۱- همان، ص ۷۴.

۲- مهرانگیز شعاع کاظمی، جرم و راه های پیشگیری از آن.

۳- همان.

۴- جوادی آملی، جامعه در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم، چاپ و نشر اسراء، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۹۸.

گاهاً جنایت می کشاند. فقر، ایمان و عاطفه و عقل را سست می کند و گاهاً از کار می اندازد به قول معروف « شکم گرسنه ایمان ندارد.»^۱

بسیاری از علمای اقتصاد و علمای علم الاجتماع معتقدند فقر عامل مؤثر در ارتکاب جرم است می گویند ضمن اینکه فقر همراه با حرمان و محرومیت است از جهت عدم تهیه نیازمندیهای اولیه انسانی عامل مؤثر در ارتکاب جرم است. فقر مولد حسادت و کینه توزی، فقر مولد دروغگویی و ناپاکی. فقر اساس هرزگی و بزه کاری است.^۲

قرآن کریم ترس از فقر و نادانی را عامل روی آوردن اعراب جاهلی به کشتن فرزندان خود معرفی نموده است و می فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»^۳

«هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور نکنید) که ما رازق شما و آن ها هستیم زیرا این قتل و زنده به گور کردن فرزندان بسیار گناه بزرگی است.»

شخص فقیر و تهیدست، اگر برای رفع نیازهای طبیعی خود، راه مشروع و قانونی پیدا نکند، جبراً و ناچاراً دست به تجاوز خواهد زد. اگر در پرونده های سارقین دقت شود، روشن می شود که اکثراً در مراحل اولیه برای رفع نیازهای ضروری خود اقدام نموده اند، ولی با تکرار آن رفته رفته به سارقین حرفه ای و خطرناک تبدیل شده اند. دین مقدس اسلام برای اینکه از جنایات ناشی از فقر و گرسنگی جلوگیری نماید، با پدیده ی فقر و تهیدستی با شدت تمام مبارزه می کند. در مقابل به بهبود وضع مادی و رفاهی زندگی در حد طبیعی و متعادل، سفارش نموده و به تجارت و کشاورزی و صنعتگری و کارهای تولیدی تشویق و ترغیب و به دولتمردان نیز توصیه می نماید تا

۱- محمد قطبی علل ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، ص ۷.

۲- هاشم نیابتی، شناخت علل واقعی ارتکاب جرم، ماهنامه قضایی، نشریه حقوق، ص ۴۳.

۳- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۱.

رفاه و آسایش مردم را تأمین نمایند و عدالت اقتصادی و اجتماعی را وجهه همت خویش قرار دهند.^۱

۲-۲-۳-۱- ثروت: همان گونه که فقر و تهیدستی اگر همراه با تقوا و توکل نباشد باعث

انحرافات می شود. پول و ثروت و سرمایه نیز اگر عامل بازدارنده ایمان و تقوا را در کنار خود نداشته باشد، غرور و طغیان او شرافیت به دنبال دارد. اسراف کاری ها، شهوت رانی ها و استثمار و غارت طبقات فقیر از خصوصیات ویژه اشرافیت و سرمایه داری بدون تقوا می باشد.

دین اسلام همانگونه که فقر و تهیدستی را سایه ی ذلت و خواری و زمینه ی ناهنجاری ها می داند، با پول و ثروتی که طغیان را به دنبال داشته باشد، نیز به شدت مبارزه و مقابله می کند. در فرهنگ اسلام عزیز از ثروتمندان بد مست و مغرور طغیانگر به مترف یا مترفین یاد می شود مترف به قول اهل لغت به کسی گفته می شود که نعمت و زندگی با امکانات گسترده مادی و دنیوی او را مست و مغرور و غافل ساخته و به طغیانگری واداشته باشد.^۲

قرآن کریم به صراحت تمام، احساس استغناء و بی نیازی را مایه طغیان فکری و عملی

انسان می دارند و می گویند:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْغَىٰ * أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰ»^۳

«باز انسان از کفر و طغیان باز نمی ایستد و سرکش و مغرور می شود * چون که به غنا و

دارائی می رسد.»

و در آیه دیگر می فرماید:

«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ

۱- محمد قطبی، علل ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، ص ۷.

۲- همان.

۳- سوره علق (۹۶)، آیات ۷-۶.

وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا.....»^۱

«و بی چاره انسان را هر گاه فقر و مصیبت و رنجی پیش آید در آن حال به دعا و توبه و انابه به درگاه خدا رود و چون نعمت و ثروت به او عطا کند خدائی را که از این پیش می خواند به کلی فراموش سازد و برای خدای یکتا شریک و همتا قرار دهد....»

زیاده روی در تنعمات مادی و فرورفتن در شهوات و افراط در کامجویی ها و لذت های دنیوی سرکشی و غرور و بد مستی را به دنبال داشته و جامعه را به سمت گناه و معصیت و مبارزه با ارزش های اخلاقی و انسانی سوق می دهد و در نتیجه باعث سقوط جامعه ی انسانی می شود. لذا قرآن مجید می فرماید:

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا»^۲

«و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم لیکن آن ها راه فسق و تبهکاری و ظلم را در آن دیار پیش گیرند آن جا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت آن گاه همه را به جرم بدکاری هلاک می سازیم.»

خلاصه ثروت و سرمایه داری بدون ایمان و تقوی از یک طرف طغیان و از طرف دیگر شکاف طبقاتی و فاصله ای فاحش میان دو طبقه جامعه را همراه دارد و اگر جامعه از حد تعادل خارج شد. گروهی سیرسیر و دسته ای دیگر، گرسنه گرسنه باشند قطعاً دچار بحران خواهد شد و فاصله طبقاتی فاحش بی تردید به انفجار منتهی خواهد گردید و افراد رنج دیده بالاخره دست به اقدامی خواهند زد. ^۳ حضرت علی - علیه السلام - در نامه ی مبارکش به مالک اشتر، سفارش می نماید تا طبقه پایین و فقیر جامعه را بیشتر مورد توجه قرار دهد. به او می فرماید: « هر خشم

۱- سوره زمر (۳۹)، آیه ۸.

۲- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۱۶.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

اکثریت مردم فعالیت و خشنودی خواص را درهم می‌کوبد ولی خشنودی و رضایت مردم خشم خواص معدودی را در خود حل می‌کند.»

به هر حال تا هنگامی که جامعه به دو گروه فقیر و غنی دسته‌بندی می‌شود اعمال خلاف ادامه و جریان پیدا خواهد کرد. دین مبین اسلام سعیش بر این است که فقر را از جامعه ریشه کن سازد و از طرف دیگر، جلو سرمایه‌داری بی‌قواره را سدّ نماید. چرا که در هر دو صورت جامعه بشری را تهدید می‌کند.

فقر یک نوع ناتوانی و بیماری‌های جسمی و اخلاقی به وجود می‌آورد و پول‌پرستی و اشرافیت هم نوعی دیگر، اسلام با ثروت مشروع مخالفتی ندارد، زیرا وقتی که ثروت مشروع باشد، صاحب ثروت قبل از کسب آن خود را به اخلاق پسندیده مجبور نموده و از همین راه به کسب ثروت مشروع می‌پردازد و به همین دلیل صاحب چنین ثروتی از مجاری اخلاقی خارج نمی‌شود و همان گونه که اسلام اجازه نمی‌دهد ثروت در مجاری انحراف و اسراف و تبذیر و خوشگذرانی‌های ناروا خرج شود از قبل از تولید ثروت مشروع خود را مقید به انجام دستورات اسلامی نموده است.

پیدایش ظلم و تجاوز و ترور و فحشاء و منکرات که باعث ناامنی‌های فردی و اجتماعی می‌شود. علل و عوامل مختلف دارد که تحلیل و بررسی آن‌ها دارای ابعاد وسیع می‌باشد ولی از عمده‌ترین و مؤثرترین عامل هر نوع ظلم و تجاوز و ناامنی نبودِ ممنوعیت و ضعف مبانی و ارزش‌های اصیل مذهبی و اخلاقی است.

یک فرد با ایمان و تقوی که نور ایمان را در قلب خود احساس نموده به هیچ عنوان چه فقیر باشد چه غنی به فکر بزهکاری هم فکر نمی‌کند.

۱- محمد قطبی، علل ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، ص ۷.

اگر در دنیای متمدن امروز، به تعداد افراد جانی و بزهکار و جنایت بیشتر افزوده می شود و زندگی در کام بسیاری به خصوص آن ها که متمدن ترند تلخ تر و ناگوارتر می گردد و اگر امروز مفاهیمی چون عدالت و مساوات و صلح و امنیت و صفا و انسان دوستی و روی هم رفته آنچه جلوه های اصیل انسانیت انسان است و یا آنچه به حیثیت انسانی یک انسان مربوط می شود بسیار کم رنگ شده اند به خاطر فقدان معنویت و ارزش های اخلاقی و انسانی است.

همان گونه که تقوا و معنویت باعث آرامش درونی و بیرونی می شود اعراض از حق و فقدان معنویت گمراهی و فشار و جنایت را به دنبال دارد. لذا در سوره «نحل» ، ترس و ناامنی ناشی از کفران نعمت و فقدان ارزش های اخلاقی و معنوی با صراحت بیان شده است.

۳-۳-۱- محیط سیاسی:

۳-۳-۱-۱- سیاست داخلی: نوع رژیم سیاسی و عملکرد هیأت حاکمه می تواند نقش

بسیار در میزان جرایم هر کشور داشته باشد. در نظام های سیاسی استبداد که مردم قدرت انتقاد از عملکرد حاکمان را ندارند، دست به یک سلسله اعمالی می زنند که جرم محسوب می شد؛ کارهایی از قبیل ایجاد رعب و وحشت، انفجار، ایجاد حریق، قتل، هواپیماربایی و مانند آن. همین طور در صورت وجود سیاست غیر منطقی در مسئولان و کوتاهی در مسئولیت ها و فقدان نظارت دقیق نیز ممکن است جرایم خاصی از قبیل فساد اداری، تقلب در انتخابات و مانند آن در جامعه شیوع پیدا کند.

۳-۳-۱-۲- انقلاب: معمولاً در انقلاب ها به دلیل به هم خوردن نظم سازمان ها به

خصوص سازمان های امنیتی مانند نیروهای ژاندارمری، ارتش و مانند آن زمینه برای ارتکاب

۱- محمد قطبی علل ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، ص ۸.

جرایم گوناگون از سوی افراد فراهم می شود.

۳-۳-۱- تأثیر جنگ در افزایش جرایم: بحران جنگ از جمله عوامل جرم زایی است

که جرم شناسان و جامعه شناسان درباره تأثیر آن متفق القولند و برای توصیه آن دلایلی دارند:

۱- وجود موقعیت های نامناسب اقتصادی- اجتماعی از قبیل جیره بندی غذایی، تثبیت آمرانه قیمت ها و بازار سیاه برخی کالاهای ضروری، جرایم را افزایش می دهند. لطمات و صدمات وارده، مقاومت افراد را در مقابل وسوسه های نفسانی کاهش داده- سبب بروز جرم می گردد.

۲- پراکندگی خانواده ها در اثر وقوع جنگ.

۳- هنگامی که کشور تحت محاصره دشمن قرار می گیرد تعدادی از نیروهای داخلی

درصدد همکاری با نیروهای اشغالگر بر می آیند. این همکاری جزء جرایم محسوب می گردد. با این اوصاف نمی توان گفت که پدیده جنگ خود به خود پدیده ای شر و منفور است، بلکه در بسیاری از اوقات جنگ سبب تقویت روحیه آزادی خواهی، گذشت و ایثار نیز می گردد.

۴-۳-۱- سیاست کیفری: توجه به نظم و امنیت و پیشگیری از جرایم جزء یکی از

برنامه های اصلی سیاست حاکمه است که با توجه به دو نکته حاصل می شود: ۱- تدوین قوانین جزایی متناسب و بازدارنده. ۲- بهبود وضعیت اجتماعی. برای از بین بردن زمینه های اجتماعی ارتکاب جرم.

بنابراین، اگر در سیاست کیفری به هریک از این دو نکته توجه جدی نشود، به یقین، هدف

غایی، که پیشگیری از جرم باشد حاصل نمی شود.

۱- ابراهیم قاسمی روشن، عوامل اجتماعی جرم، ص ۷۵.

۲- مهرانگیز شعاع کاظمی، جرم و راه های پیشگیری از آن، ص ۶.

۳- ابراهیم قاسمی روشن عوامل اجتماعی جرم، ص ۷۵.

نتیجه:

حاصل آن که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی همانند دیگر پدیده های اجتماعی، دارای ابعاد مختلفی است و عوامل متعددی می تواند در پیدایش آن نقش داشته باشد به همین دلیل، تغییر و تحول پدیده های اجتماعی به کندی صورت می گیرد. بنابراین، اگر محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میزان جرم تأثیر مستقیم دارد به صرف تشدید مجازات برای مجرمان یا برخورد شدید نیروهای انتظامی با آنان یا ایجاد رفاه اقتصادی و بالا بردن سطح معیشت زندگی، نمی توان از بروز جرایم در یک کشور جلوگیری نمود، بلکه پیشگیری از ارتکاب جرایم افراد، تلاش همه جانبه ای در تمامی ابعاد طلب می کند تا بتوان در این زمینه، به موفقیت هایی دست یافت.

۲- راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی

با توجه به اینکه در کشورها احکام اسلامی اجرا می شود پیشگیری از جرم با توجه به آموزه های دینی از اهمیت بالایی برخوردار است و اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم از اصول قضای اسلامی و سیاست جنایی اسلام محسوب می شود. که این اقدامات پیشگیرانه مجموعه ای از اقدامات و فعالیت های سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و سیاسی را در بر می گیرد. بستر طبیعی اجرای احکام اسلامی، جامعه ای را می طلبد که قبل از مبارزه با معلول و پدیده با علت و اساس آن مبارزه کند.^۱

در جرم شناسی بر حسب تاریخ ظهور آن ها چند نوع پیشگیری قابل تفکیک از هم است بدون اینکه این تفکیک و طبقه بندی مطلق باشد. نوع نخست عنوان «پیشگیری متداول» و دو نوع به عنوان «پیشگیری جدید» مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است که این پیشگیری ها هریک مبتنی بر مکتب و نظریه خاصی در جرم شناسی است.^۲

۲-۱- پیشگیری های متداول:

قدیمی ترین پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوان بزهکار که شخصیت آن ها در حال شکل گیری

۱- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲ ص ۳.
۲- همان.

و قوام یافتن است، باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده نمود، حال آنکه در مورد بزهکاران بزرگسال باید از ارباب انگیزی از طریق تهدید به مجازات استفاده کرد، زیرا شخصیت آن ها شکل و قوام گرفته است.^۱

مجازات ها و پیشگیری از جرم یکی از اهداف مجازات ها جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق ارباب می باشد. مجازات های عمومی با ایجاد ترس در توده ی مردم مانع می شوند تا دیگران همان جرم را در آینده مرتکب شوند البته تأثیر مجازات ها از نظر جلوگیری جرم بیش از آن که مربوط به ترس از صدمه ی احتمالی ناشی از مجازات ها (مثل چند سال زندان) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم بستگی دارد، اگر جامعه جرمی را بد بداند و نسبت به آن واکنش نشان دهد، جنبه ی بازدارندگی جرم خیلی بیشتر از وقتی است که قانون، فعلی را جرم بداند ولی جامعه آن را ناپسند نداند؛ مثلاً در مورد فرار از مالیات اگرچه قانون آن جرم را شناخته، این فعل قبح زیادی در جامعه ندارد. به طور کلی میزان نفوذ و موفقیت نظام جزائی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده بستگی کامل و قطعی با میزان هماهنگی هنجارها و مجازات های جزائی با ارزش های فرهنگی جامعه دارد.

مجازات های خصوصی باعث می شوند مرتکب جرم به علت عقل سختی و مشقت مجازات در آینده از ارتکاب جرم خودداری کند. البته در برخی موارد مجازات به جای آن که هدف بازدارنده داشته باشد، خود عامل بزهکاری می شود؛ مثل سارق ناشی که با افتادن به زندان سارق حرفه ای می شود.^۲

۱- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ص ۴

۲- میثم مرادیان، وقوع جرم. [www. Pajohoohe. Com](http://www.Pajohoohe.Com)

۱-۱-۲- پیشگیری عمومی و اختصاصی: نوعی پیشگیری از بزهکاری است. در پیشگیری

عمومی اقدام علیه عوامل بزهکاری عمومی بزهکار مورد توجه است. بدیهی است که نهادهای مردمی، و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه، محله و..... و محیط سربازی در این نوع پیشگیری نقش عمده ای دارند. حال آنکه در پیشگیری اختصاصی، عوامل اختصاصی تر جرایم و خشی کردن آن ها مورد توجه قرار می گیرد.

۲-۱-۲- پیشگیری انفعالی (منفصل): و پیشگیری فعال که نخستین آورده اجلاس های

اینترپل در مورد پیشگیری است، از اواسط سال های ۶۰ میلادی، در جرم شناسی پیشگیرنده، از نوع «هشدار پلیسی»، به استقبال پدیده ای که باید مانع وقوع آن باشد نمی روند، بلکه به طور انفعالی منتظر تأثیر این اقدام ها باقی می مانند؛ حال آنکه در پیشگیری فعال، پلیس برای اجتناب از وقوع جرم عمل می کند و مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را که در معرض جرم یا انحراف در زمان یا مکان خاصی قرار دارند، به عهده می گیرد. مشارکت جامعه مدنی و مثلاً شوراهای شهر و شهرداری یا اقدام مستقل هریک از آن ها در این خصوص نقش عمده ای ایفا می کنند.^۱

۳-۱-۲- پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث: که با الهام از مدل معمولی در پزشکی ایجاد و از

هم تفکیک شده است. پیشگیری اولیه شامل اقدام هایی می شود که متمایل به تغییر اوضاع و اموال و شرایط جرم زای محیط فیزیکی و اجتماعی است.^۲ تمام جمعیت را در بر می گیرد، به وضعیت خاص گروه های در معرض خطر توجه ندارد و قبل از بروز مشکل یا اختلال وارد میدان می شود. بنابراین، هدف پیشگیری اولیه، جلوگیری از بروز اختلال یا ایجاد موانعی در راه گسترش

۱- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۳۳.

آن است.^۱ در این روش تأکید بیشتر بر ممانعت از وقوع عمل مجرمانه است تا تأثیرگذاری بر خود مجرم. از طرف دیگر این نوع پیشگیری برای گروهایی توصیه می شود که شخصیت آن ها هنوز شکل نگرفته، می توان با برنامه ریزی و آموزش آن ها را از ورود به مسیرهای مجرمانه بازداشت. پیشگیری ثانویه شامل اقدام های پیشگیرنده ای می شد که در مورد یک گروه خاص در معرض خطر است که احتمال بروز ارتکاب جرم در آن ها بسیار زیاد است. اگر اقدام بازدارنده ای نسبت به آن ها صورت نگیرد مرتکب جرم خواهند شد. به عبارت دیگر، این پیشگیری مداخلات زلفیه زودرس را در بر می گیرد و هدفش جلوگیری از وخیم شدن یک اختلال در حال گسترش است. بنابراین، جمعیت هدف در این نوع پیشگیری بسیار محدودتر از پیشگیری اولیه است. برای مثال تدارک برنامه های پیش دبستانی که برای کودکان غیرحرفه ای را می توان نمونه ای از این پیشگیری دانست.^۲ در این نوع پیشگیری تلاش بر وضعیت هایی متمرکز است که قبلاً پدید آمده و موجب قرارگرفتن افراد و گروه ها در آستانه ارتکاب جرم شده است.^۳ پیشگیری ثالث شامل اقداماتی است که بعد از بروز مشکل، برای جلوگیری از تشدید یا عود بیماری و کمک به بیماری یا کمک به بیماران درمان شده و بازپروری آن ها برای از سر گیری یک زندگی مستقل، انجام می شوند و فقط جمعیتی را هدف قرار می دهد که مشکلات در آن ها بروز کرده اند.

این نوع پیشگیری در واقع از تکرار جرم از طریق اعمال اقدام های فردی و سازگاری مجدد بزهکار جلوگیری می کند. کمک ها و مساعدت های انجمن حمایت از زندانیان، اشخاص و

۱- پریخ دادستان، روانشناسی جنایی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۸۶.

۲- قدرت الله خسروشاهی، پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی، نشریه علوم انسانی، پژوهش های مدیریت راهبردی، بصیرت، شماره ۳۱-۳۰، ص ۵۹.

۳- همان.

۴- پریخ دادستان، همان، ص ۲۸۶.

شکل های علاقه مند در موفقیت سیاست اصلاحی- بازپروری بزهکاران در کنترل تکرار جرم تأثیر عهده دارد.

طبقه بندی نوین پیشگیری از بزهکاری که امروزه در متون جرم شناسی به کار برده می شود تا اندازه ای نوآوری و تا اندازه ای تلفیق از اشکال متداول پیشگیری است.^۱

۲-۲- پیشگیری های جدید:

در این زمینه جرم شناسی امروزه، پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی را مطرح نموده است.

اگر جرم اتفاق بیفتد و بعد برای پیشگیری از آن مجازات اجرا شود این دیگر پیشگیری قبل از وقوع نیست بلکه پیش از تکرار جرم است.

تاریخ نشان می دهد که بشر از گذشته دور دمامد در فکر مقابله با جرایم و انحرافات بود. و در این زمینه دستاوردهایی نیز داشته است و به تناسب افزایش جرم و جنایت به اتخاذ انواع تدابیر پیشگیرانه، هرچند از نوع کیفری، روی آورده است. بشر پس از گذر از دوران های مختلف از نظر حقوق و قضایی و تجربه آزمودن مکاتب مختلف جزایی، امروزه بیشتر به فکر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه (اجتماعی و وضعی) است.^۲

به طور کلی «پیشگیری» به عنوان یکی از سیاست ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل اجتماعی محسوب می شود. این سیاست به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع جرم، انحراف و کژروی معطوف می باشند و از این جهت یک واکنشی است که

۱- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ص ۲۴.

۲- همان، ص ۱.

در برابر انواع مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که کنشی است، قرار می گیرد و از آن کارآمدتر و مؤثرتر و از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به صرفه تر است.

- **پیشگیری وضعی:** یکی از شیوه های پیشگیری از بزهکاری است که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان درصدد است از ارتکاب جرم توسط افراد جلوگیری کند. کلارک در مقدمه کتاب خود تحت عنوان پیشگیری وضعی از بزهکاری: مطالعات موارد موفق که در سال ۱۹۹۲ منتشر گردیده بیان می دارد:

« نظریه پیشگیری وضعی به یک روش خاص اشاره دارد که هدف آن متعال کردن جامعه و نهادهای آن نیست بلکه به طور ساده بر کاهش دادن فرهنگ موقعیت های ارتکاب جرم تکیه دارد.»
در تعریف دیگری آمده است:

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) درصدد آن است از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه زدایی از آن وضعیت پیش جنایی، آمار جرائم را مهار کند.^۱

بنابراین، پیشگیری وضعی، بیشتر با حمایت از آماج های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیگیری از بزه دیده گی افراد یا آماج ما در برابر بزه کاران است. بدون تردید یکی از عوامل مؤثر بر وقوع جرم، مناسب بودن شرایط مادی وقوع جرم است و برهم زدن این شرایط و تبدیل کردن آن ها به شرایط خطر برای مجرمین بالقوه می تواند تا حدود زیادی از وقوع جرم جلوگیری کند. البته این دیدگاه و عدلی که بر اساس آن برای پیشگیری از جرم پیشنهاد شده است مورد انتقاد برخی جرم شناسان قرار گرفته است؛ زیرا به اعتقاد این گروه از جرم شناسان شرایط فیزیکی مناسب برای ارتکاب جرم صرفاً یک عامل فرعی است و تأثیرگذاری بر این عامل

۱- همان، ص ۳.

۲- محمود میرخلیلی، پیشگیری وضعی، صص ۳۶-۳۵.

نمی تواند مانع تأثیر عوامل اصلی بزهکاری شود و به همین دلیل از بین بردن و یا کاهش

فرصت های جرم را صرفاً موجب جاب به جایی می شود و نه کاهش آن.

۱-۲-۲- پیشگیری اجتماعی پیشگیری اجتماعی به تغییر شرایط جرم زایی اجتماعی و

اصلاح نگرش ها و انگیزه های مجرمین تأکید می کند. و اقدامات خود را بر توسعه ی طرح هایی مانند کلپ نوجوانان و پروژهای مبتنی بر فعالیت متمرکز می نماید تا مجرمین بالقوه یا بالفعل را از ارتکاب جریام منصرف کند.

هدف استراتژی های پیشگیری اجتماعی یا تقویت نهادهای اجتماعی مؤسسات جامعه پذیر کننده به منظور تأثیرگذاری بر گروه هایی است که بیشتر در معرض ارتکاب جرم هستند.

۲-۲-۲- ارزیابی مدل های پیشگیری: رویکرد پیشگیرانه به فرایند مبارزه با جرم اگرچه

رویکردی ارزشمند و مفید بوده و تأثیر آن در کاهش آمار جرم و بزهکاری را نمی توان انکار کرد، اما در عین حال رویکردی مادی و معطوف به شرایط فیزیکی ارتکاب جرم و حداکثر، بهبود شرایط زندگی و منصرف نمودن انگیزه های مجرمانه به سمت فعالیت های غیر مجرمانه، می باشد. آنچه در این رویکرد کمتر مورد توجه واقع شده است و هیچ کدام از مدل های پیشگیری به طور جدی به آن نپرداخته اند، ایجاد تحول اخلاقی در انسان و تعالی بخشیدن به بینش ها و گرایش های او است. این امر مهم و تأثیرگذار در اصلاح ساختار شخصیت انسان نه تنها به طوری جدی، به عنوان یک مدل پیشگیری مطرح نشده است، بلکه به نظر می رسد نظریه های موجود در جرم شناسی پیشگیرانه به دو دلیل از پرداختن جدی به آن ناتوان است. اول این که ایجاد تحول اخلاقی و بهبود بخشیدن شخصیت انسان ها به منظور سازگاری هرچه بیشتر با هنجارهای اجتماعی و

۱- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۵۸.

۲- همان.

اجتناب از بزهکاری، مستلزم باورداشتن ارزش‌هایی ثابت و فراگیر و پذیرفتن یک شیوه‌ی رفتاری خاص به عنوان الگو و نمونه که همه‌ی افراد جامعه باید خود را با آن هماهنگ کنند، می‌باشد در حالی که به نظر می‌رسد جوامع غربی روز به روز از چنین همبستگی اجتماعی و فرهنگی فاصله می‌گیرند و به سمت از هم گیسختگی فرهنگی پیش می‌روند. به اعتقاد آقای رموند گسن جرم شناس معروف فرانسوی:

« با چنین وضع اجتماعی - اخلاقی فروپاشیده، اندیشه‌ی باز اجتماعی کردن مجرم و پیشگیری بزهکاری برای بسیاری از مردم چه معنا و مفهومی ممکن است در بر داشته باشد؟ باز اجتماعی کردن به چه؟ و پیشگیری از چه چیز؟ بدین ترتیب قانون جزا و ممنوعیت‌هایی که این قانون در متن خود پیش‌بینی کرده نه فقط برای بسیاری از جوانان، بلکه حتی برای بسیاری از بزرگسالان به کهکشان دوردست می‌ماند که توجه را به خود جلب نمی‌کند. در عوض توجه آنان یکسره به مرام‌های اجتماعی - اخلاقی بسیار متفاوت و بحث‌انگیز معطوف شده است در این وضع، عدم کارایی تدابیر کنترل اجتماعی و نیز از هم پاشیدگی نظام‌های سیاست‌جنایی که توفیق واقعی در امر مهار واقعیتهایی که بسیار متنوع و متضاد است، نداشته‌اند، تعجب‌آور نیست.»

۳-۲-۲- پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی: اسلام که انسان را موجودی برتر و

دارای قوا و استعدادهای فوق‌العاده در مسیر رشد و تعالی می‌داند، ضمن توجه به اهمیت و ضرورت پیشگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی و عملی انسان این امر را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده و آموزه‌های متعدد و متنوعی را به این امر اختصاص داده است که توجه و به کارگیری آن‌ها نه فقط موجب پیشگیری از وقوع جرم و انصراف درونی از فعالیت‌های مجرمانه می‌گردد، بلکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان رانیز تضمین و او را به هدف‌الایی که برای آن آفریده شده است نزدیک می‌کند. از میان آموزه‌های دینی که به این مسئله پرداخته است آموزه‌های قرآنی به لحاظ تأثیرگذاری و تنوع و گستردگی از برجستگی خاصی برخوردار است که

اقتضا می کند به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرند، به ویژه که تاکنون بحث و بررسی خاصی در مورد آن ها صورت نگرفته است. این بررسی نشان خواهد داد که اصیل ترین متن دینی مملو از آموزه هایی است که مستقیم یا غیرمستقیم به پیشگیری از جرم و انحراف های اخلاقی و رفتاری مربوط می شود به گونه ای که آموزه های کیفری در مقایسه با این آموزه ها حجم بسیار کوچکی را به خود اختصاص می دهد و یک رویکرد فرعی به فرایند مبارزه با جرم محسوب می شود. گفتنی است که در این جستار کوتاه نمی توان تمامی آموزه های پیشگیرانه قرآنی را مورد بررسی قرار داد و تنها به دسته بندی این آموزه ها و ارائه نمونه هایی از هر یک اکتفا خواهد شد. آموزه های پیشگیرانه در قرآن را می توان به سه گروه طبقه بندی کرد: الف) اعتقادات پیشگیرانه ب) اخلاقیات پیشگیرانه و ج) احکام پیشگیرانه.

۱-۳-۲-۲-۱ اعتقادات پیشگیرانه: آموزه هایی است که با معتقد نمودن انسان به مبدأ و معاد

و تبیین فلسفه حیات، او را در صراط مستقیم کمال قرار می دهد و از هر گونه انحراف از مسیر اصلی زندگی حفظ می کند. این آموزه ها با معنا بخشیدن به زندگی انسان او را از احساس بی هویتی و پوچی در زندگی که می تواند منشأ گسستگی از ارزش های انسانی باشد دور می کند و با امید بخشیدن به انسان او را در برابر ناملایمات زندگی مقاوم و استوار می نماید.

عمیق ترین پیشگیری، باور داشتن آموزه هایی است که انسان را از لغزش و انحراف باز بدارد و همواره او را در مسیر تعالی و رشد نگهدارد. بدیهی است هرچه این باورها در عمق وجود انسان رسوخ کرده باشد، تأثیر آن ها بر رفتار انسان بیشتر خواهد بود. اعتقاد به این آموزه ها نه تنها مانع از ارتکاب جرم به مفهوم حقوقی آن است، بلکه انسان را از گرایش به هر نوع رفتاری

که بر خلاف شأن و منزلت انسانی او است و یا رفتاری که لغو و بیهوده می باشد حفظ می کند.

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا»^۱ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»^۲ «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳ علاوه بر این باور داشتن این آموزه ها انسان را در میدان تلاش و مسابقه به سوی نیکی ها و انجام اعمال و رفتار پسندیده وارد می کند. «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»^۴ «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۵ «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ»^۶ و به مرحله ای از رشد و تعالی معنوی می رساند که هرگز میل و اراده ی به سوی باطل و فساد در او پدید نمی آید. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^۷ «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۸ این اعتقادات خود به چند دسته تقسیم می شوند و به مهم ترین آن ها که بیشترین تدبیر را در پیشگیری از جرم دارند اشاره می شویم:

۱-۱-۲-۳-۲-۲-۲ اعتقاد به خداوند و الوهیت او: اعتقاد به خداوند به عنوان خالق و مالک

جهان هستی به عنوان زیربنای تمامی اعتقادات دینی نقش اساسی در نظام اعتقادی اسلام دارد به گونه ای که انکار خداوند موجب از بین رفتن هرگونه اعتقادی دینی می شود. انسان به عنوان بخشی از جهان هستی آفریده خداوند و مسئول و متعهد در برابر او است. مهم ترین مسئولیت و تعهد انسان در برابر خداوند اطاعت و بندگی است که فلسفه ی آفرینش انسان و رمز سعادت او

۱- سوره توبه (۹)، آیه ۳۱.

۲- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۳.

۳- سوره آل عمران (۳)، آیه ۵۱.

۴- سوره یس (۳۶)، آیه ۶۰.

۵- سوره فرقان (۲۵)، آیه ۴۳.

۶- سوره قصص (۲۸)، آیه ۵۰.

۷- سوره مؤمنون (۲۳)، آیات ۱-۳.

۸- سوره فرقان (۲۵)، آیه ۷۲.

است.^۱ توحید در اطاعت و بندگی انسان را از بندگی غیر او آزاد می کند و اساسی ترین عامل انحراف از صراحت مستقیم را که بیعت از شیطان و هوای نفس می باشد از بین می برد «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^۲ «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»^۳

۲-۱-۲-۳-۲-۲-۲ اعتقاد به علم و آگاهی خداوند: یکی از مهم ترین اعتقادات بازدارنده ،

اعتقاد به علم خداوند نسبت به همه ی موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار او است. از دیدگاه قرآن تمام موجودات در محضر خداوند هستند «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۴ «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا»^۵ و هیچ چیزی از آن ها بر خداوند پوشیده و پنهان نیست. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»^۶ انسان نیز به عنوان بخشی از عالم هستی تحت احاطه ی علمی خداوند قرار دارد و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری او، بلکه افکار و اندیشه ها و خطورات قلبی و آنچه را با خود حدیث نفس می کند، برای خداوند معلوم و مشهود است. «يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ»^۷ «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ»^۸ «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ»^۹ «... وَنَعْلَمُ مَا تُوسِسُ بِهِ نَفْسُهُ»^{۱۰} «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»^{۱۱}

۱- سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۱۴.

۲- سوره مؤمنون(۲۳)، آیه ۶۱.

۳- سوره قصص(۲۸)، آیه ۸۳.

۴- سوره فصلت(۴۱)، آیه ۵۳.

۵- سوره نساء(۴)، آیه ۳۳.

۶- سوره آل عمران(۳)، آیه ۵.

۷- سوره انعام(۶)، آیه ۳.

۸- سوره نحل(۱۶)، آیه ۱۹.

۹- سوره نور(۲۴)، آیه ۲۹.

۱۰- سوره ق(۵۰)، آیه ۱۶.

۱۱- سوره غافر(۴۰)، آیه ۱۹.

رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ»^۱ از طرف دیگر عمل ناپسند و تخلف از اصول انسانی و اسلامی نه تنها موجب تضعیف اعتقادات صحیح انسان می شود «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُوا السُّوءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»^۲، بلکه سرانجام غیرقابل تحملی را نیز برای انسان رقم می زند و او را از رسیدن به سعادت باز می دارد. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ»^۳ «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ»^۴ «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَا»^۵ ارتکاب این اعمال رفته رفته هویت انسان را به گونه ای تغییر می دهد که نه تنها از انجام این گونه اعمال احساس ناراحتی نمی کند، بلکه رفتار خود را صحیح و پسندیده می داند و به انجام آن ها مغرور و مسرور می شود.

۴-۱-۳-۲- اعتقاد به معاد و تحقق عدالت و قسط کامل: یکی از مؤثرترین اعتقادات

پیش گیرانه، اعتقاد به تجدید حیات انسان پس از مرگ و بارگشت به سوی خداوند و رسیدن به نتیجه اعمال و رفتاری است که در حیات مادی از انسان سر زده است. از دیدگاه قرآن تحقق این وعده الهی تخلف ناپذیر است «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»^۶ و دلایل زیادی نیز بر آن اقامه شده که در محل خود بیان شد. معاد از دیدگاه قرآن تجلی گاه عدل و قسط خداوند در هنگام رسیدن انسان به اعمال نیک و بد خویش است. مجرمینی که بدون توبه و اصلاح نفس خویش در پیشگاه عدل الهی حاضر شوند، سرافکنده و حقیر خواهند

۱- سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۴.

۲- سوره روم (۳۰)، آیه ۱۰.

۳- سوره انعام (۶)، آیه ۱۲۰.

۴- سوره انعام (۶)، آیه ۱۲۴.

۵- سوره طه (۲۰)، آیه ۷۴.

۶- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۶۵.

۷- سوره حج (۲۲)، آیه ۷.

بود و با عذاب شدید و تحمل ناپذیر الهی مواجه خواهند شد. «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ»^۱ «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۲، به گونه ای که حاضر می شوند برای نجات خویش فرزندان و برادران و دوستان و خویشاوندان و حتی همه ی انسان های روی زمین را فدیہ دهند تا از عذاب رهایی یابند «يُبَصِّرُونَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ وَصَاحِبَتَهُ وَأَخِيهِ وَقَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ»^۳ در حالی که هرگز چنین نخواهد شد و اگر کسی که ظلم به دیگران نموده است مالک همه ی آنچه روی زمین است باشد، آن را به عنوان فدیہ در برابر عذاب الهی از او نپذیرند. «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۴ رسیدگی به حساب مجرمین آن چنان دقیق خواهند بود که وقتی پرونده ی آنان در محکمه ی عدل الهی باز می شود به شدت هراسناک و با تعجب سؤال می کنند این چه کتابی است که هر عمل کوچک و بزرگی را ثبت و شمارش کرده است و تمام اعمال و رفتار خود را عیناً حاضر می بینند و مشاهده می کنند. «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^۵، و از مشاهده ی اعمال و رفتار بد و ناشایست خود آن چنان ناراحت می شوند که آرزو می کنند ای کاش بین آن ها و اعمالشان فاصله ی بسیار زیادی می بود. «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا»^۶

۱- سوره انعام(۶)، آیه ۱۲۴.

۲- سوره سجده(۳۲)، آیه ۱۲.

۳- سوره معارج(۷۰)، آیات ۱۱-۱۴.

۴- سوره یونس(۱۰)، آیه ۵۴.

۵- سوره کهف(۱۸)، آیه ۴۹.

۶- سوره آل عمران(۳)، آیه ۳۰.

آموزه های قرآنی در این زمینه بسیار زیاد است و در اینجا فقط به عنوان نمونه به بعضی از آن ها اشاره شد. بدون تردید اعتقاد راسخ به این آموزه ها بزرگ ترین مصونیت را در برابر هر گونه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران برای انسان ایجاد می کند. منافعی که انسان از راه تجاوز به حقوق دیگران می تواند تحصیل کند نسبت به سختی و شدت عذابی که در برابر آن مهیا شده است آن چنان حقیر و ناچیز است که هیچ انسان عاقل و دوراندیشی حاضر به چنین معامله ی زیان باری نخواهد شد؛ به خصوص با توجه به این امر که این منافع، زودگذر و زوال پذیرند و حداکثر تا پایان عمر انسان با وی همراهند، اما مجازات ناشی از مجازاتی همیشگی است و هیچ گریزی از آن وجود ندارد. بدیهی است راه توبه و بازگشت که خود نوعی اصلاح درونی است همواره به روی مجرمین و ستم گران باز است و آنان می توانند از این راه استفاده کنند که هم موجب جبران گذشته و هم تأمین آینده می شود و بهترین و مطمئن ترین شیوه برای پیشگیری از تکرار جرم و بازگشت به تبه کاری است^۱.

۲-۲-۳-۲- اخلاقیات پیشگیرانه : که بیشترین حجم آموزه های پیشگیرانه را به

خوداختصاص می دهد، آموزه هایی است که انسان را به داشتن فضائل و مکارم اخلاقی دعوت می کند و ارتباط او را با دیگران به گونه ای تنظیم می کند که نه تنها به خود اجازه نمی دهد به حقوق آنان تجاوز نماید، بلکه خود را ملتزم به نصیحت و خیرخواهی و ایثار و گذشت نسبت به آن ها می داند.

جرم و بزهکاری محصول زندگی جمعی و روابط متقابل انسان ها با یکدیگر است. در این تعامل اجتماعی مهم ترین عامل تأثیرگذار بر این روابط خصوصیات و ویژگی های اخلاقی است

۱- قدرت الله خسروشاهی، همان، صص ۶۶-۶۵.

که افراد جامعه از آن برخوردارند و در رفتار خود بروز می دهند. بدیهی است هرچه این ویژگی ها انسانی تر و متعالی تر باشند روابط اجتماعی نیز لطیف تر و دقیقتر خواهد بود و بر عکس چنانچه این ویژگی ها غیرانسانی و برخاسته از روحیه خودخواهی و منفعت طلبی و بی توجهی به حقوق و مصالح دیگران باشد، روابط افراد با یکدیگر تنش زا و جرم خیز خواهد بود. این واقعیت عینی و قابل مشاهده موجب می شود که آموزه های اخلاقی دارای آثار بازدارنده و پیشگیرانه تلقی شوند، اما توجه به این مسئله لازم است که تأکید دین بر آموزه های اخلاقی صرفاً برای رسیدن به این آثار نیست و دین آموزه های اخلاقی را ابزاری برای رسیدن به این هدف نمی داند بلکه تأکید دین بر آموزه های اخلاقی به دلیل اهمیت و نقش اساسی آن ها در تعالی روحی و معنوی انسان و تحقق بخشیدن به فلسفه ی وجودی او است. در این قسمت نیز به بعضی از آموزه های اخلاقی که می تواند در پیشگیری از وقوع جرایم و انحرافات نقش داشته باشد اشاره شود.^۱

۱-۲-۳-۲- توصیه و تشویق به رعایت تقوا:

تقوا و رعایت حدود الهی به عنوان مهم ترین ارزش اخلاقی که انسان را به انجام وظایف خود و دوری از جرایم و انحرافات، ملزم می نماید مورد تأکید و توصیه مکرر قرآن قرار گرفته است به گونه ای که هیچ ارزش اخلاقی دیگری به اندازه ی تقوا مورد سفارش و دستور خداوند قرار نگرفته است^۲، و هیچ گروهی مانند متقین مورد ستایش واقع نشده اند^۳ «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۴ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۵ «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۶ «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ»^۷

۱- همان، صص ۶۷-۶۶.

۲- حدود ۱۰۰ آیه در قرآن کریم دستور به رعایت تقوا داده است.

۳- سوره اعراف (۷)، آیه ۱۲۸.

۴- سوره توبه (۹)، آیه ۷.

۵- سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۴.

۶- سوره نحل (۱۶)، آیه ۳۱.

«وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»^۱ «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ»^۲ «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ»^۳. این ویژگی

مهم اخلاقی که ثمره ی ایمان و اعتقاد انسان به خداوند و بازگشت به سوی او می باشد، به عنوان تنها راه سعادت و رستگاری انسان «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا»^۴ تأثیر شگرفی در تمامی رفتارها و تعاملات انسان با دیگران خواهد داشت به گونه ای که انسان با تقوا قبل از انجام هر عملی آن را مورد ارزیابی قرار می دهد و تنها در صورتی که آن را مطابق با معیارهای الهی و انسانی بداند، اقدام می کند و در غیر این صورت هرگز مرتکب آن نخواهد شد، علاوه بر این برخورداری از این ویژگی اخلاقی انسان را نسبت به اعمال و رفتار دیگران نیز حساس و مسئول قرار می دهد به گونه ای که سعی می کند دیگران را نیز به انجام رفتارهای پسندیده سفارش و از انجام کارهای ناپسندیده بدارد.

۲-۲-۳-۲-۲- توصیه به عفو و گذشت: بسیاری از جرایم مسبوق به یک تحریک از

طرف منجی علیه می باشد به گونه ای که جرم شناسان شاخه ی جدیدی از علم برای جرم شناسی ایجاد کرده اند که به نقش منجی علیه در وقوع جرم می پردازد و به عنوان بزه دیده شناسی (victimology) از آن یاد می کنند. البته این نقش بسیار گسترده است و ابعاد مختلف آن قابل بررسی می باشد، اما از یک بُعد می توان به تأثیر اعمال و رفتار نامناسب و غیرمنطقی یک انسان در تحریک دیگری به ارتکاب جرم اشاره کرد. یکی از ارزش های اخلاقی که می تواند این عامل جرم زا را خنثی کند و حتی تأثیر سازنده بر طرف مقابل نیز داشته باشد، عفو و گذشت و پاسخ دادن بدی با نیکی و رفتار پسندیده است.

از دیدگاه قرآن اگرچه مقابله ی به مثل در برابر رفتار ظالمانه ی دیگران به عنوان یک حق

۱- سوره زخرف (۴۳)، آیه ۳۵.

۲- سوره جاثیه (۴۵)، آیه ۱۹.

۳- سوره قمر (۵۴)، آیه ۵۴.

۴- سوره نبأ (۷۸)، آیه ۳۱.

پذیرفته شده است. «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ وَجِزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»^۱ عفو و گذشت و بردباری در برابر ظلم دیگران نیز به عنوان یک ویژگی اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است. «وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»^۲ «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳ «وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۴ «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۵ برخورداری از این ویژگی موجب می شود که انسان خشم و غضب ناشی از رفتار دیگران را که می تواند منشأ عکس العمل های شدید بشود، کنترل نماید و به وجود آمدن تنش و درگیری در روابط خود با دیگران جلوگیری کند. مرحله ی بالاتر در مواجهه با رفتار تنش زای دیگران ایت است که انسان در مقابل این رفتار، رفتاری پسندیده از خود نشان دهد و با این عکس العمل طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و او را نیز متحول کند. اَویدگاه قرآن این ویژگی اخلاقی موجب می شود که عداوت و دشمنی که ریشه ی بسیاری از جرایم است به دوستی و محبت تبدیل شود و روابط افراد با یکدیگر روابطی دوستانه و محبتآمیز گردد. «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ»^۶ «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۷

۳-۲-۲-۲-۲- توصیه به انفاق، احسان و ایثار: بدون تردید منشأ بخشی از جرایم و انحرافات اخلاقی و اجتماعی، محرومیت های اقتصادی و مادی است. به دلایل متعددی همواره طبقات و گروه هایی در جامعه وجود دارند که از تأمین حداقل نیازهای مادی خود ناتوانند و از

۱- سوره شوری (۴۲)، آیات ۴۰-۳۹.

۲- سوره شوری (۴۲)، آیه ۳۷.

۳- سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۴.

۴- سوره تغابن (۶۴)، آیه ۱۴.

۵- سوره نور (۲۴)، آیه ۲۲.

۶- سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۹۶.

۷- سوره فصلت (۴۱)، آیه ۳۴.

غیراخلاقی، گناه و معصیت دانسته است و از آن نهی نموده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...»^۱ «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأْنَفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ»^۲ از دیدگاه جرم شناختی نیز سوءظن به دیگران و افراط در این امر می تواند موجب پدیدآمدن بیماری توهم نسبت به آنان و در نتیجه دشمن دانستن آنان و حتی تلاش برای از بیان بردن دشمنان فرضی بشود که خود یک عامل جرم زا است. البته آموزه های اخلاقی پیشگیرانه ی دیگری نیز در قرآن وجود دارد که در این مختصر از پرداختن به آن ها خودداری می شود.

۳-۲-۲-۳ احکام و مقررات پیشگیرانه قوانین و مقررات و دستوراتی است که التزام به

آن ها فرد و جامعه را در حالت اعتدال قرار می دهد و از به وجود آمدن بحران ها و وضعیت های جرم زا جلوگیری می کند. این احکام ضمن فراهم نمودن امکان برخورداری از مواهب طبیعی و تأمین کلیه ی نیازهای مشروع بشری و تنظیم روابط رسمی انسان ها با یکدیگر بر اساس حق و عدل، آنان را از ورود به حریم لغزش ها و انحرافات رفتاری حفظ می کند. در صورتی که پیشگیری کیفری نیز نوعی پیشگیری تلقی شود، آموزه ها و احکام کیفری قرآنی را نیز میتوان بخشی از احکام پیشگیرانه دانست که از دیدگاه جرم شناختی، پیشگیری ثالث و یا پیشگیری از تکرار جرم محسوب می شود.

بخش دیگری از آموزه های پیشگیرانه قرآن، احکام الزامی (اوامر و نواهی) مربوط به مسائل فردی و اجتماعی است. این احکام که به صورت واجبات و محرمات رعایت آن ها ضروری است و عدم رعایت آن ها علاوه بر عقوبت اخروی، مجازات دنیوی را نیز به دنبال خواهد داشت

۱- سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۲.

۲- سوره نور (۲۴)، آیه ۱۲.

می توانند نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم و انحراف ایفا نمایند. این احکام به حوزه های مختلفی مربوط می شوند که به عنوان نمونه به برخی از آن ها اشاره می شود.

۱-۳-۲-۲-۲- وجوب نماز یا ذکر مستمر: یکی از احکام الزامی و بسیار مهم قرآنی که

می تواند نقش مؤثری در بازداشتن انسان از هرگونه انحراف و کجروی داشته باشد، وجوب به پاداش نماز است. نماز به عنوان فریضه ای که بعد از ایمان مطرح گردیده است. «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^۱ «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ»^۲ پیوسته انسان را به یاد خداوند و بازگشت به سوی او متذکر می شود. «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۳ این تذکر دائمی و مستمر که در هر شبانه روز پنج نوبت در زمان های مشخصی تکرار می شد چنانچه با رعایت کلیه شرایط مادی و معنوی^۴ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^۵ «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۶ انجام شود نه تنها انسان را از انحرافات اخلاقی^۷ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»^۸ و رفتاری^۹ «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^{۱۰} حفظ می کند بلکه می تواند انسان را به بالاترین درجه کمال انسانی برساند و معراج او باشد. با توجه به این نقش سازنده و تأثیرگذار، قرآن نسبت به بی توجهی به نماز هشدار داده است. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۱۱}

۱- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۶۹.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۳.

۳- سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۱.

۴- سوره طه (۲۰)، آیه ۱۴.

۵- سوره معارج (۷۰)، آیه ۳۴.

۶- سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۲.

۷- سوره نساء (۴)، آیه ۴۳.

۸- سوره معارج (۷۰)، آیه ۱۹-۲۳.

۹- سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵.

۲-۳-۲-۲-۲- وجوب روزه یا مجاهده ی با نفس: یکی دیگر از احکام عبادی پیشگیرانه،

روزه داری است. این عبادت نیز مانند نماز در راستای استکمال نفس انسان تشریح شده است و ماهیت آن به گونه ای است که انسان را بر خویشتن مسلط می سازد و توانایی مقاومت در برابر خواسته های نامشروع را به او می دهد. از آن جا که یکی از مهم ترین عوامل ارتکاب جرم و گرایش به انحراف از دیدگاه اسلام هوای نفس و خواسته های انسانی است، روزه داری که سرچشمه ی تمرین و پشت پازدن به این خواسته ها است، امکان کنترل درونی آن ها را فراهم می کند و یک مانع قوی در برابر آن ها ایجاد می کند. این عبادت گرچه ممنوعیت از امور خاصی را در ساعات معین بر انسان الزام می کند، اما از آنجا که رعایت همین ممنوعیت ها موجب تقویت اراده انسان و سلطه ی بر خود می شود، انسان را در برابر هر خواسته ی نامشروع و اراده ی مجرمانه مقاوم و استوار می نماید. از دیدگاه قرآن روزه داری موجب رسیدن به ارزش متعالی تقوا و پرهیزکاری است «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱ که خود مهم ترین ویژگی اخلاقی بازدارنده و پیشگیرانه است.^۲

۲-۳-۳-۳-۳- وجوب امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی: در مطالعات جرم

شناسی این نکته به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که محیط اجتماعی، همانند محیط کشت برای میکروب ها، می تواند محل رشد و پرورش مجرمان باشد. کسانی که استعداد های لازم را در به فعلیت رساندن اندیشه های شرورانه خویش استفاده کنند و به افکار خود جامه عمل بپوشانند. پیامد چنین روندی، جز افزایش بزه کاری و شمار مجرمان و منحرفان و حاکمیت و سلطه آن ها بر جامعه نیست.^۳

۱- سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۱۴.

۲- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۷۱.

۳- جواد صالحی و الهام صادقی راد، آموزه های اسلام دریچه ای به سوی پیشگیری از جرم، نشریه فرهنگ و هنر، مهندسی فرهنگی، بهمن و اسفند ۹۰، شماره ۶۲-۶۱، ص ۱۸.

یکی از احکام اجتماعی الزام آور که می تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرم، کنترل و نظارت اجتماعی داشته باشد امر به معروف و نهی از منکر است. از دیدگاه قرآن در یک جامعه ی اسلامی انسان ها نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و موظف به نظارت، نصیحت و خیرخواهی نسبت به یکدیگر می باشند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ این فریضه که در قرآن مقدم بر نماز «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲ و مقتضای ایمان به خداوند و روز قیامت دانسته شده است «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^۳، ضمانت اجرای عمومی برای تحقق همه ی ارزش های متعالی و محو همه ی اشکال انحراف و کجروی است. بدیهی است که کارآمد شدن این مکانیزم بازدارنده و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از آن منوط به تحقق شرایط اجرای این فریضه است.

مکانیزم بازدارندگی در امر به معروف و تلاش برای تحقق ارزش های متعالی در جامعه، به صورت بهبود بخشیدن به شرایط و اوضاع و احوال فکری و فرهنگی و رفتاری است که می تواند بسیاری از زمینه های بزهکاری و کجروی را از بین می برد. اما مکانیزم بازدارندگی در نهی از منکر و جلوگیری از وقوع پدیده های ناپسند در جامعه علاوه بر اینکه به صورت نهی از استمرار و ادامه ی رفتارهای ناپسند و در نتیجه ممانعت از تکرار این رفتارها در جامعه تحقق پیدا می کند، می تواند در قالب نهی نمودن از اموری که زمینه و مقدمه ی جرم و کجروی است نیز اعمال شود چه اینکه مسلماً وجوب نهی از منکر به وجوب نهی از مقدمات در زمینه های آن نیز سرایت پیدا می کند، به این ترتیب انجام صحیح این فریضه الهی که تکلیفی بر دوش کلیه افراد جامعه است

۱- سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۳.

۲- سوره توبه (۹)، آیه ۷۱.

۳- همان.

می تواند به مراتب بیش از نظارت و کنترل رسمی که توسط نیروهای دولتی اعمال می شود، انحراف و بزهکاری را کنترل نماید و فضای جامعه را سالم و سازنده نگهدارد.

۴-۳-۲-۲-۱ احکام اجرایی (قضایی) اسلام در این قسمت به تعدادی از مجازتهایی

که در قرآن کریم آمده اشاره می شود چرا که این مجازات ها خود می توانند نقش بازدارندگی از گناه و فساد و جرم را داشته باشند بخصوص زمانی که از زبان قرآن مطرح شده باشند به صورت گذرا به تعداد از آن ها اشاره می شو «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ.....»^۲ «باید شما مؤمنان هریک از زنان و مردان زناکار را به صدتازیانه مجازات و تنبیه کنید.»

شاهد مثال در این آیه تازیانه زدن بر بدن شخص زناکار است که به حکم قرآن صدتازیانه می باشد.

« وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ »^۳

«و آنان که به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آن گاه چهار شاهد بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آن ها را نپذیرید که مردمی فاسق و نادرستند.»

هرگاه «قذف» (اتهام ناموسی) با لفظ صریح انجام گیرد، به هر زبان و به هر شکل بوده باشد حد آن همان گونه که در آیه گفته شد ۸۰ تازیانه است و اگر صراحت نداشته باشد مشمول حکم «تعزیر» است.^۴

۱- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۷۱.

۲- سوره نور (۲۴)، آیه ۲.

۳- سوره نور (۲۴)، آیه ۴.

۴- احمد علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، دوره ۲۷ جلدی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش، چاپ سیزدهم، ج ۳، ص ۲۷۶.

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱

«ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید»

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» خطاب به جامعه اسلام و ارشاد به امر فطری

است بدین معنی که اجراء کیفر بر جنایتکار روح تازه ای در کالبد اجتماع می دمد، زیرا وقوع فاجعه ای که حیات انسان را سلب نماید سبب اضطراب افکار عمومی خواهد شد چون هرکس فکر می کند ممکن است او هم روزی د معرض این خطر وحشیگری قرار گیرد، و تنها اجرام حاکم قصاص است که سبب آرامش جامعه شده و کیفر قاتل را به جامعه یادآور می شود.

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲

«هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگری را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود، و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت باید به کفاره آن بنده مؤمنی را آزاد کند و خونبهای آن را به صاحبش تسلیم نماید مگر آنکه دیه را ورثه به قاتل ببخشند و اگر مقتول مؤمن از قومی باشد که با شما دشمن و محاربند، قاتل دیه ندهد، لیکن بر او است که بنده مؤمنی را آزاد کند، و اگر مقتول از قومی است که بین شما با آنها پیمان برقرار بوده پس خونبها را به صاحب خون پرداخته و بنده مؤمنی به کفاره آن آزاد کند، و اگر بنده ای نیابد بایستی دو ماه متوالی روزه

۱- سوره بقره (۲)، آیه ۱۷۹.

۲- محمد حسین حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ج ۳، دوره ۱۸ جلدی، چاپ اول، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۱.

۳- سوره نساء (۴)، آیه ۹۲.

دارد. این توبه‌ای است که از طرف خدا پذیرفته است و خدا دانا و حکیم است.»

در این آیه جریمه و کفاره قتل خطا را در سه مرحله بیان می‌کند:

صورت نخست: این که فرد بی‌گناهی که از روی اشتباه کشته شده متعلق به خانواده

مسلمانی باشد که در این صورت قاتل باید دو کار کند یکی این که برده مسلمانی را آزاد نماید و

دیگر اینکه خون بهای مقتل را به صاحبان خون بپردازد.

صورت دوم: پرداخت دیه به جمعیتی که تقویت بنیه مالی آنان خطری برای مسلمانان

محسوب شود ضرورتی ندارد، به علاوه اسلام ارتباط این افراد را با خانواده خود که همگی از

دشمنان اسلام اند بریده است و بنابراین جایی برای جبران خسارت نیست.

صورت سوم: خاندان مقتول از کفاری باشد که با مسلمانان هم پیمانند، در این صورت

برای احترام به پیمان علاوه بر آزادکردن یک برده مسلمان خون بهای او را به بازماندگان

بپردازند.^۱

« وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ

بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

الظَّالِمُونَ »^۲

« و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم

را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر زخمی را قصاص

خواهد بود. پس هر گاه کسی حق قصاص را ببخشد نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد شد، و هر

کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود. »

۱- احمد علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲- سوره مائده (۵)، آیه ۴۵.

مکتب انسان ساز اسلام که اهداف بسیار بلندی را برای انسان ترسیم نموده و برنامه ی تربیتی خاصی برای او در نظر گرفته است با توجه به خصوصیات و ویژگی ها و توانای های انسان و موانعی که بر سر راه تکامل او وجود دارد، بخشی از آموزه های خود را به پیشگیری از سقوط و انحراف و گرایش او به سمت رفتارهای غیرمعقول و غیر منطقی که بعضاً جرم نیز محسوب می شوند، اختصاص داده است. بدیهی است این آموزه ها در راستای اهداف بلند و تکاملی انسان ارائه شده اند که می توانند علاوه بر پیشگیری از سقوط انسان، او را به سمت آن اهداف متعالی حرکت دهند و او را به فلسفه ی وجودی خود نزدیک تر کنند و این یکی از مهم ترین تفاوت های آموزه های پیشگیرانه اسلام با سایر آموزه های پیشگیرانه که در مکاتب جرم شناختی ارائه شده اند می باشد. در مکاتب دیگر هدف از ارائه راه کارهای بازدارنده صرفاً جلوگیری از وقوع جرم است نه لزوماً تأثیرگذاری به مجرم، در حالی که اسلام در آموزه های خود هدف اصلی را تربیت انسان قرار داده است و پیشگیری از ارتکاب جرم نیز به عنوان یک نتیجه منطقی و قهری تحقق می یابد. البته توجه به این امر لازم است که این آموزه ها به لحاظ تئوری، آثار بازدارندگی قوی و تأثیرگذاری دارند، اما به لحاظ عملی به دلایل مختلفی ممکن است این آثار تحقق پیدا نکند که به نظر می رسد مهم ترین مانع بر سر تحقق آثار بازدارندگی این آموزه ها عدم اعتقاد راسخ به آن ها در مقام نظر و عدم پایبندی به آن ها در مقام عمل است که باید برای رفع آن کوشید.

نتیجه گیری

جرائم روز به روز در حال گسترش است و هرچه جمعیت روبه افزایش باشد مردم با امکانات کمتری روبه رو خواهند شد و فشار از هر طرف به اشخاص روی می آورد چون، فشار سختی ها و مشکلات انسان ها را کم طاقت می کند و برخی از آن ها که از اعتقادات پائین تری برخوردارند را مجبور به جرم و گناه و فساد می کند. باید علل جرم و راه های پیشگیری از آن را شناخت و در عمل پیاده کرد. قرآن کریم نیز پیش از آن که به درمان توجه داشته باشند به پیشگیری از جرم توجه داشته است و راه های زیبا و عملی برای آن ارائه داده است که اگر افراد مسئول از قبیل خانواده ها، دولت و مسئولان قضایی و افراد مربوط هر کدام وظیفه خود را به شایستگی انجام دهند جامعه ای عاری از جرم و یا با حداقل جرم به وجود خواهد آمد، که نتایج آن آسایش و آرامش برای افراد اجتماع خواهد بود تا بتواند بدون دغدغه به زندگی خود بپردازند و راه سعادت و کمال را بپیمایند تا جامعه آماده ظهور منجی، موعود و عدالت گستر جهان شود و جامعه ای عادی از هر گونه جرم و جنایت را پایه ریزی کند.

« وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ »

پیشهادات

به نظر می رسد اگر مسئولان مربوطه از جمله آموزش و پرورش روش های کاربردی قرآن در این زمینه را فراروی خانواده ها قرار دهند و خانواده ها نیز از همان ابتدای کودکی برنامه ریزی های لازم را در این زمینه انجام دهند جامعه کمتر دچار آسیب خواهد شد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قشمه ای، چاپ چهارم، قم، دانش.
- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات شاکر، ۱۳۷۰.
- * نهج الفصاحه، ترجمه ابراهیم احمدیان، چاپ اول، قم، انتشارات گلستان ادب، پاییز ۱۳۸۵.
- ۱- آمدی، عبدالواحد: غررالحکم، مترجم سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دانشگاه ج ۲، ۱۳۷۷.
- ۲- اکبری، محمود: برای ریحانه، چاپ مهر، قم، ناشر پردیسان، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۷۹.
- ۳- _____: دختران پندها و هشدارها، انتشارات گلستان ادب، چاپ نهم، چاپ بقیع قم، پاییز ۱۳۸۵.
- ۴- ایرانشاهی، حیدر: پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، تهران، چاپ اول، چاپ بهاران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۸۹.
- ۵- بابایی، احمد علی: برگزیده تفسیر نمونه، دوره ۲۷ جلدی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ج ۳، ۱۳۸۲ ش.
- ۶- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه: مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.

- ۷- جوادی آملی، عبدالله: **تفسیر تسنیم**، تحقیق ویرایش علی اسلامی، مرکز نشر اسراء، قم، نوبت چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، سال دوم نشر، ج ۹، ۱۳۷۸.
- ۸- _____: **جامعه در قرآن**، تفسیر موضوعی قرآن کریم، چاپ و نشر اسراء، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸.
- ۹- حرانی، ابو محمد حسن بن علی ابن حسین بن شعبه: **تحف العقول**، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷.
- ۱۰- حسینی همدانی، محمد حسین: **تفسیر انوار درخشان**، ج ۶، دوره ۱۸ جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۱- الحر عاملی، محمد بن الحسن: **وسائل الشیعه**، ج ۱۰، دوره ۱۰ جلدی از ابواب حد قذف، قم، ناشر ذوی القربی، چاپخانه ستاره، ۱۳۸۷.
- ۱۲- دادستان، پریخ: **روانشناسی جنایی**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۵.
- ۱۳- دستغیب، عبدالحسین: **گناهان کبیره**، ج ۱ دوره ۲۰ جلدی، چاپ دوازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر: **لغت نامه ی دهخدا**، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ج ۵، ۱۴ جلدی، بهار ۱۳۷۳.
- ۱۵- راغب اصفهانی: **مفردات الفاظ قرآن کریم**، بیروت، انتشارات ذوی القربی، چاپ کیمیا، ۱۳۸۳ ه. ش.
- ۱۶- ساریخانی، عادل: **حقوق جزای عمومی اسلام**، قم، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپخانه نگارش قم، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۳، چاپ دوم، اسفند ۱۳۸۳.

- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ: **حقوق جزای عمومی**، ج ۱ و ۲، دوره دو جلدی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- ۱۸- شبر، عبدالله: **اخلاق**، مترجم محمدرضا جباران، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ پانزدهم، پائیز ۱۳۸۹.
- ۱۹- صدر حاج سیدجواد، احد: **دائرة المعارف شیعه**، زیر نظر، بهاءالدین خرم شاهی، کامران فانی، تهران، نشر سعید محبی، چاپ دوم، ج ۶، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
- ۲۰- عبدالباقی، محمد فؤاد: **مہجم المفہرس**، چاپ اول، قم، نشر حر، ۱۳۷۸.
- ۲۱- قرائتی، محسن: **بررسی آیات و روایات در زمینه شناخت گناه**، تدوین محمدمهدی اشتهااردی، قم، ناشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ سازمان چاپ . انتشارات اوقاف، چاپ سیزدهم، تابستان ۱۳۹۱.
- ۲۲- _____: **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ تهران، دوره ۱۲ جلدی، چاپ یازدهم، ج ۲، ۱۳۸۳.
- ۲۳- کاتوزیان، ناصر: **مقدمه علم حقوق و مطالعه در ناظم حقوقی ایران**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۰.
- ۲۴- کوهی، محمدرضا: **با دختران**، تهران، انتشارات مشهور، چاپ اول، چاپ کوثر، بهار ۱۳۸۶.
- ۲۵- گروه تخصصی تفسیر قرآن: **تفسیر همراه**، ج ۲، دوره دو جلدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد، ۱۳۸۹.
- ۲۶- گلدوزیان، ایرج: **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران، انتشارات مجد، چاپ پازدهم، ۱۳۹۱.

۲۷- لنگرودی، جعفر، تاریخ حقوق ایران، ناشر کانون موقت ایران، چاپ گیلان، بی تا.

۲۸- مترجمان: تفسیر هدایت، ناشر بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،

چاپ مشهد، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۷۷.

۲۹- مطهری، مرتضی: مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هشتاد و پنجم،

بهمن ۱۳۸۸.

۳۰- معین، محمد: فرهنگ فارسی معین، تهران، ویرایش و بازخوانی شهاب الدین

ارجمندی، چاپ اول، ۸۱، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷.

۳۱- موفی، عابدین: گزیده حقوق جزای خصوصی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه پیام

نور، چاپ اول، آذر ۱۳۸۴.

۳۲- میرخلیلی، محمود: پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی

اسلام، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

۳۳- میرمعزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.

۳۴- نوروزی، محمد: آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، قم، چاپ دوم،

مرکز چاپ نشر دفتر تبلیغات اسلام، ۱۳۸۶.

۳۵- همدانی موسوی، سیدمحمدباقر: ترجمه المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته

به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، دوره ۱۵ جلدی، ج ۵، ۱۳۷۴.

مقالات و نشریات:

۱- خسروشاهی، قدرت الله: پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی ، نشریه علوم

انسانی، پژوهش های مدیریت راهبردی، بصیرت، شماره ۳۱-۳۰.

۲- قاسمی روشن، ابراهیم: پیشگیری عوامل اجتماعی از جرم معرفت، نشریه علوم انسانی،

شماره ۳۶، مهر و آبان ۱۳۷۹.

۳- صالحی، جواد و الهام صادقی راد: آموزه های اسلام دریچه ای به سوی پیشگیری

از جرم، نشریه فرهنگ و هنر، مهندسی فرهنگی، شماره ۶۲-۶۱، بهمن و اسفند ۹۰.

۴- قطبی، محمد: علل ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام ، اصلاح و تربیت، نشریه

روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۷۴، خرداد ۱۳۸۷.

۵- مرعشی، سیدمحمدحسن: علل روانی جرم از منظور قرآن ، نشریه حقوق

«دادرسی»، آذر و دی ۱۳۸۱، شماره ۳۵، ص ۴.

۶- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مجموعه مقالات پیشگیری

از جرم ، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.

۷- نبوی، محمدهادی: علل روانی جرم از منظور قرآن ، ماهنامه مهندسی فرهنگی،

شماره ۷۰-۶۹، مهر و آبان ۱۳۹۱.

۸- نیابتی، هاشم: شناخت علل واقعی ارتکاب جرم ، ماهنامه قضایی، نشریه حقوق،

شماره ۱۶، تیر ۴۶، شماره ۱۵، خرداد ۴۶، شماره ۱۳، فروردین ۴۶.

۹- شعاع کاظمی، مهرانگیز: جرم و راه های پیشگیری از آن، سایت:

[http:// marifat. Nashriyat. ir](http://marifat.Nashriyat.ir)

[www. Pajohoohe. Com](http://www.Pajohoohe.Com)

۱۰- مرادیان، میثم: وقوع جرم، سایت:

www. Tebyan. Net

۱۱- سایت تبیان:

۱۲- سایت نور مگز

مقاله تحقيق

راه های پیشگیری از جرائم اجتماعی

با توجه به اینکه در کشورها احکام اسلامی اجرا می شود پیشگیری از جرم با توجه به آموزه های دینی از اهمیت بالایی برخوردار است و اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم از اصول قضای اسلامی و سیاست جنایی اسلام محسوب می شود. که این اقدامات پیشگیرانه مجموعه ای از اقدامات و فعالیت های سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و سیاسی را در بر می گیرد. بستر طبیعی اجرای احکام اسلامی، جامعه ای را می طلبد که قبل از مبارزه با معلول و پدیده با علت و اساس آن مبارزه کند.^۱

در جرم شناسی بر حسب تاریخ ظهور آن ها چند نوع پیشگیری قابل تفکیک از هم است بدون اینکه این تفکیک و طبقه بندی مطلق باشد. نوع نخست عنوان «پیشگیری متداول» و دو نوع به عنوان «پیشگیری جدید» مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است که این پیشگیری ها هریک مبتنی بر مکتب و نظریه خاصی در جرم شناسی است.^۲

۱- پیشگیری های متداول:

قدیمی ترین پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوان بزهکار که شخصیت آن ها در حال شکل گیری و قوام یافتن است، باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده نمود، حال آنکه در مورد بزهکاران بزرگسال باید از ارباب انگیزی از طریق تهدید به مجازات استفاده کرد، زیرا شخصیت آن ها شکل و قوام گرفته است.^۳

مجازات ها و پیشگیری از جرم یکی از اهداف مجازات ها جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق ارعاب می باشد. مجازات های عمومی با ایجاد ترس در توده ی مردم مانع می شوند تا دیگران همان جرم را در آینده مرتکب شوند البته تأثیر مجازات ها از نظر جلوگیری جرم بیش از آن که مربوط به ترس از صدمه ی احتمالی ناشی از مجازات ها (مثل چند سال زندان) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم بستگی دارد، اگر جامعه جرمی را بد بداند و نسبت به آن واکنش نشان دهد، جنبه ی بازدارندگی جرم خیلی بیشتر از وقتی است که قانون، فعلی را جرم بداند ولی جامعه آن را ناپسند نداند؛ مثلاً در مورد فرار از مالیات اگرچه قانون آن جرم را شناخته، این فعل قبح زیادی در جامعه ندارد. به طور کلی میزان نفوذ و موفقیت نظام جزائی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده بستگی کامل و قطعی با میزان هماهنگی هنجارها و مجازات های جزائی با ارزش های فرهنگی جامعه دارد.

مجازات های خصوصی باعث می شوند مرتکب جرم به علت عقل سختی و مشقت مجازات در آینده از ارتکاب جرم خودداری کند. البته در برخی موارد مجازات به جای آن که هدف بازدارنده داشته باشد، خود عامل بزهکاری می شود؛ مثل سارق ناشی که با افتادن به زندان سارق حرفه ای می شود.^۴

۱-۱- پیشگیری عمومی و اختصاصی: نوعی پیشگیری از بزهکاری است. در پیشگیری

عمومی اقدام علیه عوامل بزهکاری عمومی بزهکار مورد توجه است. بدیهی است که نهادهای مردمی، و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه، محله و..... و محیط سربازی در این نوع پیشگیری نقش عمده ای دارند. حال آنکه در پیشگیری اختصاصی، عوامل اختصاصی تر جرایم و خشی کردن آن ها مورد توجه قرار می گیرد.

۱-۲- پیشگیری انفعالی (منفصل): و پیشگیری فعال که نخستین آورده اجلاس های

اینترپل در مورد پیشگیری است، از اواسط سال های ۶۰ میلادی، در جرم شناسی پیشگیرنده، از

نوع «هشدار پلیسی»، به استقبال پدیده ای که باید مانع وقوع آن باشد نمی روند، بلکه به طور انفعالی منتظر تأثیر این اقدام ها باقی می ماند؛ حال آنکه در پیشگیری فعال، پلیس برای اجتناب از وقوع جرم عمل می کند و مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را که در معرض جرم یا انحراف در زمان یا مکان خاصی قرار دارند، به عهده می گیرد. مشارکت جامعه مدنی و مثلاً شوراهای شهر و شهرداری یا اقدام مستقل هریک از آن ها در این خصوص نقش عمده ای ایفا می کنند.^۵

۳-۱- پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث: که با الهام از مدل معمولی در پزشکی ایجاد و از هم

تفکیک شده است. پیشگیری اولیه شامل اقدام هایی می شود که متمایل به تغییر اوضاع و اموال و شرایط جرم زای محیط فیزیکی و اجتماعی است. تمام جمعیت را در بر می گیرد، به وضعیت خاص گروه های در معرض خطر توجه ندارد و قبل از بروز مشکل یا اختلال وارد میدان می شود. بنابراین، هدف پیشگیری اولیه، جلوگیری از بروز اختلال یا ایجاد موانعی در راه گسترش آن است.^۶ در این روش تأکید بیشتر بر ممانعت از وقوع عمل مجرمانه است تا تأثیرگذاری بر خود مجرم. از طرف دیگر این نوع پیشگیری برای گروهایی توصیه می شود که شخصیت آن ها هنوز شکل نگرفته، می توان با برنامه ریزی و آموزش آن ها را از ورود به مسیرهای مجرمانه بازداشت. پیشگیری ثانویه شامل اقدام های پیشگیرنده ای می شد که در مورد یک گروه خاص در معرض خطر است که احتمال بروز ارتکاب جرم در آن ها بسیار زیاد است. اگر اقدام بازدارنده ای نسبت به آن ها صورت نگیرد مرتکب جرم خواهند شد. به عبارت دیگر، این پیشگیری مداخلات زلزمه زودرس را در بر می گیرد و هدفش جلوگیری از وخیم شدن یک اختلال در حال گسترش است. بنابراین، جمعیت هدف در این نوع پیشگیری بسیار محدودتر از پیشگیری اولیه است. برای مثال تدارک برنامه های پیش دبستانی که برای کودکان غیرحرفه ای را می توان نمونه ای از این

پیشگیری دانست.^۹ در این نوع پیشگیری تلاش بر وضعیت هایی متمرکز است که قبلاً پدید آمده و موجب قرار گرفتن افراد و گروه ها در آستانه ارتکاب جرم شده است.^{۱۰} پیشگیری ثالث شامل اقداماتی است که بعد از بروز مشکل، برای جلوگیری از تشدید یا عود بیماری و کمک به بیماری یا کمک به بیماران درمان شده و بازپروری آن ها برای از سر گیری یک زندگی مستقل، انجام می شوند و فقط جمعیتی را هدف قرار می دهد که مشکلات در آن ها بروز کرده اند.

این نوع پیشگیری در واقع از تکرار جرم از طریق اعمال اقدام های فردی و سازگاری مجدد بزهکار جلوگیری می کند. کمک ها و مساعدت های انجمن حمایت از زندانیان، اشخاص و شکل های علاقه مند در موفقیت سیاست اصلاحی - بازپروری بزهکاران در کنترل تکرار جرم تأثیر عهده دارد.

طبقه بندی نوین پیشگیری از بزهکاری که امروزه در متون جرم شناسی به کار برده می شود تا اندازه ای نوآوری و تا اندازه ای تلفیق از اشکال متداول پیشگیری است.^{۱۱}

۲- پیشگیری های جدید:

در این زمینه جرم شناسی امروزه، پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی را مطرح نموده است.

اگر جرم اتفاق بیفتد و بعد برای پیشگیری از آن مجازات اجرا شود این دیگر پیشگیری قبل از وقوع نیست بلکه پیش از تکرار جرم است.

تاریخ نشان می دهد که بشر از گذشته دور دمامد در فکر مقابله با جرایم و انحرافات بود. و در این زمینه دستاوردهایی نیز داشته است و به تناسب افزایش جرم و جنایت به اتخاذ انواع تدابیر پیشگیرانه، هرچند از نوع کیفری، روی آورده است. بشر پس از گذر از دوران های مختلف از نظر حقوق و قضایی و تجربه آزمودن مکاتب مختلف جزایی، امروزه بیشتر به فکر اتخاذ تدابیر

پیشگیرانه (اجتماعی و وضعی) است.^{۱۲}

به طور کلی «پیشگیری» به عنوان یکی از سیاست ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل اجتماعی محسوب می شود. این سیاست به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع جرم، انحراف و کژروی معطوف می باشند و از این جهت یک واکنشی است که در برابر انواع مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که کنشی است، قرار می گیرد و از آن کارآمدتر و مؤثرتر و از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به صرفه تر است.^{۱۳}

کلارک در مقدمه کتاب خود تحت عنوان پیشگیری وضعی از بزهکاری: مطالعات موارد موفق که در سال ۱۹۹۲ منتشر گردیده بیان می دارد:

« نظریه پیشگیری وضعی به یک روش خاص اشاره دارد که هدف آن متعال کردن جامعه و نهادهای آن نیست بلکه به طور ساده بر کاهش دادن فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم تکیه دارد.»

در تعریف دیگری آمده است:

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) درصدد آن است از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه زدایی از آن وضعیت پیش جنایی، آمار جرائم را مهار کند.^{۱۴}

بنابراین، پیشگیری وضعی، بیشتر با حمایت از آماج های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیگیری از بزه دیده گی افراد یا آماج ما در برابر بزه کاران است. بدون تردید یکی از عوامل مؤثر بر وقوع جرم، مناسب بودن شرایط مادی وقوع جرم است و برهم زدن این شرایط و تبدیل کردن آن ها به شرایط خطر برای مجرمین بالقوه می تواند تا حدود زیادی از وقوع جرم جلوگیری کند. البته این دیدگاه و عدلی که بر اساس آن برای پیشگیری از جرم پیشنهاد شده است مورد انتقاد برخی جرم شناسان قرار گرفته است؛ زیرا به اعتقاد این گروه از جرم شناسان

شرایط فیزیکی مناسب برای ارتکاب جرم صرفاً یک عامل فرعی است و تأثیرگذاری بر این عامل نمی تواند مانع تأثیر عوامل اصلی بزهکاری شود و به همین دلیل از بین بردن و یا کاهش فرصت های جرم را صرفاً موجب جاب به جایی می شود و نه کاهش آن.

۱-۲- پیشگیری اجتماعی

نگرش ها و انگیزه های مجرمین تأکید می کند. و اقدامات خود را بر توسعه ی طرح هایی مانند کلپ نوجوانان و پروژه های مبتنی بر فعالیت متمرکز می نماید تا مجرمین بالقوه یا بالفعل را از ارتکاب جریام منصرف کند.

هدف استراتژی های پیشگیری اجتماعی یا تقویت نهادهای اجتماعی مؤسسات جامعه پذیر کننده به منظور تأثیرگذاری بر گروه هایی است که بیشتر در معرض ارتکاب جرم هستند.

۲-۲- ارزیابی مدل های پیشگیری:

رویکردی ارزشمند و مفید بوده و تأثیر آن در کاهش آمار جرم و بزهکاری را نمی توان انکار کرد، اما در عین حال رویکردی مادی و معطوف به شرایط فیزیکی ارتکاب جرم و حداکثر، بهبود شرایط زندگی و منصرف نمودن انگیزه های مجرمانه به سمت فعالیت های غیر مجرمانه، می باشد. آنچه در این رویکرد کمتر مورد توجه واقع شده است و هیچ کدام از مدل های پیشگیری به طور جدی به آن نپرداخته اند، ایجاد تحوّل اخلاقی در انسان و تعالی بخشیدن به بینش ها و گرایش های او است. این امر مهم و تأثیرگذار در اصلاح ساختار شخصیت انسان نه تنها به طوری جدی، به عنوان یک مدل پیشگیری مطرح نشده است، بلکه به نظر می رسد نظریه های موجود در جرم شناسی پیشگیرانه به دو دلیل از پرداختن جدی به آن ناتوان است. اول این که ایجاد تحوّل اخلاقی و بهبود بخشیدن شخصیت انسان ها به منظور سازگاری هرچه بیشتر با هنجارهای اجتماعی و اجتناب از بزهکاری، مستلزم باورداشتن ارزش هایی ثابت و فراگیر و پذیرفتن یک شیوه ی رفتاری

خاص به عنوان الگو و نمونه که همه ی افراد جامعه باید خود را با آن هماهنگ کنند، می باشد در حالی که به نظر می رسد جوامع غربی روز به روز از چنین همبستگی اجتماعی و فرهنگی فاصله می گیرند و به سمت از هم گیسختگی فرهنگی پیش می روند. به اعتقاد آقای رموند گسن جرم شناس معروف فرانسوی:

« با چنین وضع اجتماعی- اخلاقی فروپاشیده، اندیشه ی باز اجتماعی کردن مجرم و پیشگیری بزهکاری برای بسیاری از مردم چه معنا و مفهومی ممکن است در بر داشته باشد؟ باز اجتماعی کردن به چه؟ و پیشگیری از چه چیز؟ بدین ترتیب قانون جزا و ممنوعیت هایی که این قانن در متن خود پیش بینی کرده نه فقط برای بسیاری از جوانان، بلکه حتی برای بسیاری از بزرگسالان به کهکشان دوردست می ماند که توجه را به خود جلب نمی کند. در عوض توجه آنان یکسره به مرام های اجتماعی- اخلاقی بسیار متفاوت و بحث انگیز معطوف شده است در این وضع، عدم کارایی تدابیر کنترل اجتماعی و نیز از هم پاشیدگی نظام های سیاست جنایی که توفیق واقعی در امر مهار واقعیتهای که بسیار متنوع و متضاد است، نداشته اند، تعجب آور نیست.^{۱۷}»

۳-۲- پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی: اسلام که انسان را موجودی برتر و دارای

قوا و استعداد های فوق العاده در مسیر رشد و تعالی می داند، ضمن توجه به اهمیت و ضرورت پیشگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی و عملی انسان این امر را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده و آموزه های متعدد و متنوعی را به این امر اختصاص داده است که توجه و به کارگیری آن ها نه فقط موجب پیشگیری از وقوع جرم و انصراف درونی از فعالیت های مجرمانه می گردد، بلکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان رانیز تضمین و او را به هدف والایی که برای آن آفریده شده است نزدیک می کند. از میان آموزه های دینی که به این مسئله پرداخته است آموزه های قرآنی به لحاظ تأثیرگذاری و تنوع و گستردگی از برجستگی خاصی برخوردار است که تقاضا می کند به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرند، به ویژه که تاکنون بحث و بررسی خاصی در مورد آن ها صورت نگرفته است. این بررسی نشان خواهد داد که اصیل ترین متن دینی مملو از

آموزه هایی است که مستقیم یا غیرمستقیم به پیشگیری از جرم و انحراف های اخلاقی و رفتاری

مربوط می شود به گونه ای که آموزه های کیفری در مقایسه با این آموزه ها حجم بسیار کوچکی را به خود اختصاص می دهد و یک رویکرد فرعی به فرایند مبارزه با جرم محسوب می شود. گفتنی است که در این جستار کوتاه نمی توان تمامی آموزه های پیشگیرانه قرآنی را مورد بررسی قرار داد و تنها به دسته بندی این آموزه ها و ارائه نمونه هایی از هر یک اکتفا خواهد شد. آموزه های پیشگیرانه در قرآن را می توان به سه گروه طبقه بندی کرد: الف) اعتقادات پیشگیرانه ب) اخلاقیات پیشگیرانه و ج) احکام پیشگیرانه.

۱-۳-۲- اعتقادات پیشگیرانه: آموزه هایی است که با معتقد نمودن انسان به مبدأ و معاد و

تبیین فلسفه حیات، او را در صراط مستقیم کمال قرار می دهد و از هر گونه انحراف از مسیر اصلی زندگی حفظ می کند. این آموزه ها با معنا بخشیدن به زندگی انسان او را از احساس بی هویتی و پوچی در زندگی که می تواند منشأ گسستگی از ارزش های انسانی باشد دور می کند و با امید بخشیدن به انسان او را در برابر ناملایمات زندگی مقاوم و استوار می نماید.

۱-۳-۱- اعتقادات پیشگیرانه: عمیق ترین پیشگیری، باور داشتن آموزه هایی است که

انسان را از لغزش و انحراف باز بدارد و همواره او را در مسیر تعالی و رشد نگهدارد. بدیهی است هرچه این باورها در عمق وجود انسان رسوخ کرده باشد، تأثیر آن ها بر رفتار انسان بیشتر خواهد بود. اعتقاد به این آموزه ها نه تنها مانع از ارتکاب جرم به مفهوم حقوقی آن است، بلکه مانع را از گرایش به هر نوع رفتاری که بر خلاف شأن و منزلت انسانی او است و یا رفتاری که لغو و بیهوده می باشد حفظ می کند. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا»^{۱۸} «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»^{۱۹} «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^{۲۰} علاوه بر این باور داشتن این آموزه ها انسان را در میدان تلاش و مسابقه به سوی نیکی ها و انجام اعمال و رفتار پسندیده وارد می کند. «لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»^{۲۱} «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^{۲۲} «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ»^{۲۳} و به مرحله ای از رشد و تعالی معنوی می رساند که هرگز

میل و اراده‌ی به سوی باطل و فساد در او پدید نمی‌آید. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^{۲۴} «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِأُمُورٍ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^{۲۵} این اعتقادات خود به چند دسته تقسیم می‌شوند و به مهم‌ترین آن‌ها که بیشترین تاثیر را در پیشگیری از جرم دارند اشاره می‌شویم:

۱-۱-۱-۲- اعتقاد به خداند و الوهیت او: اعتقاد به خداوند به عنوان خالق و مالک

جهان هستی به عنوان زیربنای تمامی اعتقادات دینی نقش اساسی در نظام اعتقادی اسلام دارد به گونه‌ای که انکار خداوند موجب از بین رفتن هرگونه اعتقادی دینی می‌شود. انسان به عنوان بخشی از جهان هستی آفریده خداوند و مسئول و متعهد در برابر او است. مهم‌ترین مسئولیت و تعهد انسان در برابر خداوند اطاعت و بندگی است که فلسفه‌ی آفرینش انسان و رمز سعادت او است.^{۲۶} توحید در اطاعت و بندگی انسان را از بندگی غیر او آزاد می‌کند و اساسی‌ترین عامل انحراف از صراحت مستقیم را که بیعت از شیطان و هوای نفس می‌باشد از بین می‌برد «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^{۲۷} «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»^{۲۸}

۱-۱-۲-۲- اعتقاد به علم و آگاهی خداوند: یکی از مهم‌ترین اعتقادات بازدارنده،

اعتقاد به علم خداوند نسبت به همه‌ی موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار او است. از دیدگاه قرآن تمام موجودات در محضر خداوند هستند «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^{۲۹} «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا»^{۳۰} و هیچ چیزی از آن‌ها بر خداوند پوشیده و پنهان نیست. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»^{۳۱} انسان نیز به عنوان بخشی از عالم هستی تحت احاطه‌ی علمی خداوند قرار دارد و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری او، بلکه افکار و

اندیشه ها و خطورات قلبی و آنچه را با خود حدیث نفس می کند، برای خداوند معلوم و مشهود است. «يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ»^{۳۲} «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ»^{۳۳} «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ»^{۳۴} «... وَتَعْلَمُ مَا تُوسَّوْسُ بِهِ نَفْسُهُ»^{۳۵} «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»^{۳۶} «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ»^{۳۷} از دیدگاه قرآن رابطه تکوینی خداوند با انسان به گونه ای است که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک تر است و تَحَنُّنٌ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ^{۳۸} و بلکه بین انسان و قلب او حائل است. «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ...»^{۳۹} اعتقاد به این آموزه ها موجب می شود که انسان همواره خود را تحت نظارت خداوند متعال بداند و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری خود را کنترل نماید، بلکه درون خویش را نیز از هرگونه آلودگی و فکر و نیت ناپسند حفظ نماید و از آنجا که اعمال و رفتارشان ظهور افکار و اندیشه های او است، طبیعی است که با کنترل و هدایت افکار و اندیشه های انسان، رفتار او نیز اصلاح خواهد شد و ریشه ی انحراف و کج رفتاری از بین خواهد رفت.^{۴۰}

۳-۱-۱-۲-۳-۲- اعتقاد به تأثیر اعمال و رفتار انسان بر سرنوشت او: یکی دیگر از آموزه

های اعتقادی که می تواند تأثیر زیادی بر کنترل رفتار انسان داشته باشد، باورداشتن تأثیر عمل بر شخصیت و هویت انسان و در نتیجه سعادت یا شقاوت او است. هویت انسان تحت تأثیر دو عامل اساسی؛ یعنی عقیده و عمل قرار دارد. عقیده زیربنای عمل و عمل نیز مؤثر بر عقیده و این دو در تعامل با یکدیگر هویت انسان را شکل می دهند. از دیدگاه قرآن، ایمان به تنهایی و بدون عمل صالح برای سعادت انسان کافی نیست، لذا همواره ایمان و عمل صالح با هم به عنوان فز سعادت انسان بیان شده است. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا»^{۴۱} «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَبِينَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ»^{۴۲} از طرف دیگر عمل ناپسند و تخلف از اصول انسانی و اسلامی نه تنها موجب تضعیف اعتقادات صحیح انسان می شود «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»^{۴۳}، بلکه سرانجام غیرقابل تحملی را نیز برای انسان رقم می زند و او را از رسیدن به سعادت باز می دارد. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ»^{۴۴} «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ»^{۴۵} «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَا»^{۴۶} ارتکاب این اعمال رفته رفته هویت انسان را به گونه ای تغییر می دهد که نه تنها از انجام این گونه اعمال احساس ناراحتی نمی کند، بلکه رفتار خود را صحیح و پسندیده می داند و به انجام آن ها مغرور و مسرور می شود.^{۴۷}

۴-۱-۱-۲-۳-۲- اعتقاد به معاد و تحقق عدالت و قسط کامل: یکی از مؤثرترین اعتقادات

پیش گیرانه، اعتقاد به تجدید حیات انسان پس از مرگ و بارگشت به سوی خداوند و رسیدن به نتیجه اعمال و رفتاری است که در حیات مادی از انسان سر زده است. از دیدگاه قرآن تحقق این وعده الهی تخلف ناپذیر است «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»^{۴۸} و دلایل زیادی نیز بر آن اقامه شده که در محل خود بیان شد. معاد از دیدگاه قرآن تجلی گاه عدل و قسط خداوند در هنگام رسیدن انسان به اعمال نیک و بد خویش است. مجرمینی که بدون توبه و اصلاح نفس خویش در پیشگاه عدل الهی حاضر شوند، سرافکنده و حقیر خواهند بود و با عذاب شدید و تحمل ناپذیر الهی مواجه خواهند شد. «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ»^{۴۹} «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^{۵۰}، به گونه ای که حاضر می شوند برای نجات خویش فرزندان و برادران و دوستان و خویشاوندان و حتی همه ی

انسان های روی زمین را فدیة دهند تا از عذاب رهایی یابند «يُبَصِّرُوهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِنِسْبِهِ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ وَقَصِيلَتِهِ الْبَنَىٰ تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ»^{۵۱} در حالی که هرگز چنین نخواهد شد و اگر کسی که ظلم به دیگران نموده است مالک همه ی آنچه

روی زمین است باشد، آن را به عنوان فدیة در برابر عذاب الهی از او نپذیرند. «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^{۵۲} رسیدگی به حساب مجرمین آن چنان دقیق خواهند بود که وقتی پرونده ی آنان در محکمه ی عدل الهی باز می شود به شدت هراسناک و با تعجب سؤال می کنند این چه کتابی است که هر عمل کوچک و بزرگی را ثبت و شمارش کرده است و تمام اعمال و رفتار خود را عیناً حاضر می بینند و مشاهده می کنند. «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^{۵۳}، و از مشاهده ی اعمال و رفتار بد و ناشایست خود آن چنان ناراحت می شوند که آرزو می کنند ای کاش بین آن ها و اعمالشان فاصله ی بسیار زیادی می بود. «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا»^{۵۴} آموزه های قرآنی در این زمینه بسیار زیاد است و در اینجا فقط به عنوان نمونه به بعضی از آن ها اشاره شد. بدون تردید اعتقاد راسخ به این آموزه ها بزرگ ترین مصونیت را در برابر هر گونه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران برای انسان ایجاد می کند. منافعی که انسان از راه تجاوز به حقوق دیگران می تواند تحصیل کند نسبت به سختی و شدت عذابی که در برابر آن مهیا شده است آن چنان حقیر و ناچیز است که هیچ انسان عاقل و دوراندیشی حاضر به چنین معامله ی زیان باری نخواهد شد؛ به خصوص با توجه به این امر که این منافع، زودگذر و زوایلیرند و حداکثر تا پایان عمر انسان با وی همراهند، اما مجازات ناشی از مجازاتی همیشگی است و هیچ گریزی از آن وجود ندارد. بدیهی است راه توبه و بازگشت که خود نوعی اصلاح درونی است همواره به روی مجرمین و ستم گران باز است و آنان می توانند از این راه استفاده کنند که هم موجب جبران گذشته و هم تأمین آینده می شود و بهترین و مطمئن ترین شیوه برای پیشگیری از

تکرار جرم و بازگشت به تبه کاری است.^{۵۵}

۲-۳-۲-۲-۱ اخلاقیات پیشگیرانه : که بیشترین حجم آموزه های پیشگیرانه را به

خوداختصاص می دهد، آموزه هایی است که انسان را به داشتن فضائل و مکارم اخلاقی دعوت می کند و ارتباط او را با دیگران به گونه ای تنظیم می کند که نه تنها به خود اجازه نمی دهد به حقوق آنان تجاوز نماید، بلکه خود را ملتزم به نصیحت و خیرخواهی و ایثار و گذشت نسبت به آن ها می داند.

جرم و بزهکاری محصول زندگی جمعی و روابط متقابل انسان ها با یکدیگر است. در این تعامل اجتماعی مهم ترین عامل تأثیرگذار بر این روابط خصوصیات و ویژگی های اخلاقی است که افراد جامعه از آن برخوردارند و در رفتار خود بروز می دهند. بدیهی است هرچه این ویژگی ها انسانی تر و متعالی تر باشند روابط اجتماعی نیز لطیف تر و دقیقتر خواهد بود و بر عکس چنانچه این ویژگی ها غیرانسانی و برخاسته از روحیه خودخواهی و منفعت طلبی و بی توجهی به حقوق و مصالح دیگران باشد، روابط افراد با یکدیگر تنش زا و جرم خیز خواهد بود. این واقعیت عینی و قابل مشاهده موجب می شود که آموزه های اخلاقی دارای آثار بازدارنده و پیشگیرانه تلقی شوند، اما توجه به این مسئله لازم است که تأکید دین بر آموزه های اخلاقی صرفاً برای رسیدن به این آثار نیست و دین آموزه های اخلاقی را ابزاری برای رسیدن به این هدف نمی داند بلکه تأکید دین بر آموزه های اخلاقی به دلیل اهمیت و نقش اساسی آن ها در تعالی روحی و معنوی انسان و تحقق بخشیدن به فلسفه ی وجودی او است. در این قسمت نیز به بعضی از آموزه های اخلاقی که می تواند در پیشگیری از وقوع جرایم و انحرافات نقش داشته باشد اشاره شود.^{۵۶}

۲-۳-۲-۲-۱ توصیه و تشویق به رعایت تقوا: تقوا و رعایت حدود الهی به عنوان مهم ترین

ارزش اخلاقی که انسان را به انجام وظایف خود و دوری از جرایم و انحرافات، ملزم می نماید مورد تأکید و توصیه مکرر قرآن قرار گرفته است به گونه ای که هیچ ارزش اخلاقی دیگری به اندازه ی

تقوا مورد سفارش و دستور خداوند قرار نگرفته است^{۵۷}، و هیچ گروهی مانند متقین مورد ستایش واقع نشده اند «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^{۵۸} «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۵۹} «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^{۶۰} «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ»^{۶۱} «وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»^{۶۲} «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ»^{۶۳} «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ»^{۶۴}. این ویژگی مهم اخلاقی که ثمره ی ایمان و اعتقاد انسان به خداوند و بازگشت به سوی او می باشد، به عنوان تنها راه سعادت و رستگاری انسان^{۶۵} «لِلْمُتَّقِينَ مَغَارًا» تأثیر شگرفی در تمامی رفتارها و تعاملات انسان با دیگران خواهد داشت به گونه ای که انسان با تقوا قبل از انجام هر عملی آن را مورد ارزیابی قرار می دهد و تنها در صورتی که آن را مطابق با معیارهای الهی و انسانی بداند، اقدام می کند و در غیر این صورت هرگز مرتکب آن نخواهد شد، علاوه بر این برخورداری از این ویژگی اخلاقی انسان را نسبت به اعمال و رفتار دیگران نیز حساس و مسئول قرار می دهد به گونه ای که سعی می کند دیگران را نیز به انجام رفتارهای پسندیده سفارش و از انجام کارهای ناپسند باز بدارد.

۲-۲-۳-۲- توصیه به عفو و گذشت: بسیاری از جرایم مسبوق به یک تحریک از طرف

منجی علیه می باشد به گونه ای که جرم شناسان شاخه ی جدیدی از علم برای جرم شناسی ایجاد کرده اند که به نقش منجی علیه در وقوع جرم می پردازد و به عنوان بزه دیده شناسی (victimology) از آن یاد می کنند. البته این نقش بسیار گسترده است و ابعاد مختلف آن قابل بررسی می باشد، اما از یک بُعد می توان به تأثیر اعمال و رفتار نامناسب و غیرمنطقی یک انسان در تحریک دیگری به ارتکاب جرم اشاره کرد. یکی از ارزش های اخلاقی که می تواند این عامل جرم زا را خنثی کند و حتی تأثیر سازنده بر طرف مقابل نیز داشته باشد، عفو و گذشت و پاسخ دادن بدی با نیکی و رفتار پسندیده است.

از دیدگاه قرآن اگرچه مقابله ی به مثل در برابر رفتار ظالمانه ی دیگران به عنوان یک حق

پذیرفته شده است «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»^{۶۶} عفو و

گذشت و بردباری در برابر ظلم دیگران نیز به عنوان یک ویژگی اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است. «وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»^{۶۷} «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^{۶۸} «وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۶۹} «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۷۰} برخورداری از این ویژگی موجب می شود که انسان خشم و غضب ناشی از رفتار دیگران را که می تواند منشأ عکس العمل های شدید بشود، کنترل نماید و به وجود آمدن تنش و درگیری در روابط خود با دیگران جلوگیری کند. مرحله ی بالاتر در مواجهه با رفتار تنش زای دیگران ایت است که انسان در مقابل این رفتار، رفتاری پسندیده از خود نشان دهد و با این عکس العمل طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و او را نیز متحول کند. اوبدگاه قرآن این ویژگی اخلاقی موجب می شود که عداوت و دشمنی که ریشه ی بسیاری از جرایم است به دوستی و محبت تبدیل شود و روابط افراد با یکدیگر روابطی دوستانه و محبتآمیز گردد. «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ»^{۷۱} «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^{۷۲}

۳-۲-۲- توصیه به انفاق، احسان و ایثار: بدون تردید منشأ بخشی از جرایم و

انحرافات اخلاقی و اجتماعی، محرومیت های اقتصادی و مادی است. به دلایل متعددی همواره طبقات و گروه هایی در جامعه وجود دارند که از تأمین حداقل نیازهای مادی خود ناتوانند و از داشتن حداقل امکانات زندگی محروم، و این محرومیت می تواند منشأ رفتارهای انتقام جویانه و یا جرایمی گردد که هدف از ارتکاب آن ها دست یافتن به حداقل امکانات زندگی و رفع محرومیت است.

درقرآن راه کارهای متعددی برای رفع محرومیت و تأمین نیازمندی های طبقات محروم جامعه ارائه شده است که مهم ترین آن ها انفاق مال «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ»^{۷۳} «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا»^{۷۴} و احسان «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^{۷۵} به آن ها است.

انفاق و احسان در مواردی تحقق پیدا می کند انسان آنچه را افزون بر نیاز خود دارد در اختیار نیازمندان قرار دهد، اما مرحله ی بالاتری را نیز قرآن بیان می کند که از آن به ایثار نام می برد و آن ترجیح دادن دیگران به خود و تأمین نیازمندی های دیگران علی رغم نیاز خویش است «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۷۶}»^{۷۷}

۴-۲-۳-۲- توصیه به حسن ظن: یکی از آموزه های اخلاقی دیگر که می تواند اثر

پیشگیرانه داشته باشد و از بروز تنش و درگیری در روابط افراد با یکدیگر جلوگیری کند، حسن ظن به دیگران در اعمال و رفتاری است که از آن ها سر می زند. نوع سوءظن و بدگمانی به دیگران، منشأ پدید آمدن تصوّرات غیرواقعی نسبت به آنان و در نتیجه دگرگونی در روابط با آن ها خواهد شد، به همین دلیل آموزه های اخلاقی اسلام، انسان ها را به حُسن ظن بر بهترین وجه ممکن توصیه کرده است و سوءظن به دیگران را در بسیاری از موارد امری غیراخلاقی، گناه و معصیت دانسته است و از آن نهی نموده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...»^{۷۸} «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ»^{۷۹} از دیدگاه جرم شناختی نیز سوءظن به دیگران و افراط در این امر می تواند موجب پدیدآمدن بیماری توهم نسبت به آنان و در نتیجه دشمن دانستن آنان و حتی تلاش برای از بیان بردن دشمنان فرضی بشود که خود یک عامل جرم زا است. البته آموزه های اخلاقی پیشگیرانه ی دیگری نیز در قرآن وجود دارد که در این مختصر از پرداختن به آن ها خودداری می شود.

۳-۲-۳- احکام و مقررات پیشگیرانه قوانین و مقررات و دستوراتی است که التزام به آنها

فرد و جامعه را در حالت اعتدال قرار می دهد و از به وجود آمدن بحران ها و وضعیت های جرم زا جلوگیری می کند. این احکام ضمن فراهم نمودن امکان برخورداری از مواهب طبیعی و تأمین کلیه ی نیازهای مشروع بشری و تنظیم روابط رسمی انسان ها با یکدیگر بر اساس حق و عدل،

آنان را از ورود به حریم لغزش ها و انحرافات رفتاری حفظ می کند. در صورتی که پیشگیری کیفری نیز نوعی پیشگیری تلقی شود، آموزه ها و احکام کیفری قرآنی را نیز می توان بخشی از احکام پیشگیرانه دانست که از دیدگاه جرم شناختی، پیشگیری ثالث و یا پیشگیری از تکرار جرم محسوب می شود.

بخش دیگری از آموزه های پیشگیرانه قرآن، احکام الزامی (اوامر و نواهی) مربوط به مسائل فردی و اجتماعی است. این احکام که به صورت واجبات و محرمات رعایت آن ها ضروری است و عدم رعایت آن ها علاوه بر عقوبت اخروی، مجازات دنیوی را نیز به دنبال خواهد داشت می توانند نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم و انحراف ایفا نمایند. این احکام به حوزه های مختلفی مربوط می شوند که به عنوان نمونه به برخی از آن ها اشاره می شود.^{۸۰}

۱-۳-۲- وجوب نماز یا ذکر مستمر: یکی از احکام الزامی و بسیار مهم قرآنی که می

تواند نقش مؤثری در بازداشتن انسان از هرگونه انحراف و کجروی داشته باشد، وجوب به پاداش نماز است. نماز به عنوان فریضه ای که بعد از ایمان مطرح گردیده است. «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^{۸۱} «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ»^{۸۲} پیوسته انسان را به یاد خداوند و بازگشت به سوی او متذکر می شود. «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^{۸۳} این تذکر دائمی و مستمر که در هر شبانه روز پنج نوبت در زمان های مشخصی تکرار می شد چنانچه با رعایت کلیه شرایط مادی و معنوی و آذین هُم عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^{۸۴} «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^{۸۵} انجام شود نه تنها انسان را از انحرافات اخلاقی بآیةها الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»^{۸۶} و رفتاری «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^{۸۷} حفظ می کند بلکه می تواند انسان را به بالاترین درجه ی کمال انسانی برساند و معراج او باشد. با توجه به این نقش سازنده و تأثیرگذار،

قرآن نسبت به بی توجهی به نماز هشدار داده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۸۸}

۲-۳-۳-۲- وجوب روزه یا مجاهده ی با نفس: یکی دیگر از احکام عبادی پیشگیرانه،

روزه داری است. این عبادت نیز مانند نماز در راستای استکمال نفس انسان تشریح شده است و ماهیت آن به گونه ای است که انسان را بر خویشتن مسلط می سازد و توانایی مقاومت در برابر خواسته های نامشروع را به او می دهد. از آن جا که یکی از مهم ترین عوامل ارتکاب جرم و گرایش به انحراف از دیدگاه اسلام هوای نفس و خواسته های انسانی است، روزه داری که سرچشمه ی تمرین و پشت پازدن به این خواسته ها است، امکان کنترل درونی آن ها را فراهم می کند و یک مانع قوی در برابر آن ها ایجاد می کند. این عبادت گرچه ممنوعیت از امور خاصی را در ساعات معین بر انسان الزام می کند، اما از آنجا که رعایت همین ممنوعیت ها موجب تقویت اراده انسان و سلطه ی برخورد می شود، انسان را در برابر هر خواسته ی نامشروع و اراده ی مجرمانه مقاوم و استوار می نماید. از دیدگاه قرآن روزه داری موجب رسیدن به ارزش متعالی تقوا و پرهیزکاری است «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^{۸۹} که خود مهم ترین ویژگی اخلاقی بازدارنده و پیشگیرانه است.^{۹۰}

۲-۳-۳-۳- وجوب امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی: در مطالعات جرم

شناسی این نکته به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که محیط اجتماعی، همانند محیط کشت برای میکروب ها، می تواند محل رشد و پرورش مجرمان باشد. کسانی که استعداد های لازم را در به فعلیت رساندن اندیشه های شرورانه خویش استفاده کنند و به افکار خود جامه عمل بپوشانند. پیامد چنین روندی، جز افزایش بزه کاری و شمار مجرمان و منحرفان و حاکمیت و سلطه آن ها بر جامعه نیست.^{۹۱}

یکی از احکام اجتماعی الزام آور که می تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرم، کنترل و نظارت اجتماعی داشته باشد امر به معروف و نهی از منکر است. از دیدگاه قرآن در یک جامعه ی

اسلامی انسان ها نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و موظف به نظارت، نصیحت و خیرخواهی نسبت به یکدیگر می باشند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۹۲} این فریضه که در قرآن مقدم بر نماز «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^{۹۳} و مقتضای ایمان به خداوند و روز قیامت دانسته شده است «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^{۹۴}، ضمانت اجرای عمومی برای تحقق همه ی ارزش های متعالی و محو همه ی اشکال انحراف و کجروی است. بدیهی است که کارآمد شدن این مکانیزم بازدارنده و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از آن منوط به تحقق شرایط اجرای این فریضه است.

مکانیزم بازدارندگی در امر به معروف و تلاش برای تحقق ارزش های متعالی در جامعه، به صورت بهبود بخشیدن به شرایط و اوضاع و احوال فکری و فرهنگی و رفتاری است که می تواند بسیاری از زمینه های بزهکاری و کجروی را از بین می برد. اما مکانیزم بازدارندگی در نهی از منکر و جلوگیری از وقوع پدیده های ناپسند در جامعه علاوه بر اینکه به صورت نهی از استمرار و ادامه ی رفتارهای ناپسند و در نتیجه ممانعت از تکرار این رفتارها در جامعه تحقق پیدا می کند، می تواند در قالب نهی نمودن از اموری که زمینه و مقدمه ی جرم و کجروی است نیز اعمال شود چه اینکه مسلماً وجوب نهی از منکر به وجوب نهی از مقدمات در زمینه های آن نیز سرایت پیدا می کند، به این ترتیب انجام صحیح این فریضه الهی که تکلیفی بر دوش کلیه افراد جامعه است می تواند به مراتب بیش از نظارت و کنترل رسمی که توسط نیروهای دولتی اعمال می شود، انحراف و بزهکاری را کنترل نماید و فضای جامعه را سالم و سازنده نگهدارد.^{۹۵}

۴-۳-۲- احکام اجرایی (قضایی) اسلام در این قسمت به تعدادی از مجازتهایی که

در قرآن کریم آمده اشاره می شود چرا که این مجازات ها خود می توانند نقش بازدارندگی از گناه و فساد و جرم را داشته باشند بخصوص زمانی که از زبان قرآن مطرح شده باشند به صورت گذرا

به تعداد از آن ها اشاره می شود «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ...»^{۹۶} «باید شما

مؤمنان هریک از زنان و مردان زناکار را به صدتازیانه مجازات و تنبیه کنید».

شاهد مثال در این آیه تازیانه زدن بر بدن شخص زناکار است که به حکم قرآن صدتازیانه

می باشد.

«وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ

شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۹۷}

«و آنان که به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آن گاه چهار شاهد بر دعوی خود نیاورند

آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آن ها را نپذیرید که مردمی فاسق و

نادرستند».

هرگاه «قذف» (اتهام ناموسی) با لفظ صریح انجام گیرد، به هر زبان و به هر شکل بوده باشد

حد آن همان گونه که در آیه گفته شد ۸۰ تازیانه است و اگر صراحت نداشته باشد مشمول حکم»

تعزیر است.^{۹۸}

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۹۹}

«ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید»

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» خطاب به جامعه اسلام و ارشاد به امر فطری

است بدین معنی که اجراء کیفر بر جنایتکار روح تازه ای در کالبد اجتماع می دمد، زیرا وقوع

فاجعه ای که حیات انسان را سلب نماید سبب اضطراب افکار عمومی خواهد شد چون هرکس

فکر می کند ممکن است او هم روزی د معرض این خطر وحشیگری قرار گیرد، و تنها اجرام

حاکم قصاص است که سبب آرامش جامعه شده و کیفر قاتل را به جامعه یادآور می شود.

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ

مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ

مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدْيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا^{۱۰۱}

« هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگری را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود، و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت باید به کفاره آن بنده مؤمنی را آزاد کند و خونبهای آن را به صاحبش تسلیم نماید مگر آنکه دیه را ورثه به قاتل ببخشند. و اگر مقتول مؤمن از قومی باشد که با شما دشمن و محاربند، قاتل دیه ندهد، لیکن بر او است که بنده مؤمنی را آزاد کند، و اگر مقتول از قومی است که بین شما با آنها پیمان برقرار بوده پس خونبها را به صاحب خون پرداخته و بنده مؤمنی به کفاره آن آزاد کند، و اگر بنده‌ای نیابد بایستی دو ماه متوالی روزه دارد. این توبه‌ای است که از طرف خدا پذیرفته است و خدا دانا و حکیم است.»

در این آیه جریمه و کفاره قتل خطا را در سه مرحله بیان می کند:

صورت نخست: این که فرد بی گناهی که از روی اشتباه کشته شده متعلق به خانواده مسلمانانی باشد که در این صورت قاتل باید دو کار کند یکی این که برده مسلمانانی را آزاد نماید و دیگر اینکه خون بهای مقتل را به صاحبان خون بپردازد.

صورت دوم: پرداخت دیه به جمعیتی که تقویت بنیه مالی آنان خطری برای مسلمانان محسوب شود ضرورتی ندارد، به علاوه اسلام ارتباط این افراد را با خانواده خود که همگی از دشمنان اسلام اند بریده است و بنابراین جایی برای جبران خسارت نیست.

صورت سوم: خاندان مقتول از کفاری باشد که با مسلمانان هم پیمانند، در این صورت

برای احترام به پیمان علاوه بر آزادکردن یک برده مسلمان خون بهای او را به بازماندگانش

بپردازند.^{۱۰۲}

« وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ
 بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
 الظَّالِمُونَ »^{۱۰۳}

« و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم
 را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر زخمی را قصاص
 خواهد بود. پس هر گاه کسی حق قصاص را ببخشد نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد شد، و هر
 کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود. »

پی‌نوشت

- ۱- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲ ص ۳.
- ۲- همان.
- ۳- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ص ۴.
- ۴- میثم مرادیان، وقوع جرم.
- ۵- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ص ۲۳.
- ۶- همان، ص ۳۳.
- ۷- پریخ دادستان، روانشناسی جنایی، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۸۶.
- ۸- قدرت الله خسروشاهی، پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی، نشریه علوم انسانی، پژوهش های مدیریت راهبردی، بصیرت، شماره ۳۱-۳۰، ص ۵۹.
- ۹- همان.
- ۱۰- پریخ دادستان، همان، ص ۲۸۶.
- ۱۱- تهیه و گردآوری معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ص ۲۴.
- ۱۲- همان، ص ۱.
- ۱۳- همان، ص ۳.

۱۴- محمود میرخلیلی، پیشگیری وضعی، صص ۳۶-۳۵.

۱۵- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۵۸.

۱۶- همان.

۱۷- همان، ص ۱۵.

۱۸- سوره توبه (۹)، آیه ۳۱.

۱۹- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۳.

۲۰- سوره آل عمران (۳)، آیه ۵۱.

۲۱- سوره یس (۳۶)، آیه ۶۰.

۲۲- سوره فرقان (۲۵)، آیه ۴۳.

۲۳- سوره قصص (۲۸)، آیه ۵۰.

۲۴- سوره مؤمنون (۲۳)، آیات ۱-۳.

۲۵- سوره فرقان (۲۵)، آیه ۷۲.

۲۶- سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۱۴.

۲۷- سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۶۱.

۲۸- سوره قصص (۲۸)، آیه ۸۳.

۲۹- سوره فصلت (۴۱)، آیه ۵۳.

۳۰- سوره نساء (۴)، آیه ۳۳.

۳۱- سوره آل عمران (۳)، آیه ۵.

۳۲- سوره انعام (۶)، آیه ۳.

۳۳- سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۹.

- ۳۴- سوره نور(۲۴)، آیه ۲۹.
- ۳۵- سوره ق(۵۰)، آیه ۱۶.
- ۳۶- سوره غافر(۴۰)، آیه ۱۹.
- ۳۷- سوره بقره(۲)، آیه ۲۳۵.
- ۳۸- سوره ق(۵۰)، آیه ۱۶.
- ۳۹- سوره انفال(۸)، آیه ۲۴.
- ۴۰- قدرت الله خسروشاهی، همان، صص ۶۳-۶۴.
- ۴۱- سوره کهف(۱۸)، آیه ۱۰۳.
- ۴۲- سوره محمد(۴۷)، آیه ۱۴.
- ۴۳- سوره روم(۳۰)، آیه ۱۰.
- ۴۴- سوره انعام(۶)، آیه ۱۲۰.
- ۴۵- سوره انعام(۶)، آیه ۱۲۴.
- ۴۶- سوره طه(۲۰)، آیه ۷۴.
- ۴۷- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۶۵.
- ۴۸- سوره حج(۲۲)، آیه ۷.
- ۴۹- سوره انعام(۶)، آیه ۱۲۴.
- ۵۰- سوره سجده(۳۲)، آیه ۱۲.
- ۵۱- سوره معارج(۷۰)، آیات ۱۱-۱۴.
- ۵۲- سوره یونس(۱۰)، آیه ۵۴.
- ۵۳- سوره کهف(۱۸)، آیه ۴۹.

- ۵۴- سوره آل عمران(۳)، آیه ۳۰.
- ۵۵- قدرت الله خسروشاهی، همان، صص ۶۶-۶۵.
- ۵۶- همان، صص ۶۷-۶۶.
- ۵۷- حدود ۱۰۰ آیه در قرآن کریم دستور به رعایت تقوا داده است.
- ۵۸- سوره اعراف(۷)، آیه ۱۲۸.
- ۵۹- سوره توبه(۹)، آیه ۷.
- ۶۰- سوره بقره(۲)، آیه ۱۹۴.
- ۶۱- سوره نحل(۱۶)، آیه ۳۱.
- ۶۲- سوره زخرف(۴۳)، آیه ۳۵.
- ۶۳- سوره جاثیه(۴۵)، آیه ۱۹.
- ۶۴- سوره قمر(۵۴)، آیه ۵۴.
- ۶۵- سوره نبأ(۷۸)، آیه ۳۱.
- ۶۶- سوره شوری(۴۲)، آیات ۴۰-۳۹.
- ۶۷- سوره شوری(۴۲)، آیه ۳۷.
- ۶۸- سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۳۴.
- ۶۹- سوره تغابن(۶۴)، آیه ۱۴.
- ۷۰- سوره نور(۲۴)، آیه ۲۲.
- ۷۱- سوره مؤمنون(۲۳)، آیه ۹۶.
- ۷۲- سوره فصلت(۴۱)، آیه ۳۴.
- ۷۳- سوره بقره(۲)، آیه ۲۵۴.

- ۷۴- سوره حدید(۵۷)، آیه ۷.
- ۷۵- سوره بقره(۲)، آیه ۱۹۵.
- ۷۶- سوره حشر(۵۹)، آیه ۹.
- ۷۷- قدرت الله خسروشاهی، همان، صص ۶۸-۶۷.
- ۷۸- سوره حجرات(۴۹)، آیه ۱۲.
- ۷۹- سوره نور(۲۴)، آیه ۱۲.
- ۸۰- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۶۹.
- ۸۱- سوره بقره(۲)، آیه ۳.
- ۸۲- سوره ابراهیم(۱۴)، آیه ۳۱.
- ۸۳- سوره طه(۲۰)، آیه ۱۴.
- ۸۴- سوره معارج(۷۰)، آیه ۳۴.
- ۸۵- مؤمنون(۲۳)، آیه ۲.
- ۸۶- سوره نساء(۴)، آیه ۴۳.
- ۸۷- سوره معارج(۷۰)، آیه ۱۹-۲۳.
- ۸۸- سوره عنکبوت(۲۹)، آیه ۴۵.
- ۸۹- سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۱۴.
- ۹۰- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۷۱.
- ۹۱- جواد صالحی و الهام صادقی داده، آموزه های اسلام دریچه ای به سوی پیشگیری از جرم، نشریه فرهنگ و هنر، مهندسی فرهنگی، بهمن و اسفند ۹۰، شماره ۶۲-۶۱، ص ۱۸.
- ۹۲- سوره بقره(۲)، آیه ۱۸۳.

۹۳- سوره توبه (۹)، آیه ۷۱.

۹۴- همان.

۹۵- قدرت الله خسروشاهی، همان، ص ۷۱.

۹۶- سوره نور (۲۴)، آیه ۲.

۹۷- سوره نور (۲۴)، آیه ۴.

۹۸- احمد علی بابایی، برگزیده تفسیرنمونه، دوره ۲۷ جلدی، تهران، ناشر دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش، چاپ سیزدهم، ج ۳، ص ۲۷۶.

۹۹- سوره بقره (۲)، آیه ۱۷۹.

۱۰۰- محمد حسین حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ج ۲، دوره ۱۸ جلدی، چاپ

اول، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۰۱.

۱۰۱- سوره نساء (۴)، آیه ۹۲.

۱۰۲- احمد علی بابایی، برگزیده تفسیرنمونه، ج ۱، ص ۴۳۷.

۱۰۳- سوره مائده (۵)، آیه ۴۵.